تصویر ابو عبدالرحمن الکردي

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالرحمن السلمان

پاره‌ای از
محاسن دین اسلام

ترجمه : سید شهاب‌الدین موسوی



پاره ای از

محاسن دین اسلام

تألیف

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالرحمن السلمان

ترجمه

سید شهاب الدین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

Salman, Abd al Aziz Mohammad سلمان، عبدالعزیز
پاره ای از محاسن دین اسلام/تالیف عبدالعزیز محمدبن عبدالرحمن السلمان؛
ترجمه شهاب الدین موسوی. ـ ـ مشهد: سنبله، ۱۳۸۴.
۱۷۷ ص.
ISBN: 964-06-6078-7
عنوان اصلی: من محاسن الدین الاسلامی.
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. اسلام ـ ـ مسائل متفرقه. ۲. اخلاق اسلامی. الف. موسوی، شهاب الدین،
۱۳۵۲ ـ ، مترجم. ب. عنوان.
۲پ۷۷س/ BP ۱۱ ۲۹۷/۰۲
کتابخانه ملی ایران ۸۰۶ ـ ۸۴ م

نشر سنبله

پاره ای از محاسن دین اسلام

نویسنده: عبدالعزیز محمدبن عبدالرحمن السلمان

مترجم: سید شهاب الدین موسوی

ناشر: نشر سنبله.

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۷ ـ ۶۰۷۸ ـ ۰۶ ـ ۹۶۴

مرکز پخش: انتشارات محمدیه ـ تربت جام: ۲۲۲۸۵۶۱(۰۵۲۸)

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

تقدیم به :

به آنان که در طول دوران تحصیل حامی و مشوقم بوده اند :

پدر و مادر مهربانم

و همسر فداکارم

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض مترجم

« رضیت بالله رباً و بالإسلام دیناً و بمحمد نبیاً و رسولاً »

طبق آموزه های دینی ، برترین و والاترین نعمت برای بنده ، اعلام رضایت پروردگار است از وی . چنانچه در روایات آمده که چون اهل بهشت و صالحان در سرای آخرت به بهشت درآیند ، با انواع نعمت ها و اقسام مختلف لذایذ و خوشیها از جانب خداوند منان مورد نوازش قرار می گیرند . در انتها پروردگار از بندگان می پرسد ، آیا راضی شدید؟ اهل بهشت عرض می کنند : ما را چه شده ای پروردگار ما که راضی نباشیم ،در حالی که به ما چیزهایی بخشیده ای که به هیچ یک از مخلوقاتت نبخشیده ای؟! پروردگار می فرماید : آیا برتر از این به شما عطا نکنم؟ بندگان با تعجب می پرسند : چه چیز

میتواند (از این همه نعمت) برتر باشد؟! خداوند عزوجل می - فرماید: رضایت و خشنودی خودم را بر شما حلال گردانیدم و از این پس هرگز بر شما غضب و خشم نخواهم گرفت.[۱]

در روایت دیگری وارد است که هر کس صبحگاهان و شامگاهان این جمله را تکرار نماید که « **رضیت بالله ربا و بالإسلام دینا و بمحمد نبیا و رسولاً** » خداوند از وی اعلام رضایت می نماید.[۲]

اما مگر مفهوم جمله ی مذکور چیست که به این سادگی چنین سعادت بزرگی را برای بنده به ارمغان می آورد؟!

مفهوم بخش اول آن (رضیت بالله رباً) این است که بارالها! من راضی ام به این که تو رب، مربی و پروردگار منی. من به کلیه ی حالات از خوشی و غم، نعمت و نقمت، فقر و ثروت و ...که از جانب تو، با خواست و مشیت تو و با حکمت و رحمت بی کرانت به سوی من می آید، راضی و خشنودم!

---

[۱] قال رسول الله ﷺ: « إن الله عز وجل يقول لإهل الجنة: يا أهل الجنة، فيقولون: لبيک و سعديک و الخير في يديک، فيقول: هل رضيتم؟ فيقولون: مالنا لانرضى يا ربنا و قد أعطيتنا مالم تعط أحداً من خلقک؟ فيقول: ألا أعطيکم أفضل من ذلک؟ فيقولون: و أي شيء أفضل منذلک؟ فيقول: أحل عليکم رضواني فلا أسخط عليکم بعده أبداً ». متفق عليه

[۲] روايت ابوداود، ترمذی، نسايي و حاکم

و مفهوم بخش دوم و سوم آن(و بالإسلام دیناً و بمحمد نبیاً و رسولاً) این است که بار الها ! عکس العمل من هم در مقابل قضا و تقدیر تو منفعلانه نیست ، بلکه طبق رضای تو ، یعنی بر اساس دستورات آیین و دین برگزیده ی تو(اسلام)و به طریقه ـ ی نبی و پیغمبر تو محمد ﷺ خواهد بود .

با این باور و عقیده و عملکرد بنده است که خداوند هم از او اظهار رضایت و خشنودی می نماید .

و همین اظهار خشنودی پروردگار از بنده و بنده از پروردگار ، بزرگترین مدال افتخار صحابه ی پیامبرﷺ محسوب می شود که خداوند در همین دنیا با اعلان آن در قرآن به ایشان عنایت فرمود (رضی الله عنهم و رضوا عنه) .

ولی خداوند راه کسب این مدال را برای نسلهای بعد از ایشان هم نشان داده است و آن عبارت است از : « خشیت پروردگار » (ذلك لمن خشي ربه) و « این [مدال] از آن همه ی کسانی است که خشیت الهی داشته باشند » .

و در جایی دیگر فرموده : « إنما يخشى الله من عباده العلماء » (این است و جز این نیست که از بندگان خدا ، دانایان و آگاهان [به اسلام] از وی می ترسند .)

بنابراین نتیجه می گیریم که راه بدست آوردن این نعمت عظیم(رضایت پروردگار) ، تسلیم شدن در برابر تقدیرات وی ،

همراه با سرسپردگی و عمل نمودن آگاهانه و عالمانه به احکام اسلام عزیز است.

پس نه تنها باید به این که رب ما الله و دین ما اسلام و پیامبر ما محمد ﷺ است راضی و خشنود بود، بلکه باید افتخار کرد و آن را مایه ی عزت و سربلندی دنیا و آخرت دانست. چیزی که متأسفانه در بین بسیاری از مسلمان زادگان امروزی کمیاب است، بلکه گاهی بعضی در نگاههای سطحی و نابخردانه، علت اساسی ضعف و عقب ماندگی مسلمین را خود اسلام می دانند.

لذا این وظیفه ی کلیه ی اندیشمندان و داعیان دلسوز اسلامی است که با بیان محاسن و زیبایی های اسلام که سرآمد و متمم همه ی نعمت ها است و آیین همیشه جاوید خداوند و متناسب همه ی عصرها و مدنها است، اعتماد و اعتقاد راسخ را به امت و به خصوص جوانان مسلمان بازگردانند.

به قول دکتر سید حسین نصر اندیشمند بزرگ اسلام و استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج واشنگتن امریکا: « هرگز نباید فراموش کرد که قرآن و حدیث، سرچشمه های توأمان سنت اسلامی، همه ی ارشاداتی را که مسلمانان پیر و جوان، در حال و آینده، تا انتهای جهان یا پایان تاریخ، بدان نیاز دارند، در اختیارشان می نهد. این بر عهده ی هر نسل از

مسلمین است که همچنان به تعالیم این دو منبع لایزال ایمان داشته باشند و این تعالیم را مطابق مشیت خداوند، بر اوضاع و احوال خاصی که برایشان پیش می آید اطباق و اعمال کنند و مسلم بدانند که، بر خلاف همه ی آنچه ممکن است در ظاهر بنماید، هیچ وضع بشری و «هیچ جهانی» که نشود تعالیم اسلام را در آن اعمال کرد، وجود ندارد. کلمه ی حق همواره برترین کلام است، زیرا خداوند است یکی از اسمائش «الحق» است، و به تعبیر مشهور قرآنی « جاء الحق و زهق الباطل »، و آن گاه که حق بیاید باطل خواهد رفت.»[1]

کتابی که پیش رو دارید تألیف دانشمند گرانقدر شیخ « عبد العزیز بن محمد بن عبدالرحمن السلمان »، استاد سابق دانشگاه ریاض، در همین راستا است. که در آن اندکی از محاسن و زیبایی های بی کران دریای اسلام، با استناد از کتاب و سنت بیان شده است. با امید این که خداوند آن را قبول فرماید و رضایت خود را نصیب نویسنده و مترجم و کلیه ی دست-اندرکاران چاپ و نشر و خوانندگان آن گرداند. آمین

در ضمن یادآور می شود ترجمه ی آیات از تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل گرفته شده است.

---

[1] جوان مسلمان و دنیای متجدد ص ۳۵۹ــ۳۶۰، تألیف دکتر سید حسین نصر، ترجمه ی مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو تهران ۱۳۸۲

در همین جا ، جادارد از کلیه ی عزیزانی که به گونه ای بنده را در این امر خیر یاری نمودند ، تشکر و قدردانی نمایم و از خوانندگان محترم هم خواهشمند است با انتقادهای سازنده شان راهنمای ما باشند و مؤلف و مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایند .

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

سید شهاب الدین موسوی

خیرآباد ـ تایباد

۱۳۸۳/٦/۷شمسی

مقدمه ی مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

ألحمد لله الذى تفرد بـالجلال والعظمـة والعـز والكبريـاء والجمال ، و أشكره شكر عبد معترف بالتقصـير عـن شـكر بعض ما أوليه من الأنعـام والإفضـال ، و أشـهد أن لاإلـه إلاالله وحده لا شريک لـه ، و أشـهد أن محمـداً عبـده و رسوله صلى الله عليه و على آله و صحبـه و سـلم تسـليماً كثيراً .

چندی پیـش شـمه ای از محاسـن دیـن اسـلام را گـردآوری نمـودم و آن را در کتـاب خـودم بـا نـام « مـوارد الظمـآن لـدروس الزمـان » گنجـاندم .

پس از مدتی بعضی از دوستان مخلص و نیکوکار بر آن شدند تا آن را جداگانه چاپ و نشر نموده و در بین مسلمین و غیر مسلمین توزیع و منتشر نمایند، به امید این که خداوند آنرا مفید و سبب هدایت هر کس که اراده ی هدایت و توفیقش را نموده است، قرار دهد.

از خداوند سبحان می خواهیم که عمل ما را خالص برای رضای خود بگرداند و کلیه ی کسانی را که در چاپ و نشر و مطالعه و شنیدن آن کوشیده اند، مأجور گرداند. به درستی که او شنوا و قریب، و اجابت کننده ی دعاها است.

اللهم صل علی محمد و آله و سلم

مدخل

ای بندگان خدا ! خداوند متعال ـ که صادق ترین گویندگان است ـ فرموده است :

﴿ أليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً ﴾

« امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (باعزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آیین خداپسند برای شما برگزیدم .» مائده/ ۳

خداوند دین را با نصرت و غلبه ی آن بر سایر ادیان به کمال رساند ؛ بنده و رسولش را یاری داد و اهل شرک را بعد از اینکه در ممانعت و سد راه شدنشان بر مؤمنان حریص و طمع کار بودند ، به ذلت و خواری سختی گرفتار فرمود . و زمانی که مشرکین عزت و پیروزی اسلام را مشاهده کردند از اینکه دوباره مؤمنین به دین باطلشان برگردند کاملاً ناامید گشتند و همواره از ایشان می ترسند و هراس دارند .

و خداوند بلندمرتبه با هدایت و توفیق ، عزت و تأیید ، نعمت را بر بندگانش به اتمام رسانید و برای ما دین اسلام را پسند فرمود و از میان تمام ادیان آن را برای ما اختیار نمود . و همین است دین در نزد الله سبحان نه غیر آن . پروردگار می - فرماید :

﴿و من یبتغ غیرالإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین﴾

« و کسی که غیر از (آیین و شریعت) اسلام ، آیینی برگزینند ، از او پذیرفته نمی شود،و او در آخرت از زمره - ی زیانکاران خواهد بود .» آل عمران/ ۸۵

ای بندگان خدا !

صاحبان افکار سالم و بی آلایش در احکام اسلام اندیشیدند و در مقابل آن سر تسلیم خم نمودند و در حکمت های زیبایش تأمل نمودند و آن را پسندیدند ، و دلهایشان در مبادی حکیمانه ی آن غور نمود ، پس آن را گرامی داشتند . و همیشه این گونه است که هرگاه شخص ، دارای عقلی سلیم و بصیرتی درخشان و فکری صائب و مستقیم باشد ، تعلق و وابستگی اش به اسلام شدیدتر می گردد ، چراکه **محاسن** و زیبایی ها و فضایل فراوان آن به وضوح مشهود است .

پاره ای از محاسن توحید

دین اسلام عقیده ی توحید را به ارمغان آورد، عقیده ای که عقل سلیم را سکون و راحت می بخشد و طبیعت پاک و مستقیم ،آن را تأیید و اقرار می نماید. اسلام و توحید انسان را به این اعتقاد و باور فرا می خواند که برای تمام دنیا یک اله و معبود یکتااست که شریکی ندارد، ذاتی که اول است و ابتدایی ندارد و آخر است و انتهایی ندارد.

﴿ لیس کمثله شئ و هو السمیع البصیر﴾

« هیچ چیزی همانند خدا نیست (و نه او در ذات و صفات به چیزی از چیزهای آسمان و زمین می ماند و نه چیزی از چیزهای آسمان و زمین در ذات و صفات بدو می ماند.)و او شنوا و بینا است (و پیوسته بر کارگاه جهان نظارت می نماید. »شوری/ ۱۱

او دارای قدرت تام و تمام، ارده ای مطلق و علمی محیط و فراگیر است و همه ی مخلوقات را به اطاعت وتسلیم و بندگی خود فرامی خواند آنگونه که آنچه فرموده است را انجام دهند و از آنچه نهی کرده است دوری نمایند.

دلایل یکتا بودنش را در آفاق و انفس علم فرموده و عقلها را به تعقل و استدلال فراخوانده تا با دلیل و برهان به معرفت و تعظیم وی و قیام برای ادای حقوقش دست یابند.

پس گاهی می بینی که نظرت را به این جلب می کند که ممکن نیست تو خودت موجد و آفریننده ی خود باشی و ممکن هم نیست که تو بدون خالق و آفریننده باشی.

﴿أَمْ خُلِقُوْا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُوْنَ﴾

«آیا ایشان (همین جوری از عدم سر برآورده اند و) بدون هیچ گونه خالقی آفریده شده اند؟ و یا اینکه (خودشان خویشتن را آفریده اند و) خودشان آفریدگارند؟»

طور/۳۵

اما اینکه انسان خودش آفریننده ی خود باشد امری است که [در طول تاریخ] هیچ کس ادعای آن را نکرده است و همچنین اینکه انسان بدون خالق و آفریدگار باشد، این هم امری است که منطق فطرت از ابتدا آن را قبول نمی کند و نیازی به بحث و جدل ندارد.

بنابراین با ابطال این دو فرضیه، شکی نیست که جز حقیقت واضح و آشکار که قرآن حکیم آن را بیان داشته چیزی باقی نمی ماند و آن عبارت است از اینکه: همانا تمام مخلوقات را

ذات یکتای الله که فرد و صمد و بی نیاز است آفریده ، ذاتی است که :

﴿ لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً أحد ﴾

« نه زاده است و زاده نشده است . و کسی همتا و همگون او نمی باشد . » اخلاص/ ٤،٣

و گاهی نظر را بسوی آسمانها و زمین می دوزد ، که آیا اینها خود خویشتن را آفریده اند ؟! نه ! هرگز این ها خالق خود نیستند همچنان که انسانها خویش را نیافریده اند .

و گاهی صحیفه و دفتر آسمان را با هر چه در اوست ؛ از خورشید درخشان گرفته تا ماه تابان و ستارگان فروزان ، در مقابل عقل و دیدگان برمی گشاید و می فرماید :

﴿ تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً ، و جعل فیها سراجاً و قمراً منیراً﴾

« پاینده و بزرگوار خدای رحمانی است که در آسمان برجهایی را به وجود آورده است و در آن ، چراغ (فروزان خورشید) و ماه تابان را ایجاد نموده است . » فرقان/٦١

و در جای دیگری می فرماید :

﴿ هو الذی جعل الشمس ضیاءاً و القمر نوراً ، و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب﴾

« خدا است که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانده است . و برای ماه منازلی معین کرده است تا شماره ی سالها و حساب (کارها) را بدانید .» یونس/۵

و باز می فرماید :

﴿ فالق الإ صباح ، و جعل اللیل سکناً و الشمس و القمر حسباناً ، ذالک تقدیر العزیز العلیم﴾

« او است که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه ی آرامش (و آسایش جسم و جان ،) و خورشید و ماه را وسیله ی حساب (مردمان در امور روزمره ی عبادی و تجاری خود) کرده است . این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار متعالی است که) چیره (بر جهان و) آگاه از(همه چیز آن) است .» انعام/۹٦

و نیز می فرماید :

﴿ أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم کیف بنیناها و زینها و ما لها من فروج﴾

«آیا آنان تا (کنون سر بلند نکرده اند و) به آسمان نگریسته اند که ما چگونه آن را بنا کرده ایم و آراسته ایم و هیچ گونه خلل و شکافی در آن نیست؟» ق/٦

و دیگر بار می فرماید :

﴿ أولم ینظروا فی ملکوت السموات والأرض و ما خلق الله من شیء﴾

«آیا آنان به فلک (پهناور وعظمت شگفت) آسمانها وزمین (وعجایب و غرایب آنها) وبه هر آنچه که خدا آفریده است نمی نگرند (وآنها را ورانداز و وارسی نمی کنند، تا کمال قدرت صانع و وحدانیت مالک جهان را ببینند؟)» اعراف/۱۸۵

و در جایی دیگر می فرماید :

﴿ ألذی خلق سبع سموات طباقاً، ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور ، ثم ارجع البصر کرتین ینقلب إلیک البصر خاسئاً وهو حسیر﴾

«آن که هفت آسمان را بالای یکدیگر و هماهنگ آفریده است . اصلاً در آفرینش و آفریده های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبی نمی بینی (و بلکه هستی با تمام عظمتی که دارد ، از انسجام و استحکام شگفت برخوردار است ، و نظم ونظام عجیب و قوانین و روابط دقیق بر ذره ذره کاینات حکم فرماست). پس دیگر باره بنگر(و با دقت جهان را وارسی کن)آیا هیچگونه خلل و رخنه ای می - بینی؟ باز هم (دیده ی خود را بگشای و به عالم هستی بنگر و) بارها وبارها بنگر و ورانداز کن . دیده سرانجام فروهشته

وحیران ، و درمانده وناتوان ، به سویت باز می گردد .»
ملک/۳،٤

و گاهی نظر را به سوی زمین و درختان متنوع آن فرا می - خواند ؛

﴿و فی الأرض قطع متجاورات وجنات من أعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد ونفضل بعضها علی بعض فی الاکل﴾

« در روی زمین قطعه زمینهایی در کنار هم قرار دارد(که خاک هر یک بایسته ی محصولی و جنس هر کدام شایسته ی منظوری است) وتاکستانها و کشتزارها و نخلستانهای یک پایه و دو پایه در آن موجود است که هر چند با یک نوع آب سیراب می گرداند ، اما برخی را از لحاظ طعم بر برخی دیگر برتری میدهیم .» رعد/٤

پس به تاک انگور که در کنار حنظل(هندوانه ی ابوجهل)در یک قطعه زمین روییده است دقت کن که چگونه از یک آب آبیاری می شوند و هر درخت با ریشه هایی که خداوند در آن تعبیه نموده از زمین مواد غذایی که مناسب قوام حیات آن است می مکد و هر کدام با میوه ای که کاملاً از نظر رنگ و طعم و بو با دیگری متفاوت است به ثمر می نشیند .

و همین است حال بقیه ی درختان و گیاهانی که در کنار هم در یک زمین با یک آب روییده اند. [اما با رنگها وطعم ها و بویهای متفاوت]

آیا همه ی این ها بر وجود صانعی حکیم، قادر و توانا دلالت نمی کند؟ **إن فی ذالک لآیة**.

و بعضی اوقات نظر انسان را به آبی که از آسمان فرو می - ریزد معطوف می دارد، آبی که مایه ی حیات و زندگی است و اگر می خواست آن را شور و غیر قابل شرب می ساخت که هیچ نفعی در آن نبود.

و گاهی از وحدانیت و یکتاییش در ملک و تدبیر آن سخن می گوید:

﴿ ما اتخذ الله من ولد و ما کان معه من إله﴾

«خداوند نه فرزندی برای خود برگرفته است و نه خدایی با او(انباز) بوده است.» مؤمنون/۹۱

و در آیه ی دیگری با الفاظی کوتاه ولی با معانی بلند و عظیم می فرماید:

﴿ لو کان فیهما آلهة إلا الله لفسدتا ﴾

«اگر در آسمانها و زمین، غیر از الله، معبودها و خدایانی می بودند و(امور جهان را می چرخاندند) قطعاً آسمانها و زمین تباه می گردید.» انبیاء/۲۲

و دلایل فراوان دیگری از این قبیل .

و برای بندگانش عباداتی را مشروع قرار داده است که سبب تهذیب نفس و تصفیه ی آن و سبب پیوند روابط و تقویت آن در جامعه و سبب پیوند دلها و تزکیه ی آن می شود .

و این همان چیزی است که نه تنها اسلام آنرا به ارمغان آورده است ، بلکه تمامی انبیا و رسولان در دعوت به آن متفق بوده اند . خداوند متعال می فرماید :

﴿ شرع لكم من الدين ما وصى به إبراهيم و موسى و عيسى أن أقيموا الدين و لا تفرقوا فيه ، كبر على المشركين ما تدعوهم إليه ، ألله يجتبي إليه من يشاء و يهدي إليه من ينيب﴾

« خداوند آیینی را برای شما (مؤمنان) بیان داشته و روشن نموده است که آن را به نوح توصیه کرده است و ما آن را به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده ایم (به همه ی آنان سفارش کرده ایم که اصول) دین را پابرجا دارید و در آن تفرقه نکنید و اختلاف نورزید . این چیزی که شما مشرکان را بدان می خوانید (که پا بر جاداشتن اصول و ارکان دین است) بر مشرکان سخت گران می آید . خداوند هر که را بخواهد برای این دین برمی گزیند و هر که (از دشمنانگی با دین دست بکشد و) بسوی آن برگردد، بدان رهنمودش می گرداند . » شوری/۱۳

بارالـها ! مـا را از شـکر گـزاران و ذکر کننـدگــان خــود قــرارده ! وما را از بنـدگـان بردبـار ونیکوکـار وپارسـایت قـرار ده !

کسـانی کـه ایشـان را اهـل بـرای خدمتـت گردانیـدی وبـرای محبـت وطـاعت خـود توفیقشـان دادی . ومـا و والدیـن و جمیـع مسـلمین را بـا رحمـت خـودت ای ارحـم الراحمیـن ببخـش ! و صلی الله علـی محمـد وعلـی آلـه وصحبـه اجمعیـن .

قصیده
تضرع در پیشـگاه خداونـد تبـارک و تعـالی

١. یافاطر الخـلق البـديع وكـافلاً
أرزاق مـن هو صـامت أو سـائل

٢. أوسعتهم جـوداً فيا مـن عنـده
رزق الجميع ، سحاب جـودک هاطل

٣. يامسبغ البر الجـزيل و مسـبل العفـو
العظيم ، عظيـم فضلـک وابـل

٤. ياصاحب الإحسان ، يامرخ لنا السـتر
الجميل ، عميـم طولـک طـائل

۵. یا عالم السر الخـــفی و منجــز الـــ
میعاد صدق ، قدحکـــاه الفاصـــل
۶. یا من علی العرش استوی یا صادق الـ
وعدالوفی قضـــاء حکمـــک عـــادل
۷. عظمت صفاتک یا عظیم ، فجـــل أن
یأتی المشـــبه ظالمـــاً و یشـــاکل
۸. جلت فضـــائلک العظام فلم نجـــد
یحصی الثـــناء علیـــک فیـــها قـــائل
۹. الذنـــب أنـــت له بمنک غـــافر
مالم یکن شرکاً ، ففضلـــک حـــاصل
۱۰. یعصیـــک جم ثم تصفح عنـــهم
و لتوبة العاصی بحلمـــک قـــابل
۱۱. رب یـــربی العـــالمین بـــبره
و یزیدهم من فضلـــه و یواصـــل
۱۲. یعطیهمـــوا مأمـــلوا من جـــوده
و نواله أبـــداً إلیـــهم واصـــل
۱۳. تعصیه و هـــو یسوق نحوک دائمـــاً
نعماً و عن شکر لها أنـــت غـــافل
۱۴. سترالذنـــوب و زاد فی بذل العطـــا
ما لا تکـــون لبعضـــه تســـتاهل
۱۵. متفضـــل أبداً و أنت لجـــوده

تنسى و تغفل هل تعى يـــا غـــافل

١٦. يدنو و تبعــد ثم أنــت لفضــــله

بقبائح العصيــان منـــــک تقـــابل

١٧. و إذا دجى ليل الخطــوب وأظلمــت

طرق الســلامة بل قـــلاک النـــازل

١٨. و علــمت أن لا منجـــى ثم تلاحمــت

سبل الخلاص و خاب فيـــها الآمــل

١٩. و آيست مـــن وجه النجاة فمـــا لهـــا

طرق وقـــــد عظم البـــلا المتنـــازل

٢٠. و قنطت من ضعف اليقين ولم يكـــن

سبب ولا يـــدنو لها متنــــاول

٢١. يأتيک مــــن ألطافه الفـــرج الـــذى

فيه نجاتـــک ليس يشـــغل شـــاغل

٢٢. فى لحــظة يأتيـــک لطف فـــارج

لم تحتســبه و أنت عنــــه غـــافل

٢٣. يا موجــــد الأشياء من ألقـــى إلى

أحــــد سواک فان ذلــــک بـــاقل

٢٤. يا طيب الأسماء مــــن يقصــــد الى

أبواب غيرک فهـــو غـــر جـــاهل

٢٥. و من استراح بغير ذکرک أو رجـــا

من غيرکم فضـــلاً فذاک المـــائل

۲۶. و مـــن استظل بغیر ظلـــک راجیـــاً
أحد سواک فذاک ظـــل زائـــل

۲۷. و مـــن استـــعاذ إذا عرته ملمـــة
بجلالـــکم ذا الـــرأی رأی باســـل

۲۸. والرأی فی عـــکس الـــذی حبرتـــه
بســـوی جنابـــک فـــهو رأی مـــائل

۲۹. عمـــــل أرید به ســـواک فانـــه
عمل یـــرد علی الذی هـــو عـــامل

۳۰. لو صلی ذاک و صام حج فـــان ذا
عمـــل وإن زعـــم المرائـــی بـــاطل

۳۱. و إذا رضیـــــــت فـــکل شـــیئ هـــین
حسبی رضاک فکـــل شیء زائل

۳۲. أنت المنی ورضـــاک ســـؤلی فی الدجـــی
و إذا حصلت فکـــل شیء حاصل

۳۳. أنا عبـــد سوء آبـــق کـــل علـــی
معبـــوده یا بئس ما أنـــا فـــاعل

۳۴. و لقـــد أتی العبـــد المســـیء میممـــاً
مولاه أوزار الکبـــائر حامـــل

۳۵. قد أثقلت ظهری الذنـــوب ، ســـودت
وجهی المعاصی ثم ذا أنـــا ســـائل

۳۶. ما لی ســـواک لست أرجـــو غـــافراً

صفح العيــوب وستر عفوک شامل

٣٧. ها قد أتيت و حسن ظـــــنى شــافعى

إذ لم يــكن عمل لــــدى يقــابل

٣٨. ولبست ثوب الخوف منک مــع الرجــى

و وسائلى نــدم ودمـــع ســائل

٣٩. فاغــــفر لعبدک ما مضى و أرزقــه تــو

بة مقلع فيها الشـــروط كوامــل

٤٠. وارزقــه علــماً نافــعاً وارزقـــه تــو

فيقاً لما ترضى ففضلـــک كــامل

٤١. وافعــل به ماأنـــت أهــــــل جميلـــه

يا مـــن له اسماً حســـان فواضـــل

٤٢. فإذا فعلـــت فحسن ظنى صـــائب

والظن كل الظن أنـــــک فـــاعل

ترجمـه:

١. ای آفریننـده ی مخلوقـات شـــگفت انگـيز ! و ای كفيــل روزی زبـان بسـته هـا و زبـان داران !

٢. از روی جـود و كـرم روزی ايشـــان را فــراخ گردانيــدی . وای كســی كــه در نــزد وی رزق و روزی تمــام موجـــودات است ! ابر كرمــت بسـيار بـارنده اسـت .

۳. ای کامل کننده ی نیکی های بزرگ ! و ای ریزاننده ی عفو و گذشتهای عظیم ! فضل و لطف تو زیاد و در برگیرنده است .

٤. ای صاحب احسان ! و ای فرو اندازنده ی پرده ی زیبای ستر ! عطا و بخشش تو بسیار گسترده است .

٥. ای دانای اسرار پوشیده ! و ای به تحقق رساننده ی وعده ها ! (این وعده) راست و درست است که آن را [پیامبر] جداکننده[ی حق و باطل] بیان نموده است .

٦. ای ذاتی که بر عرش قرار گرفته ای ! و ای وفا کننده ی به وعده ها به صدق و راستی ! حکمی که به قضای تو جاری شده مطابق عدل و داد است .

۷. ای ذات عظیم و بزرگ ! صفات تو هم بزرگ و بلند است ، پس خیلی گران است اگر شخص مشبه ظالم ، قایل به تشبیه و شکل برای تو باشد .

۸ فضایل و خوبی های بزرگ تو با عظمت است و کسی یافته نمی شود که بتواند تعریف و ثنای تو را در این فضایل بیان نماید .

۹. تو به لطف و احسانت بخشنده ی گناهانی مادامی که به سر حد شرک نرسد و شکی نیست که فضل و کرم تو برای ما حاصل است .

۱۰. جم غفیری تو را معصیت می نمایند ، باز هم تو از ایشان در گذر می نمایی و تو از روی حلم و بردباری توبه ـ ی گنهکار را پذیرایی .

۱۱. پروردگاری که از سر احسان ، جهانیان را تربیت و پرورش می نماید و به فضل و کرمش برایشان از نعماتش می افزاید و پی در پی می فرستد .

۱۲. (مخلوقات) هر چه از جود و سخایش آرزو می ـ نمایند ، به ایشان عطا می فرماید و بخشش و عطایش به ایشان دائماً در جریان است .

۱۳. ای بنده ! تو دائماً به معصیت و سرکشی او مشغولی ، در حالی که او یکسره به سویت نعمت هایش را گسیل می ـ دارد و تو از شکر آن هم غافلی .

۱٤. گناهانت را پرده پوشی نموده و این قدر بر بخشش و عطا افزوده که تو حتی لیاقت و اهلیت اندکی از آن را هم نداری .

۱۵. او دائماً بر تو در حال احسان و فضل است ، در حالی که تو از لطف و کرمش در غفلت و فراموشی به سر می کنی ، آیا بخاطر می سپاری ای غافل !

۱۶. او به تو نزدیک می شود و تو از وی فاصله می - گیری و تو با گناهان زشتت پاسخ فضل و احسانش را می - دهی.

۱۷. وچون شب حادثه و مشکلات پرده فرو افکند و راه های امنیت را تاریکی فرا گیرد ، مهمان تو هم به تو دشمنی نماید.

۱۸. وتو دانستی که نجات دهنده ای نیست و باز راه های خلاصی و نجات هم به هم پیوستند و شخص امیدوار هم در این راه ناکام مانده است .

۱۹. وتو از تمامی صورت ها و راه های نجات نا امید گشتی ، درحالی که بلای وارده بر تو خیلی بزرگ و دشوار می نمود .

۲۰. تو به سبب ضعف یقینت (از رحمت حق) مأیوس شدی ، حال آنکه هیچ سببی برای آن وجود نداشت و به نا - امیدی نزدیک نمی شود هیچ صاحب یقینی .

۲۱. از الطاف او به تو فرجی می آید که در آن نجات تو است و هیچ کس نمی تواند مزاحم شود .

۲۲. در لحظه ای ، لطف گشاینده بسوی تو می آید که تو انتظارش را نداشتی و از آن غافل بودی .

۲۳. ای آفریدگار تمام اشیاء ! هر کس خود را به غیر تو بسپارد او بسیار عاجز و درمانده است .

۲٤. ای صاحب نام های زیبا ! هر که قصد و آهنگ درهای غیر تورا بنماید ، او فریب خورده ای نادان است .

۲۵. و هر که بدون یاد وذکر تو آرامش را بطلبد یا از غیر شما امید فضلی داشته باشد ، پس او (از حقیقت) منحرف گشته است .

۲٦. و هر که در جستجوی سایه ی(لطفی) به جز سایه ی تو است به امید دیگری ، پس وی سایه ای بی دوام جسته .

۲۷. و هر که پناهنده ی جلالت شود در وقتی که بر او مشکلی وارد شود ، پس این نظری شجاعانه است.

۲۸. (ولی)اگر نظریه و رأیش خلاف آنچه تو به وی آموخته ای باشد (یعنی) به سوی غیر تو تمایل داشته باشد ، این رأی و نظریه ای متمایل و منحرف (از حقیقت) است .

۲۹. و در عملی که رضایت غیر تو در آن مد نظر باشد ، آن عمل به صاحبش بازگردانیده می شود .

۳۰. اگر این شخص نماز بخواند ، روزه بگیرد و حج نماید ، پس این اعمال علیرغم گمان ریاکار باطل است .

۳۱. (بارالها !) زمانی که تو از من اظهار رضایت نمودی، پس همه چیز آسان است ، رضایت تو برای من

کافی است ، چرا که همه چیزها(ی دیگر) زایل شدنی و فانی اند .

۳۲. تو غایت آرزویی و رضایت تو خواسته ی من در تاریکی ها(ی نیمه ی شب)، و هرگاه این حاصل شد ، گویا همه چیز بدست آمده است .

۳۳. من بنده ی بد و فراری ای هستم که بار و طفیل معبود خود هستم ، چه زشت است آنچه من انجام می دهم .

۳٤. و به درستی که بنده ی گنهکار ، به قصد مولایش آمده درحالی که بار گناهان کبیره را بر دوش می کشد .

۳۵. گناهان بر کمرم سنگینی می نماید و معاصی چهره - ام را سیاه نموده ، با این وجود من گدای در گاه تو ام .

۳٦. مرا به دیگری غیر از تو چه نسبت و امید مغفرت از غیر تو را هم ندارم ، وقتی چشم پوشی عیوب و پرده ی عفو تو شامل حال من است .

۳۷. آری ! در حالی به خدمت رسیدم که گمان نیکم به تو ، شفیع من است ، اگر چه عملی در نزدم نیست که خدمتت عرضه شود .

۳۸. لباس خوف و رجا را باهم پوشیدم و وسایل و اسباب من فقط ندامت و اشک جاری است .

۳۹. پس گذشته ی بنده ات را ببخش و توبه ی خالص و نصوح با شرایط کامل نصیبش فرما!

٤٠. علمی نافع وتوفیقی در جهت رضایت و خشنودی ـ ات نصیبش نما! بدون شک فضل تو کامل است.

٤١. با او به گونه ای معامله فرما که شایسته ی بهترین و زیباترین آن هستی، ای کسی که صاحب نامهای زیبا و با فضیلتی.

٤٢. پس اگر اینگونه معامله نمودی، پس حسن ظن من صائب و درست است و من یقین کامل دارم که تو حتماً همین معامله را می نمایی.

بار الها! قلوبمان را با نور ایمان نورانی بگردان! و ما را از شر نفسهایمان و شیطان در پناهت حفظ فرما! و ما را از عصیان و سرکشی بدور نگهدار! و ما و والدین ما و تمامی مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما! و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

برخی از محاسن ارکان اصلی دین اسلام

پژوهشگران منصف اعتراف نموده اند : که همانا هر علم مفید ، چه دینی باشد یا دنیوی یا سیاسی ، قرآن به آن دلالت و اشاره ای آشکار دارد که شک و شبهه ای در آن نیست . بنابراین در شریعت اسلامی چیزی که عقل آن را محال بداند وجود ندارد ، بلکه حاوی مسایلی است که عقلهای سلیم و پاک سرشت به درستی و منفعت و صلاح آن گواهی می دهد .

همچنین کلیه ی دستوراتش مطابق عدل و عدالت است و هیچ اجحاف و ظلمی در آن به چشم نمی خورد . اسلام به امری دستور نداده مگر اینکه آن خیر خالص بوده یا هم خوبی و خیر آن راجح بوده است و از چیزی نهی ننموده مگر اینکه آن شر خالص بوده یا هم فساد و بدی آن برمصلحت و خوبی آن می چربیده است .

و هر انسان عاقل و اهل فضل که دراحکام اسلامی تدبر نماید ایمان و اخلاصش محکم و قوی می گردد . و زمانی که به آنچه این دین قویم به سوی آن دعوت داده ، تأمل و غور نماید ، درمی یابد که اسلام به سوی مکارم اخلاق ، صدق ،

عفاف و پاکدامنی ، عدل وداد ، مواظبت و تعهد نسبت به پیمانها و ادای امانات ، احسان و نیکی به یتیم و مسکین ، حسن جوار ، اکرام و گرامی داشت مهمان و خلاصه ، آراسته شدن به کلیه ی مکارم اخلاق دعوت می دهد .

همچنین اسلام انسان را به استفاده و تمتع از لذایذ زندگی با رعایت میانه روی و اعتدال فرامی خواند . به سوی نیکی و تقوی دعوت می دهد و از فحشا و منکرات و تجاوز نهی می - نماید . اسلام به چیزی دستور و امر نمی نماید مگر به آنچه برای عالم ، سعادت و رستگاری را بدنبال داشته باشد واز چیزی نهی نمی نماید مگر از همان چیزهایی که بدبختی و ضرر را برای مردم در پی داشته باشد .

اندکی به **محاسن** و زیباییهای ارکان اصلی اسلام که عبارتند از : اقامه ی نماز ، ادای زکات ، روزه ی رمضان و حج بیت الله الحرام ، بیندیش .

نماز

هرگاه به نماز که وسیله ی ارتباط بنده با پروردگارش است تأمل نمایی در آن اخلاص بنده نسبت به پروردگارش و نیز توجه و حضور او را در درگاه الهی همراه با ادب و احترام و دعا و ثنا و خضوع و خشوع قلبی مشاهده می نمایی .

در حقیقت نماز نمایش و محل ظهور اجلال و بزرگداشت بنده برای پروردگار است. بنده وظیفه ی بزرگداشت و تعظیم و تقدیس برای آقا و مولایش را آنچنانکه شایان شأن غلام در برابر ارباب است با نماز بجای می آورد. بنده ی مؤمن در پیشگاه ربش متواضعانه می ایستد وبا اعتراف به اینکه او از هر چیز برتر و بزرگتر است ومستحق تعظیم و تجلیل و تقدیر است با گفتن « الله اکبر » نماز را شروع می نماید. سپس به ثنا و تعریف و تمجید خداوند آنچنانکه شایسته و سزاوار آن است می پردازد وعبادت و استعانت را مخصوص برای او می گرداند درحالیکه متضرعانه در جلویش می نالد که به راه راست، راه کسانی که آنها را به نعمت توفیق و هدایت نواخته است هدایت فرماید. و از او می خواهد که او را از راه کسانی که بر آنها به سبب انحرافشان از راه راست ـ با وجود تشخیص آن ـ خشم گرفته، حفاظت نماید. همچنین می خواهد که او را از راه گمراهان ومنحرفینی که به عبادت و بندگی خواهشات و شیاطین گرفتار آمده اند، نجات دهد.

و این زمان است که وجودش از عظمت، هیبت و جلال الله تعالی مملو و سرشار می گردد و بر شریف ترین اعضایش، برای اظهار ذلت و مسکنت در برابر کسی که کلیدهای آسمانها و زمین در دستش است، به سجده می افتد.

پس مزایای نماز از ناحیه ی دین ، خضوع وتواضع برای پروردگار جهانیان است و همچنین خشوع و اعتراف به عظمت ذات قاهر ومسلط و توانا . و زمانی که دل انسان این را احساس کرد و وجودش پر از هیبت الله گشت ؛ از گناهان و محرمات خویشتن داری می نماید . و این جای شگفتی و تعجب نیست ؛ چراکه خداوند خودش در مورد نماز می فرماید :

﴿ إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر ، ولذكر الله أكبر﴾

« مسلماً نماز(انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می دارد ، و قطعاً ذکر خدا و یاد الله (از هر چیز دیگری) والاتر وبزرگ تر است . » عنکبوت/ ٤٥

و نماز بزرگترین وسیله ی نصرت و یاری بنده در مصالح دین و دنیایش می باشد ، الله سبحان می فرماید :

﴿ واستعينوا بالصبر والصلاة ﴾

« و از شکیبایی و نماز (که دل را پاکیزه و انسان را از پلیدی ها بدور می دارد)یاری جویید. » بقره/٤٥

اما مدد ویاری نماز در مصالح دینی این گونه است که هرگاه بنده بر نماز مداومت و محافظت نماید ، رغبتش به سوی امور خیر تقویت شده ، و با رعایت طمأنینه و سکون و

استحضار فضایل و امید ثواب در نماز ، دیگر طاعات و بذل واحسان بر وی سهل و آسان می گردد .

اما کمک آن در مصالح دنیوی ، بدین شکل است که نماز امور شاقه و سخت را برای انسان ، آسان جلوه می دهد و انسان را در مصایب و مشکلات تسلی و آرامش می بخشد . خداوند سبحان پاداش کسی را که عمل صالح و خوب انجام دهد ، ضایع نمی گرداند و او را با آسان کردن امورش و برکت در مال و اعمالش جزا و پاداش می دهد .

و با ادای نماز بصورت جماعت ، تعارف بین مؤمنین و ارتباط و محبت ، عطوفت و شفقت در میانشان حاصل می شود . و احترام و محبت را بین کوچک و بزرگ حاکم می کند و با جماعت ، تعلیم و تمرین عملی نماز صورت می گیرد .

زکات

و در فریضه ی زکات بنگر ، که چقدر محاسن و خوبیهای فراوانی در آن می بینی ، از جمله : اصلاح حال فقرا ، دفع حاجت مساکین و قضای دین مدیون ، همچنین تخلق به اخلاق کریمان ، همچون سخاوت و جود ، و پرهیز از اخلاق لئیمان و پست فطرتان .

و از دیگر محاسن زکات تطهیر قلب از محبت دنیا است با بخشش چیز ناچیزی . همچنین حفظ مال از مکدرات و آلودگیهای حسی و معنوی . و به وسیله ی زکات است که جهاد در راه خدا هم استعانت و مدد می شود . و از جمله ی محاسن زکات حل خیلی از معضلات و مشکلات جامعه ی اسلامی است ، همچنین زکات سبب دفع صولت و آبروی فقرا است ، و نیز دوای خیلی از امراض اجتماعی و درمان بسیاری از بیماریهای نفسانی است که به وسیله ی آن شخص از صفت و رذیله ی زشت بخل پاک می شود . خداوند متعال می فرماید :

﴿ ومن یوق شح نفسه فأولئک هم المفلحون ﴾

«کسانی که از بخل نفس خود ، نگهداری و مصون و محفوظ گردند ، ایشان قطعاً رستگارند ».حشر/ ۹

و از دیگر زیبایی های زکات این است که اگر ثروتمندان و توانگران آن را بپردازند ، ریشه ی نظام اقتصادی سوسیالیستی تندرو و متجاوز و نظام کمونیستی افراطی قطع و مضمحل می - گردد .

و از دیگر **محاسن** آن این است که اگر به صورت کامل ادا شود سبب حل شدن مقدار زیادی از مشکلات دولت و دولتمندان می شود و به جای آن تلاششان صرف و خرج مسایلی می شود که فلاح و خوشبختی ملت را در پی دارد .

پاره ای از محاسن روزه

اندکی به روزه و محاسن آن بیندیش ، که چگونه در انسان صفت زیبای شفقت بر فقرا ، وعطوفت بر درماندگان را برمی - انگیزد ، چرا که انسان در وقت گرسنگی حال فقیر گرسنه را درک می کند .

همچنین از دیگر محاسن و زیبایی های روزه این است که انسان با امتناع و خویشتن داری از خوردن ، قدر و قیمت نعمت های الهی را درمی یابد وشکرش را بجای می آورد .

و نیز روزه نفس انسان را بر صبر و بردباری تقویت می نماید و صبر و حلم تمامی موجبات و محرکات خشم و وغضب را از انسان دور می گرداند ، چرا که روزه نصف صبر و صبر نصف ایمان است .

و از دیگر خواص و خوبی های روزه این است که جسم را از اخلاط ردی و ناسالم پاک می گرداند . ونیز سبب تهذیب نفس ، تصفیه ی روح و تطهیر جسم می شود .روزه داری اثری عجیب در حفظ قوای باطنی و حفاظت آن از مضرات است . و از همه مهم تر عبادت و امتثال حکم الله سبحان است . و مشقت حاصل از روزه در برابر رضایت پروردگار ، وقتی انسان امید و

طمع ثواب و قربت و اجر عظیم را داشته باشد ، چیزی به حساب نمی آید . و فواید بی شمار دیگری از این قبیل .

حج

و از طرفی در محاسن بی شمار حج بیت الله تأمل نما ؛ که از جمله ی آن محاسن ، بعضی عبارتند : حج اجتماع بزرگی از عموم مسلمین است که در آن مسلمانان از مشرق و مغرب در سرزمین پاك گرد هم جمع می آیند ، اله یگانه ای را می - پرستند ، قلب هایشان یکی است و ارواحشان با هم پیوند و گره خورده است . مسلمانان در حج رابطه و تعلق دینی خود و قوت و قدرت اتحاد اسلامی را به یاد می آورند .

حج یادآور خاطره ی انبیا و رسولان و مقامات برگزیدگان مخلص است ، همچنانکه خداوند متعال می فرماید :

﴿ واتخذو من مقام إبراهيم مصلــــى﴾

«(و به ایشان دستور دادیم که برای تجدید همین خاطره) از مقام ابراهیم نمازگاهی برگیرید.» بقره/۱۲۵

همچنین زنده کننده ی یاد و خاطره ی امام الانبیاء و سیدالمرسلین و مقامات و جایگاه ایشان در حج که از برجسته ترین و بلندمرتبه ترین مقامات است ، می باشد . و این یادواره از اعلی ترین انواع یادواره ها است ، چرا که یادآور یاد و

خاطره ی پیامبران اولو العزم بزرگی چون ابراهیم و محمد - صلی الله علیهما و سلم - و آثار و یادگارهای گرانقدر و بندگی های زیبایشان می باشد . و کسی که به وسیله ی این مقامات و یادگارها متذکر می شود ، مؤمن به رسولان و قدر دان و متأثر از جایگاه بلندشان ، اقتداکننده به ایشان وآثار پسندیده ، به یادآورنده ی مناقب و فضایل ایشان ، می باشد . پس به وسیله ی حج بر ایمان و یقین و باور بنده [ی مؤمن] افزوده می شود .

و از دیگر مزایا و محاسن حج تصفیه ی نفس ، عادت دادن آن به انفاق و خرج کردن ، تحمل مشقت ها و ترک زینت و تکبر است .

همچنین شخص در حج به این درک و احساس می رسد که با دیگران مساوی و برابر است ، در حج شاه و رعیتی وجود ندارد ، توانگر و نادار و فقیری نیست ، بلکه در آنجا همه یکسان اند .

و از دیگر خوبی های حج سیر و سفر در سرزمین های مختلف است که انسان را با احوال آن مناطق و عادات ساکنین آن آشنا می سازد . علاوه از آن در حج انسان به زیارت مهبط وحی و پیامبران گرامی مشرف می شود .

واز دیگر محاسن حج این است که یادآور مجمع بزرگی است که انسان ها در یک میدان گسترده تجمع خواهند کرد و

یک داعی ایشان را مخاطب قرارخواهدداد و تحت نظر ذات بینای خداوند قرارخواهندگرفت . و این در روز محشر خواهد بود ؛﴿ یوم یقوم الناس لرب العالمین﴾ (همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) بر پا می ایستند .)[١] در حالی که پابرهنه و عریان و غیر مختون اند .

و از جمله ی محاسن حج ، آماده کردن و عادت دادن نفس بر فراق خانواده است ، چرا که بالاخره از مفارقتشان گریزی نیست و اگر انسان ناگهان ایشان را ترک نماید ، صدمه ی بزرگی بر ایشان وارد می شود .

و نیز از زیبایی های حج است که هرگاه شخص آهنگ آن را می نماید ، تمام مایحتاج سفر را در مدت رفت و برگشتش ، زاد و توشه ی راهش قرار می دهد ، واین سبب می شود تا انسان در فکر زاد و توشه برای آخرت شود ، چونکه آن سفری طولانی است که برگشتی برای آن نیست ، تا زمانی که خداوند همه ی انسان ها را از اول تا آخر حشرنماید.

و در سفر حج انسان در می یابد که به چیزهایی نیاز دارد که در محل و سرزمین خود بدان احتیاج نداشته است ولی در سفر آخرت انسان آنچه برای زندگی آخرت لازم دارد ، یافته

---

[١] مطففین/٦

نمی شود مگر اینکه در همین دنیا آنرا آماده کرده باشد، خداوند -عزوجل- می فرماید:

﴿ و تزودوا فإن خير الزاد التقوى﴾

« و توشه برگیرید (هم برای سفر حج وهم برای سرای دیگرتان و بدانید) که بهترین توشه پرهیزگاری است.»

بقره/ ۱۹۷

و همچنین از محاسن و زیبایی های حج است که انسان به توکل بر الله عادت و تمرین می نماید، به دلیل اینکه برایش مقدور نیست که کلیه ی مایحتاج سفر حج را با خود حمل نماید، پس ناگزیر باید بر الله متعال در آنچه با خود برداشته و برنداشته، توکل نماید. بنابراین مجبور می شود در تمام نیازهایش بر او توکل و اعتماد نماید.

و یکی دیگر از محاسن حج این است که زمانی که حاجی احرام می بندد لباس دوخته را که لباس زندگان است در می-آورد و پوششی را می پوشد که بیشتر شبیه به لباس مردگان است، و این سبب می شود تا برای آمادگی آنچه پیش رویش است نهایت سعی و تلاش خود را بنماید. و فواید و خوبی های دیگری که برشمردن شان دشوار است.

بعضی از محا سن و خوبی های جهاد

سپس در محاسن و خوبی های جهاد در راه خدا کمی تأمل کن ، چرا که جهاد وسیله ی نابود کردن دشمنان خدا و نصرت اولیاء و دوستان وی ، و اعلای کلمة الله و مجبور و وادار کردن کفار برترک کفری که زشت ترین کارها است ، می باشد . و همچنین جهاد سبب روی آوری به سوی آنچه بهترین کارها(توحید) است می باشد .

و نیز در جهاد ، نجات بشر از درجه ی پست حیوانیت است. چنانچه خداوند متعال در حق کفار می فرماید :

﴿ وإن هم إلا كالأنعام بل هم أضل﴾

« ایشان همچون چهارپایان هستند ، و بلکه گمراه تر .»

فرقان/ ٤٤

و از دیگر محاسن جهاد ، بدست آوردن زندگی جاوید است ، چون که مؤمن اگر بکشد دین خدا را اعلاء نموده و اگر کشته شود، نفسش را زنده گردانیده است، خداوند سبحان می ـ فرماید :

﴿ و لا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله أمواتاً بل أحياء عند ربهم يرزقون﴾

« وکسانی را که در راه خدا کشته می شوند ، مرده مشمار ، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می شود .» آل عمران/ ١٦٩

و از دیگر محاسن جهاد این است که اجر و ثواب زیادی را برای مجاهد در پی دارد. همچنین سبب تکثیر و زیادشدن مسلمانان و تقلیل کفار می گردد. و از همه برتر و والاتر جهاد اطاعت امر خدا است، همان گونه که خداوند متعال فرموده:

﴿ وقاتلوهم حتی لاتکون فتنة﴾

« و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند.» بقره/ ١٩٣

و نیز گفته است خدای سبحان:

﴿ یا أیها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار﴾

« ای مؤمنان! با کافرانی که به شما نزدیکترند بجنگید. »

توبه/ ١٢٣

و از دیگر محاسن جهاد این است که مسلمین در صورت پیروزی، مال زیادی را به غنیمت می گیرند و شکر الهی را بجای می آورند ونیرومند می گردند. و در صورتی که کفار بر ایشان ظفر یابند می دانند که این به سبب گناه ومعصیتشان، یا تنازع و اختلافشان بوده است، پس با توبه و تضرع به سوی خداوند پناه می برند.

همچنین یکی دیگر از محاسن جهاد این است که ترک آن سبب ذلت و خواری است، چنانچه در روایت ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ از رسول اکرم ﷺ وارد شده است که ایشان فرمودند:

« هر گاه شما به خرید و فروش با بیع «عینه»(نسیه) مشغول شدید ، ودم های گاوها را (برای شخم زدن زمین)به دست گرفتید و به زراعت و کشاورزی (ومظاهر دنیا) راضی شدید (وبسنده کردید) و جهاد را ترک کردید ، خداوند بر شما ذلتی را مسلط می کند که تا به طرف دین تان دوباره برنگردید ، این ذلت را از شما دور نخواهد کرد».[1]

و از دیگر محاسن و خوبی های جهاد نجات و سلامت از نفاق است ، به دلیل حدیث :

« من مات و لم يغز ، و لم يحدث به نفسه مات على شعبة من النفاق »

« هر کس در حالی بمیرد که نه جهاد کرده و نه اراده ی جهاد داشته او بر شعبه ای از نفاق مرده است . »[2]

و در روایت دیگری آمده است :

« من لقي الله بغير أثر من جهاد ، لقي الله و فيه ثلمة »

« هر کس خداوند را بدون اثری از جهاد ملاقات نماید ، خداوند را در حالی ملاقات خواهد نمود که در[چهره ی] وی سوراخ[ونشانی] است .»

و در حدیث دیگری روایت شده :

---

[1] رواه ابوداود

[2] رواه ابوداود و النسائی

« ما ترک قوم الجهاد إلا عمـــهم الله بـــالعذاب »

« هیچ قومــی جـهاد را تـرک نکـرده مگـر اینکـه خداونـد ایشـان را دچـار عـذاب عمومـی گردانیـده اسـت .»

و از دیگر محاســن جـهاد ایـن اسـت کـه سـبب خـارج گردانیـدن انســانها از عبــادت و بنـدگــی اولیـــاء و دوســـتان الله در کلیـــه ی حــالات اعــم از ســختی و آســانی و در آنچــه دوســـت دارنـــد و ندارند ، مـی شـود .

و دیگـر دلایـل دال بـر محاسـن جـهاد فـی سـبیل الله زمـــانی کـه برای اعـلای کلمـۀ الله باشـد ، فـراوان اسـت.

شعر

١. لقد أيقظ الإسلام للمجد و العلـــــى
بصائر أقــوام عن المجـــــد نـــــوم

٢. فأشرق نور العــــلم مـــن حجراتـــه
على وجه عصر بالجهالـــــة مظلـــم

٣. و دک حصون الجـــــاهلية بــالهدى
وقوض أطناب الضـــــلال المخيـــم

٤. و أنشط بالعلم العـــزائم و ابتــــــنى
لأهلـــيه مـــجداً ليــــس بالمتــــهدم

٥. و أطلق أذهـــان الورى من قيودهـــــا

فطارت بأفكـــار على المجــــد حـــوم

٦. وفک أســـار القـــوم حتى تحفـــزوا
نهوضاً الى العلـــياء من كـــــل مجثـــم

٧. و عمـــا قليل طبـــق الأرض حكمـــهم
بأسرع من رفـــع اليديـــــن إلى الفـــم

ترجمـه:

١. همانـا اسـلام چشـم اقوامـی را کـه نسبت بـــه مجـد و عزتشـان غـافل و در خـواب بودنـد ، بـرای [بدســـت آوردن مجـدد] عـــزت و سربلندی ، بیـدار نمـوده است .

٢. و نـور علـم را از روزنـه هـای آن بـــر چـــهره ی عصـــر و زمانـــه ای که در اثـر جـهالت ، در تـاریکی بسر مـی بـرد ، تابـانید .

٣. و قلعـه هـــای جـاهلیت را بـــه وســیله ی هدایـــت ویـــران و بـــا خـاک یکسـان نمـود ، و ریســمان هـای گمراهـــی و ضلالـــت را کـــه بر همه جـا خیمـه زده بـود ، درهـم دریـد .

٤. و بـه وسیله ی علـم ، عزایـم و تصمیـم هـا را نشـاط و تـــازگـــی بخشـید و بـرای اهـل علـم چنـان مجـد و بـزرگـی بنـا نمـود کـه قـابل ویرانی و خـــراب شـدن نیســت .

٥. و ذهـن و اندیشـه ی انسـانیت را از تمـــام قیـــود و گرهـــهای آن رهـا سـاخت و بـا افکـاری [بلنـد] بـرگـرد مجـــد و عـــزت بـــه پـــرواز درآورد .

٦. و اسرا و دربندان قوم را رهانید تا اینکه از تمام آشیانه ها به سوی بالاها اوج گرفتند.

٧. و سراسر زمین را از حکم گروهی اندک در مدتی، سریعتر از بلند کردن دست ها به سوی دهان پر نمود.

بار الها! دلهایمان را بر محبت و طاعتت پرورش ده! و ما را بر قول ثابتت در دنیا و آخرت، استوار گردان و استقامت ده! و شکر و ذکرت را برایمان الهام فرما! و در دنیا و آخرت به ما نیکی عنایت فرما! و از عذاب جهنم نجاتمان ده! و ما و والدین و تمامی مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما! و صلی الله غلی محمد و علی آله وصحبه أجمعین. آمین

برخی از محاسن عقود و معاملات

حال در معاملات و عقودی که شریعت به جواز آن حکم ـ داده، فکر کن .

عقد بیع

از جمله محاسن عقد بیع و خرید و فروش ؛ دست یافتن انسان به مایحتاجش از قبیل خوراکی ها ، نوشیدنی ها ، پوشاک و مسکن می باشد .

و یکی دیگر از محاسن و زیبایی های بیع اسلامی قطع و کوتاه ساختن مسافت جستن کالاها است ، چراکه اگر قرار باشد انسان هر چیز را از معدن و مرکزش بطلبد به سفرهای طولانی و طی کردن مسافت های دور و دراز بوسیله ی سواری و برداشت خطرهای گوناگون نیاز داشت ، ولی زمانی که با بیع بدان دست یابد ، از همه ی این خطرها در امان و مشکلات سفر از دوشش برداشته می شود . حال به عود و مشک ، ماشین آلات و موتورها ، پارچه ها و شکر و غیره دقت کن که معادن [و کارخانه های] هر کدام چقدر دور است ؟ پس این از لطف خداوند سبحان بر بندگانش است که بعضی از مردم را به خدمت بعضی دیگر گماشته است .

شـریعت جـامع اسـلامی بـه حلـت و جـواز انـواع معـاملات همچـون انـواع اجـاره وشـرکت حکـم داده اسـت ، مگـر ایـن کـه دلیلی بـر تحریـم آن از قبیـل وجـود ضـرر یـا ظلـم یـا جـهالت در آن یافته شود [و الا اصـل بـر حلـت معـاملات اسـت .]

بنـابراین هـر کـس در معـاملات شـرعی غـور نمـاید بـه وضـوح رابطـه ی آن را بـا مصلحـت دیـن و دنیـا درمـی یـابد و بـه وسـعت رحمت الهی ولطـف بیکـران وی نسبت بـه بنـدگـانش گـواهـی مـی ـ دهـد ، و حکمـت [بـی مـانند خداونـد] را تـأیید مـی نمـاید کـه چگونه برای بنـدگـانش کلیـه ی پـاکیزه هـا را جـایز قـرارداده و بجـز از چیزهای خبیث و نـاپـاك کـه بـرای دیـن یـا عقـل یـا بـدن یـا مـال مضر باشـد ، ممـانعت نکـرده اسـت .

عقد اجـاره

[به عنوان مثـال] از جملـه محاسـن عقـد اجـاره ؛ بـر طـرف کـردن احتیاجـات و نیازهـای بشـری بـا عوضـی نـاچـیز و مـال انـدك مـی ـ باشـد ، زیـرا کـه همـه ایـن تـوان مـالی را ندارنـد کـه منـزلی را بـرای سـکونت مـالك شـوند ، همچنیـن ایـن اسـتطاعت را هـم ندارنـد کـه سـواری را بـرای سـوار شـدن ، هـواپیمـایی را بـرای مسـافرت و آسـیایی را بـرای خردکـردن گندمشـان و مخـزن و سـیلویی را بـرای امـوال شـان بخرنـد و مـالك شـوند و خیلـی چیزهـای دیگـر کـه

تعدادشان اندك نیست . پس عقد اجاره تجویز شده ، [تا این نیازها به راحتی بر آورده شوند] .

عقد صلح

[ودر اینجا] نیازی به ذکر محاسن و فواید عقد صلح نیست ، چراکه همانطور که خداوند متعال بیان فرموده ؛ صلح سرتاسر خیر است ﴿**والصلح خیر**﴾ نساء/۱۲۸

عقد وکالت و کفالت

اما فواید و خوبی هایی که در عقد وکالت وجود دارد بر هیچ کس ، چه به شریعت معتقد باشند یا نباشند ، پوشیده و پنهان نیست ، فرقی نمی کند که مسایل شرعی را درك می - کند یا خیر ، چرا که الله تعالی انسان ها را با قصد و اراده های گوناگونی آفریده است و همگی دوست ندارند مستقیماً خودشان کلیه ی امور و اعمالشان را انجام دهند ونه هم برای همه مقدور است که تمام معاملاتشان را شخصاً انجام دهند ، پس این لطف و کرم الهی است که آن را جایز و مباح قرار - داده است.

[به عنوان مثال] بر انسان های با شخصیت و مسئولین بلندپایه شایسته نیست که کلیه ی خرید و فروشهای شخصی را خود

شان انجام دهند ، درست است که رسول اکرم ﷺ بعضی امور را خود شخصاً انجام داده اند ، این برای تعلیم سنت تواضع و فروتنی و بیان جواز آن بوده است [وبه همین سبب] بعضی امور دیگر را به دیگران واگذار فرمودند ، [مثلاً] قسمتی از قربانی را خود حضرت ﷺ به دست مبارك انجام دادند و قسمتی از آن را به حضرت علی ﷺ مفوض فرمودند .

اما خوبی هایی که در عقد کفالت است ؛ همانا در آن اظهار شفقت و رحمت و مراعات برادری و اخوت است . شخص مسئولیت و مسئله ای را برعهده می گیرد ، درنتیجه در صورت های مطالبه ی دین وسعت و فراخی ایجاد می شود و دل طلبکار به سبب این وسعت آرامش می یابد .

[مشروعیت کفالت] از قول خداوند متعال ثابت است که می فرماید :

﴿ و ما كنت لديهم إذ يلقون أقلامهم أيهم يكفل مريم﴾

« و تو در آن هنگام که قلم های خود را (برای قرعه کشی) می افکندند تا (روشن شود بر طبق قرعه) کدام یک سرپرستی مریم را بر عهده گیرد ، حضور نداشتی .» آل عمران/ ٤٤

تا جایی که بلاخره زکریا ـ علیه السلام ـ کفیل تربیت مریم ـ علیهاالسلام ـ قرار گرفت ، همچنان که خداوند متعال می ـ فرماید :

﴿و کفلها زکریا﴾

« و زکریا را سرپرست او کرد .»آل عمران/ ۳۷

عقد حواله

حال که محاسن کفالت و وکالت را دانستی ، پس محاسن وخوبی های عقد حواله واضح است . در حواله هم کفالت و هم وکالت یافت می شود ، وعلاوه بر آن فارغ شدن ذمه و مسئولیت اصیل(طلبکار) از غم طولانی است ، پس هر گاه حواله ی برادرت را قبول نمودی با برداشتن بار مسئولیت پرداخت ، این شادی و فرح را در قلبش داخل نموده ای و اجر و پاداش شادمان کردن مسلمان هم که مخفی و پوشیده نیست .

حق شفعه

[یکی دیگر از حقوق جایز در اسلام حق شفعه است که] از محاسن آن این است که همسایه چه بسا نیازمند به همین تکه و حصه از مبیع وشیء فروخته شده باشد . به عنوان مثال خانه اش

تنگ است و می خواهد آن را فراخ نماید ، یا زمین مشترک در جوار مزرعه اش واقع شده و این شخص آن را لازم دارد .

همچنین یکی دیگر از محاسن حق شفعه این است که بر عظمت حق همسایه و شریک گوشزد می نماید ؛ به گونه ای که برای همسایه حق تقدم بر دیگران در خرید ثابت است مگر در صورتی که با امتناع خودش از خرید آن ، حقش را ساقط نماید .

و از دیگر فواید آن دفع ضرر همسایه است ، زیرا که همسایگی خود ماده و اسباب ضرر است . و رسول الله ﷺ فرموده اند : «**لاضرر و لاضرار فی الاسلام**» هیچ کس شکی ندارد که دفع ضرر آزار رسانی بخصوص زمانی که به سبب همسایگی و مجاورت که تقریباً به صورت دوام و دائمی است ، یک امر مستحسن و نیکو است ، چراکه در همسایگی آزار و اذیت هایی از قبیل ، آتش برافروختن ، بلند نمودن دیوار ، بلند نمودن غبار و دود و از همه بالاتر صدای تلویزیون و رادیو و ساختن اشیایی که به ملک و مال همسایه ضرر وارد می سازد ، دیده می شود .

عقد ودیعه

اما محاسن و خوبی های ودیعه نیز آشکار است ، چون که در آن اعانت و مدد بندگان خدا بر حفظ اموالشان است . و نیز وفای به امانت که عقلاً و شرعاً از شریف ترین صفات و خصال پسندیده است [در آن یافته می شود] .

و از دیگر محاسن آن این است که احسان به بندگان خدا است و خداوند محسنین و نیکوکاران را دوست دارد . و از طرفی ودیعت سبب الفت و برادری و محبت در بین مسلمانان می باشد .

قبول اقاله

و از دیگر محاسن دین اسلامی ، تشویق بر قبول اقاله کردن معامله از جانب طرف پشیمان است ، به سبب احسان و نیکی که در این کار است ، همچنین سبب ترمیم و جبر خاطر ورشکسته می شود . در حدیث آمده :

« من أقال مسلماً أقال الله عثرته »

« هرکس اقاله ی مسلمانی را بپذیرد خداوند لغزش هایش را اقاله و در گذر می کند .»

و در روایتی می فرماید :

« من أقال نادماً أقاله الله يوم القيمة »

« هر کس اقاله پشیمانی را بپذیرد ، خداوند در روز قیامت از وی درگذر فرماید .»

و صلی الله علی محمد و اله و صحبه و سلم .

تحریم شهادت دروغ

و از دیگر محاسن دین اسلام ، تحریم شهادت و گفته ی دروغ است ، به سبب ضررها و مفاسدی که به دنبال دارد . از جمله ی این مفاسد و ضررها فروختن آخرت خود به دنیای دیگران است ، و بدی نسبت به کسی که به نفع او شهادت دروغ داده است ، به این صورت که او را در ظلم و ستم یاری نموده . و بدی روا داشتن نسبت به کسی که علیه او شهادت داده با ضایع گردانیدن حقش . و همچنین بدی روا داشته نسبت به قاضی با غلط راهنمایی کردنش در صدور حکم . و نیز در حق کل امت بدی نموده است با تزلزل ایجاد کردن در حقوقشان و از بین بردن آرامش و اطمینان در میانشان .

نهی از خرید و فروش انسان آزاد و نهی از نپرداختن مزد کارگر

و نیز از محاسن و خوبی دین اسلام ، نهی از خرید و فروش انسان آزاد است . رسول الله ﷺ فرمودند :

« قال الله تعالى : ثلاثة أنا خصمهم يوم القيامة ؛ رجل أعطى بي ثم غدر ، و رجل باع حراً ثم أكل ثمنه ، و رجل استأجر أجيراً فاستوفى منه العمل ، ولم يوفه أجره »

« خداوند می فرماید : سه شخص چنان اند که من در روز قیامت دشمنشان می باشم ؛ (۱) شخصی که با نام من عهدی بسته یاکسی ر با نام من امان داده ،سپس در آن خیانت نموده ، (۲) شخصی که انسان آزادی را فروخته و قیمت آن را خورده است ، (۳) شخصی که کارگری را گرفته و از او کار گرفته و مزدش را نپرداخته است ».

و از دیگر خوبی ها و محاسن دین اسلام ، بیان وعید شدید علیه کسی است که اجیر و کارگری را به اجاره گرفته و از او کار گرفته ولی مزدش را نپرداخته است ، به دلیل حدیث فوق که گذشت.

تحریم ناموس فروشی

و از دیگر محاسن و خوبی های دین اسلام ،تحریم ناموس - فروشی است ـ نعوذبالله ـ بدین شکل که بین زن و مرد اجنبی خلوت نماید ، فرقی نمی کند این شخص خودش مرد باشد یا زن .

محاسن هبه و هدیه

اما هبه و بخشش ، اگر رضایت الهی در آن مد نظر باشد ، عملی مستحب و نیکو است ، و اصل در [مشروعیت] آن قبل از اجماع امت ، این فرموده ی خداوند متعال است :

﴿ فان طبن لكم عن شيء منه نفساً فكلوه هنيئاً مريئاً﴾

« پس اگر با رضایت خاطر(زنان) چیزی از مهریه ی خود را به شما بخشیدند، آن را (در یافت دارید و)حلال و گوارا مصرف کنید .»نساء/ ٤

و دیگر فرموده ی حق سبحانه و تعالی :

﴿ و أتی المال علی حبه ﴾

« و مال (خود) را با طیب خاطر بدهد . » بقره/۱۷۷

و خداوند سبحان خود جواد و بخشنده است و یکی از صفات زیبایش «وهاب» است .

و از جمله محاسن هبه یکی این است که سبب برقراری محبت و دوستی ها است ، همچنانکه در حدیث آمده :

« تهادوا تحابوا »

« به یکدیگر هدیه بدهید، با هم دوست شوید .»

و از دیگر محاسن آن این است که کینه و بدخواهی را می - زداید ، در حدیث آمده :

« تهادوا ، فان الهدية تسل السخيمة »

«به همدیگر هدیه بدهید، چرا که هدیه کینه را [از قلب] بیرون می کشد.»

و حضرت رسولﷺ دست لباسی کامل با مقداری زیاد مشک برای نجاشی [پادشاه حبشه] هدیه فرستاد. واز عادت مبارک بود که هدیه را قبول می فرمود و آن را پاسخ می داد.

و ازجمله محاسن هدیه این است که روابط رامستحکم می گرداند و هر گاه روابط محکم و قوی گشت، امت با قدمی ثابت به حرکت درمی آید. و روابط حسنه در بین افراد امت رمز سر بلندی و فلاح آن است.

و از دیگر محاسن هدیه و هبه، زیاد شدن اعتماد در بین طرفین است، و محاسن فراوان دیگر.

و همچنین از محاسن دین اسلام، **تحریم غصب مال دیگران** است، چراکه این نوعی ستم و فساد است و خداوند ستمگران و ظالمان را دوست ندارد.

تحریم خریداری مال مغصوب یا دزدی

و از جمله محاسن و خوبی های دین اسلام این است که بر مسلمان خریدن مال مغصوب یا دزدیده شده یا مالی که از صاحب آن به غیر حق آن گرفته شده است، حرام گردانیده است، و این زمانی است که بداند آن دزدی است، اگر چه که

از زمان غصب یا دزدیدن آن در دست غاصب یا دزد یا رباینده ی آن ، مدت طولانی گذشته باشد ، چرا که مرور زمان و طول مدت در شریعت اسلامی ، حرام را حلال نمی گرداند و حق مالک اصلی را در تقدم و اولویت او ساقط نمی نماید . و این هم از محاسن دین اسلام است .

تحریم ربا و سود

و از دیگر محاسن دین اسلام ، تحریم ربا و سود است زیرا که ربا و سود اقتضا می نماید که مال انسان به غیر عوض گرفته شود ، چرا که کسی که یک درهم را به دو درهم معامله می - نماید ، برای وی یک درهم بدون عوض حاصل می شود ، و این درحالی است که مال انسان برای نیاز خود وی تعلق دارد و همچنانکه معلوم است برای آن حرمت بزرگی است ، و از طرفی رواج ربا منجر به از بین رفتن صفت پسندیده ی قرض دادن در بین مردم می شود . و از سوی دیگر ربا و سود مانع تحمل مشقت و سختی در برابر کسب روزی می شود ، و به تدریج هیچ کس مشقت کسب را تحمل و برداشت نخواهد کرد و در نتیجه به از بین رفتن منافع انسان ها منتهی خواهد گشت و سبب تنبلی و سست شدن مردم در سعی و تلاش از طلب و کسب معاش می گردد ، و خداوند لعنت فرموده است ؛

سـودخورنده، سـوددهنده ، نویسـنده ی عقـد ربـا و دو شـاهد آن را.

احیای حقوق زنـان

و از دیگـر محاسـن اسلام ایـن است کـه ؛ زن در نـزد بعضـی از عربـها [و غـیر عربـها] در دوران جـاهلیت جزئـی از ثـروت پـدر یـا شوهرش شـمرده مـی شـد و پسـر شـخص ، بیـوه ی پـدرش را بعـد از وفـاتش بـه ارث مـی بـرد ، وعربـها قبـل از اسـلام بـه زور زنـان را ارث مـی بردنـد ، بدیـن گونـه کـه وارث ، لباسـش را بـر روی زن مـی انداخـت ، بعـد از آن مـی گفـت : وی را بـه ارث بـردم همچنانکـه مـال پـدرم را بـه ارث بـردم ، و اگـر مـی خواسـت بـا وی ازدواج نمـاید ، بـدون مـهر او را بـه ازدواج خـود در مـی آورد ، ویـا هـم او را بـه ازدواج دیگـری در مـی آورد و مهریـه اش را تصاحب می نمود ، یـا بـر او حـرام مـی کـرد کـه ازدواج نمـاید تـا او را بـه ارث ببـرد . شـریعت اسلامی همـه ی ایـن مظـالم و سـتمها و این ارث را ممنـوع کـرد . خداونـد متعـال مـی فرمـاید :

﴿ یا أیها الذین آمنوا لایحل لکم أن ترثوا النسـاء کرهـاً﴾

« ای کسـانی کـه ایمـان آورده ایـد ! بـرای شـما درسـت نیسـت کـه زنـان را (همچـون کـالایی) بـه ارث بریـد (و ایشـان را بـدون مهریـه و رضـایت ، بـه ازدواج خـود درآوریـد، و) حـال

آنکه آنان چنین کاری را نمی پسندند و وادار بدان می -
گردند.» نساء/ ١٩

و عربهای جاهلی زنان را از ازدواج منع می کردند ، فرزند وارث ، زن پدرش را از ازداج کردن منع می کرد ، تا این که آنچه از میراث شوهرش گرفته به او بدهد . پدر ، دختر [بیوه]اش را از ازدواج منع می کرد تا آنچه را مالك شده برایش رها نماید . مرد زنش را طلاق می داد و او را از ازدواج منع می نمود تا هر چه می خواست از وی بگیرد . شوهر عصبانی از دست همسرش ، در معاشرت با او بد می کرد واو را خسته می کرد و طلاقش هم نمی دادتا این که مهرش را به او برگرداند . بنابراین عربهای قبل از اسلام نسبت به زن ظلم و ستم روا می داشتند و بر وی حکم می راندند . الله تعالی می - فرماید :

﴿ ولاتعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن﴾

« و آنان را تحت فشار قرار ندهید تا بدین وسیله (ایشان را وادار به چشم پوشی از قسمتی از مهریه کنید و)برخی از آنچه را که بدیشان داده اید فراچنگ آرید .» نساء/١٩

همچنین ایشان بین زنان در نفقه ، لباس و معاشرت عدالت را رعایت نمی نمودند ، پس اسلام امر به عدالت در بینشان داد. خداوند متعال می فرماید :

﴿ و عاشروهن بالمعروف﴾

« و با زنان خود به طور شایسته (در گفتار و کردار) معاشرت کنید .» نساء/ ۱۹

و نیز می فرماید :

﴿ فإن خفتم ألاتعدلوا فواحدة﴾

« اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید ، به یک زن اکتفا کنید .» نساء/ ۳

و در جای دیگری می فرماید :

﴿ و إن أردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم إحداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً ، أتأخذونه بهتاناً و إثماً مبیناً﴾

« و اگر خواستید همسری را بجای همسری برگزینید ، هر چند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید ، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید . آیا با بهتان و گناه آشکار ، آن را دریافت می دارید ؟! (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد ؟! » نساء/ ۲۰

و در مورد [برابری زنان با مردان در امور] دین می فرماید :

﴿ من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون﴾

« هر کس چه زن و چه مرد ، کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد ، بدو (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی

مـی بخشـیم و(در آن دنیـا) پـاداش (کارهـای خـوب و عـالی) آنـان را بـر طبـق بـهترین کارهایشـان خواهیـم داد.» نحـل/ ۹۷

و در مورد اهلیـت و صلاحیـت تملیـک مـال مـی فرمـاید :

﴿ للرجال نصيب مما ترک الوالـــدان و الأقربـــون و للنســـاء نصيب مما ترک الوالدان والأقربـــون﴾

« بـــرای مـــردان و بـــرای زنـــان از آنچـــه پـــدر و مـــادر و خویشـاوندان از خـود بجـای مـی گذارنـد سـهمی اســـت .» نســاء/ ۷

و در جایی دیگـر مـی فرمـاید :

﴿ للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب ممـــا اكتســبن﴾

« مـردان نصیبـی دارنـد از آنچـه فـراچنـگ مـی آورنـد و زنـان(هـم) نصیبـی دارنـد از آنچـه بدسـت مـی آورنـد.» نســاء/۳۲

[و بـرای خوبـی] اســـلام ، آنچــه بــرای زن از مسـاوات دینـی و مسـاوات در تملیـک و کسـب ، کفـالت نمـوده است ، کـافی اســت . همچنیـن ضمـانت هـایی کـه در ازدواج بـرای او در نظـر گرفتـه از قبیـل : در نظـر داشـتن اذن و رضـایتش بـدون اینکـه اجبـار و غفلتـی در کار باشــد .

رسول گرامـی اسـلام مـی فرمـاید :

« لاتنكح الثيب حتى تستأمر ولا تنكح البكر حـــتى تســـتأذن وإذنها الصمـــوت »

« زن ثيب(كـه قبـلاً شـوهر كـرده وطـلاق شـده) بـدون اجـازه[ى تصريحـى] نكـاح نشـود و دخـتر دوشـيزه و بـاكره بـدون اذن[ضمنى] كـه همـان سـكوتش باشـد نكـاح نشـود . »

و در مورد مـهرش خداونـد مـى فرمـايد :

﴿ فأتوهن أجورهن فريضـة﴾

« بـايد كـه مهريـه ى او را (چنانكـه مقـرر اسـت بـدون كـم و كاسـت و در موعـد خـود) بپردازيـد ، و ايـن واجبـى (از واجبـات الـهى) اسـت .» نسـاء/٢٤

و از ديگـر محاسـن اسـلام ايـن اسـت كـه اعـراب قبـل از اسـلام ختران شـان را زنـده بـه گـور مـى كردنـد ، و ايشـان را از تـرس ـگ و عـار در حـالى دفـن مـى كردنـد كـه در قيـد حيـات بودنـد . ـخص بـر روى دختربچـه اش خـاك مـى ريخـت تـا ايـن كـه مـى ـ ـرد . **اسـلام** آمـد و **زنـده بگـور كـردن و قتـل ايشـان را ـرام ساخت** ، و بـه ايشـان حـق حيـات بخشـيد . و بـا ايـن احكـام، ـسـلام در حـق زن كمـال انصـاف را رواداشـت و بـر حيـات و ـقـوق انسـانى زن محـافظت نمـود .

محاسن اسلام در توصیه ی شوهر به خوش رفتاری با همسر

و یکی دیگر از محاسن دین اسلام ، نهی از معامله و رفتار بد شوهر نسبت به همسر است و این که شوهر بایستی بین محاسن و بدیهای زن ، هر دو را در نظر بگیرد ، پس اگر منصف باشد در صورت سنگینی پله ی محاسن و خوبی بر بدیها ، از بدیهای زن چشم پوشی می نماید به سبب اضمحلال و کم رنگ شدن آن در مقابل نیکی ها . از ابوهریره ﷺ روایت است که رسول گرامی ﷺ فرمودند :

«لا یفرک مؤمن مؤمنة ، إن کره منها خلقاً رضی منها آخر»

« هیچ مرد مؤمنی نباست با زن مؤمنش دشمنی ورزد ، اگر یک صفت اخلاقی وی را نپسندد ، از اخلاق دیگرش راضی است. »[1]

و از جمله محاسن اسلام این است که **برای زنها هم بر شوهران حقوقی را ثابت** نموده است ، **همانند حقوقی که بر عهده ی زنان است که نسبت به شوهران شان رعایت** نمایند ، مثل رفتار شایسته و معاشرت خوب و خودداری از ضرر رساندن به ایشان .

---

[1] رواه مسلم

همچنین از خوبی ها و محاسن اسلام این است که **برای مردان درجه و مرتبه ای** در **فضیلت و برتری** قائل است ، یعنی در آفرینش و منزلت ، اطاعت از امر ، انفاق و نفقه دادن ، ادای مهر و قیام به مصالح زن ، [خلاصه این که] در دنیا و آخرت به مرد فضیلت و برتری داده است .

پاره ای از محاسن قانون ارث

اما فرائض و تقسیم مال در بین ورثه ، خداوند ـ عزوجل ـ خودش مستقیماً بر مبنای درجه ی خویشاوندی و با توجه به آنچه به نفع و حکمت بنده است ، آن را وضع و تعیین فرموده ـ است ، و [در تقسیم] آن ترتیبی را رعایت فرموده که عقلهای سالم به حسن و نیکی آن گواهی می دهد . و اگر این امر مهم را به نظر و خواست خود مردم واگذار می فرمود ، در اثر به هم خوردن نظم و ایجاد خلل و انتخاب ناشایسته ، آشوب و بلوایی بزرگ برپا می شد .

و از جمله محاسن اسلام در میراث این است که قرابت سببی را هم به قرابت نسبی ملحق نموده است ، وقرابت سببی همان ازدواج و عقد ولاء است ، و در زمانی که خدونـد سبحان ، عقد نکاح را وسیله ی محبت و الفت ، و ازدواج و مؤانست قرار داده است ، شایسته نیست که در هنگام مرگ یکی از

زوجین ، دیگری تلخی درد فراق و دوری اش را متحمل شود بدون این که ازماترک همسرش نوعی بهره و استفاده ببرد ، وبعد از این برای شوهر دوبرابر آنچه زن از شوهر به ارث می - برد ، تعیین نمود .

و یکی دیگر از محاسن [دین اسلام در باب ارث] این است که در زمانی که دین وارث و مورث مختلف باشد مسئله ی ارث منتفی می شود ، پس هرگاه مسلمانی وفات نماید ، کافر از وی ارث نمی برد ، چرا که کافر اگر چه نسباً به میت نزدیک است ، ولی از نگاه دین خیلی فاصله دارد ، واز طرفی کافر در حکم مرده است و مرده از مرده که ارث نمی برد ، خداوند متعال می فرماید :

﴿ أو من كان ميتاً فأحييناه و جعلنا له نوراً يمشي به في النلس﴾

« آیا کسی که (به سبب کفر و ضلال همچون) مرده ای بوده است وما او را (با اعطای در پرتو قرآن) زنده کرده ایم و نوری فرا راه او داشته ایم که در پرتو آن ، میان مردمان راه می رود ...» انعام/ ۱۲۲

و همچنین می فرماید :

﴿ يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي﴾

« خداوند همواره زنده را از مرده و مرده را از زنده می - آفریند .» یونس/ ۳۱

ولی کافر از کافر ارث می برد ، به دلیل برابر بودن حال ومالشان .

محاسن عقد نکاح

اما عقد نکاح عملی مستحب و پسندیده است و محاسن و خوبی های آن زیاد است . از جمله ؛ حفاظت عفت و پاکدامنی طرفین و محافظت و سرپرستی زن .

و از دیگر محاسن نکاح این است که طریقه ی انبیا و رسولان است و همچنین سبب تکثیر و زیاد شدن امت و تکثیر نسل ، ودر نتیجه سبب تحقق مباهات نبی کریمﷺ است .

و نیز از خوبی های ازدواج و نکاح این است که بوسیله ی آن احتیاجات فرد از قبیل پخت و پز و غیره بر آورده می شود . و بوسیله ی ازدواج ، خانه و فرزندانش حضانت و حفاظت می - شوند و از طرفی سبب سکون و آرامش شخص بوسیله ی زن و همسر می شود و دیگر این که مرد با وی انس می گیرد و زندگی زناشویی را با وی آغاز می نماید و فواید و مصالح فراوان دیگری که مجال آن اینجا نیست .

مصالح و محاسن طلاق

اما حکم طلاق ، از محاسن آن این است که خداوند عزوجل آن را در اختیار شوهر قرار داده است . و از دیگر محاسن آن این است که بعد از طلاق های سه گانه حکم به حرمت غلیظه داده است ، چرا که هر کس اقدام به سه طلاق می نماید ، مصلحت را در جدایی می بیند، و شریعت حلال شدن مجدد زن مطلقه به سه طلاق را به ازدواج با شوهر دیگر و دخول با آن مشروط گردانیده است تا اینکه این شرط مانع از برگشت وی به آن زن باشد و شخص بر این نظریه که مصلحت در جدایی است ، ثابت قدم بماند . واز طرفی هم حکم به حرمت ابدی وی به گونه ای که به هیچ وجه راه برگشت و رجوعی بدان نباشد ، نداده است ، چون که چه بسا شوهر اول نتواند بعد از مدتی بر فراق آن صبر نماید و در این مسئله [در اثر رنج و غم زیاد] هلاك گردد ، بنابراین شریعت راهی برای رسیدن به وی گذاشته است ، البته با این شرط که بعد از اینکه شوهر دوم از وی بهره مند گشته و آن زن هم از شوهر دوم بهره جسته باشد .

ولی این کار را از طریق تحلیل وحلاله کردن جایزقرار نداده است ، بنا بر حدیث :

« لعن الله المحلل و المحلل لـه »

« خداوند لعنت نموده حلاله کننده (شوهر دوم) و شخصی که برای او حلاله می شود(شوهر اول) را .»

و از دیگر محاسن طلاق این است که باید در طهر و پاکی که در آن مجامعت صورت نگرفته ، واقع شود و همین طلاق سنت است ، به دلیل اینکه زمانی که حاجتش را از آن زن برآورد ، طبعاً از میلش نسبت به آن زن کاسته می شود ، پس به جدایی آن با انگیزه و ناراحتی کمتری مبادرت می ورزد ، چرا که هرگاه شخص از چیزی اشباع شد ، از چشمش می افتد و برایش بی ارزش می شود ، و زمانی که گرسنه باشد نسبت به آن چیز ، این انگیزه در قلبش شدیدتر می شود و از روی سیری اقدام به طلاق نمی نماید و چه بسا که پشیمان شده و بعد نیاز به شکستن طلاق می شود ، لذا طلاق حسن و مسنون همان است که در طهری که در آن جماع صورت نگرفته واقع شود ، زیرا که این صورت ، حالت کمال رغبت و میل به زن می باشد ، وظاهر است که در این حالت اقدام به طلاق نمی نماید مگر در صورتی که نیاز و انگیزه ای قوی برای آن داشته باشد ، پس این رخصت و جواز را شریعت به وی داده است .

و از دیگر محاسن طلاق این است که شوخی آن هم جدی است ، رسول الله ﷺ فرمودند :

« ثلاث جدهن جد ، وهزلهن جد ، الطلاق و العتاق والنكاح »

« سه امر اینگونه اند که جدی آنها هم جدی است و شوخی آنها هم جدی محسوب می شود و آنها عبارتند از ؛ طلاق ، عتاق و نکاح . »

پس زمانی که انسان بداند که به مجرد تلفظ لفظ طلاق ولو از روی شوخی و مزاح باشد ، طلاق واقع می شود ـ به اذن خداوند ـ اگر انسان عاقلی باشد از این کار خودداری می کند .

اندکی از محاسن قصاص و مجازات اسلامی

و از محاسن قصاص و مجازات و عقوبات واجب ، این است که سبب تنبیه و ترس سرکشان ، و تنبیه شدن دلهای سختی که از رحمت و شفقت تهی هستند می شود . و از دیگر محاسن آن تأدیب گروههای طاغی و سرکش می باشد . به همین جهت حکم به قتل قاتل و قطع دست دزد و سارق نموده تا از خونریزی جلوگیری نماید ، خداوند متعال می فرماید :

﴿ ولكم فى القصاص حياة﴾

« در قصاص برای شما حیات و زندگی است .» بقره/ ۱۷۹

و قطع دست سبب حفظ اموال مردم می شود و در نتیجه مردم در امنیت و آرامش زندگی بسر می کنند ، الله عزوجل می فرماید :

﴿ و السارق و السارقة فأقطعوا أيديهما جزاءاً بما كسبا نكالاًمن الله و الله عزيز حكيم﴾

« دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان مجازات الهی قطع کنید ، و خداوند (بر کار خود) چیره و(در قانونگذاری خویش) حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می کند تا مانع پخش آن گردد).» مائده/ ۳۸

زنا

[اسلام] زنا و مقدمات آن از قبیل نگریستن به زن نا محرم و اجنبی ، خلوت با وی و بوس کنار گرفتن از وی را حرام گردانیده وامر به سنگسار زناکار ، قتل لوطی در مقابل دیدگان عموم ، شلاق زدن زانی غیر محصن و تبعید آن برای یکسال داده است . همه ی اینها وسیله ی حفاظت نسب ، عرض و آبرو، حمایت از اخلاق ، حفاظت و صیانت امت از فنا و فساد می باشند .

تحریم شراب و باده

همچنین [اسلام] حکم به تحریم شراب نموده و آن را ام لخبائث (مادر تمام پلیدی ها) نا میده و برای آلوده ی به آن، حکم شلاق زدن را صادر نموده است، چرا که او مرتکب عملی پست و زشت گردیده است. همه ی اینها بدین جهت است تا عقلها سالم و مال دائماً در امان، وشرف و اخلاق پاک و طاهر باقی ماند

بار الها! ما را از غم و اندوه پناه ده! همچنین از ناتوانی و کسالت، و از بزدلی و بخل، واز مغلوب شدن در برابر دین و غلبه ی مردم، و از شماتت و دشمنی دشمنان! و ما و والدین ما و جمیع مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما!
و صلی الله علی محمد و آله و صحبه أجمعین

شعر

۱. أیا علـماء الدین مالی أراکـم
تغاضیتـم عن منـکرات الأوامـر
۲. أما الأمر بالمعروف والنـهی فرضکـم
فأعرضتم عـن ذاک إعـراض هـاجر
۳. أما أخـذ المیثاق ربی علیـکم
بأن تنصحوا بالحـق أهـل المنـاکر

٤. فإن هم عصوكم فاهجروهم هـــاجروا
تنالوا بنــصر الديــن أجــر المــهاجر
٥. إذا كــان هذا حــال قاض و عــالم
و حال وزير أمـــير مظـــاهر
٦. و لم تنتهوا عن غيـــكم فـــترقبوا
صـــواعق قــهار و سطـــوة قــاهر
٧. فمــا الله عمــا تعملون بغــافل
و لكنه يملــى لطــاغ و فـــاجر
٨. و قــد أرســل الآيات منه مخوفــاً
و لكن غفلتم عــن سمــاع الزواجــر
٩. أجيــبوا عباد الله صوت منــاصح
دعاكم بصوت ما له مــن منــاصر
١٠. و قوموا سراعاً نحو نصرة دينكــم
اذا رمتم فى الحشــر غفــران غــافر
١١. و حسن ختام النظم أزكى صلاتنــا
على المصطفــى والآل أهــل المفــاخر

ترجمـه:

۱. ای علمای دین ! چـه شـده کـه شـما را مـی بینـم کـه از امـور منکر و زشـت چشـم پوشـی مـی نمـایید ؟!

۲. مگر امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای بر شما نیست ؟ پس شما همچون شخص قهر از آن روی گردانید .

۳. آیا مگر پروردگارم از شما عهد نگرفته که به حق و حقیقت ، اهل منکر و گنهکاران را نصیحت نمایید؟

٤. اگر ایشان از نصیحت شما سرپیچی و سرکشی نمودند، پس ایشان را ترک کنید و مهاجرت کنید ، وبا نصرت دین،اجر و ثواب مهاجر را بدست آورید.

٥. هرگاه حال قاضی ، عالم ، وزیر و امیر پشتیبان [ملت و امت] این باشد ...

٦. و شما از گمراهی تان دست نکشید،پس منتظر صاعقه ـ های عذاب خدای قهار و تسلط ظالم باشید .

۷. الله تعالی از آنچه انجام میدهید در غفلت نیست و لیکن سرکشان و فاجران را مهلت می دهد .

۸. و به درستی آیاتی که بعضی ازآن ترساننده است ، فرستاد، ولی شما از شنیدن آیات بازدارنده و زواجر در غفلتید .

۹. ای بندگان خدا ! صدای ناصح و خیرخواهی که با صدای تنها و بی یار و یاور شما را فرا می خواند اجابت نمایید .

۱۰. اگر خواستار غفران و بخشش پروردگار بخشنده در میدان محشرید ، به سرعت به سوی نصرت دینتان بشتابید .

۱۱. و برای حسن ختام شعر، پاکترین درودها را نثار پیامبر برگزیده و آل صاحب مفاخر و افتخارات [می نماییم].

بار الها! در چشم ها و گوشهایمان برکت ده! و دلهایمان را منور بفرما! و در بین ما صلح و صفا بر قرار فرما! و در بین ما الفت و محبت برقرار فرما! و ما را به سوی راههای سلامتی و امنیت راهنمایی فرما! و ما را از تاریکی ها به سوی نور نجات بده! و ما را از فواحش و منکرات ظاهر و پوشیده بدور دار! و ما و والدینمان و جمیع مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما! و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه اجمعین

پاره ای از محاسن و خوبی های اخلاق و آداب اجتماعی اسلام

مشوره

و از دیگر محاسن اسلام تشویق به مشوره و عمل به آن است ، زمانی که صائب ، موافق عقل و منطق و تجربه باشد ، خداوند متعال می فر ماید :

﴿ و أمرهم شوری بینهم﴾

«و (مؤمنان) کارشان به شیوه ی رایزنی و بر پایه ی مشورت با یکدیگر است .» شوری/

و از دیگر محاسن اسلام ؛ **تشویق به آزادی غلامان و نیکی کردن به زیردستان و مملوکان** است .

و از دیگر محاسن اسلام ؛ **تشویق به نیکی کردن نسبت به همسایه ، مهمان ، مسکین و یتیم** است .

مواسات و همدردی درجامعه

و از محاسن اسلام این نیز می باشد که به سوی تبادل الفت و محبت ، یکرنگی ، تعاون و همکاری با یکدیگر تشویق می - نماید ، رسول الله ﷺ می فرماید :

« ألمؤمن للمؤمن كالبنيان ، يشد بعضه بعضاً »

« مؤمن برای مؤمن دیگر به منزله ی ساختمانی است که بعضی از اجزای آن بعضی دیگر را مستحکم نگه می - دارد.»

نهی از تشتت و تفرقه

و از محاسن اسلام این است که نزاع ، مخالفت و تفرقه را نمی پسندد و مذمت می نماید ، خداوند متعال می فرماید :

﴿ و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا﴾

« و همگی به رشته ی (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید .» آل عمران/ ۱۰۳

و رسول الله ﷺ می فرمایند :

« مؤمن برای مؤمن همانند ساختمان و بنایی است که اجزای آن یکدیگر را تقویت می نمایند .»

و از دیگر محاسن دین اسلام ؛ **نهی از سخن چینی و غیبت ، حسد و تجسس ، دروغ و خیانت** است . وآیات و احادیث دال برآن فراوان است که اگر تلاش کنی بدان دست می یابی .

عـدل و داد

و از دیگـر محاسـن اسـلام نـهی از ظلـم وسـتم ، و امـر بــه عــدل وعدالت بـا خویشـان و غریبـه هاسـت خداونـد عزوجـل مـی فرمـاید:

﴿ یا أیها الذین آمنوا کونــوا قوامــین لله شــهداء بالقســط و لایجرمنکم شنآن قوم علی ألا تعدلــوا إعدلــوا﴾

« ای مؤمنـان ! بـر ادای واجبـات خـدا مواظبـت داشـته باشـید و از روی دادگـری گواهـی دهیـد ، و دشــمنانگی قومــی شــما را بـر آن نـدارد کـه (بـا ایشـان) دادگـری نکنیـد . دادگــری کنیــد کـه دادگـری (بویـژه بـا دشـمنان) ، بــه پرهــیزگــاری نزدیکــتر اســت . » مـائده/ ۸

و در جایی دیگــر مـی فرمـاید :

﴿ إن الله یأمر بالعدل و الإحســـــان﴾

« بـی گمـان خداونـد بـه دادگـری و نیکوکــاری دســتور مــی - دهـد .» نحـل/ ۹۰

عفو و گذشــت

و از محاســن اســلام ، تشــویق بــه در گذشــتن و عفــو انســان متجاوز اسـت ، خداونـد متعـال مـی فرمـاید :

﴿ و الیعفوا و الیصفحــوا﴾

« (مؤمنـان) بـاید عفـو و گذشـت نمـایند .» نـور/ ۲۲

و در جایی دیگـر مـی فـر مـاید :

﴿ إدفع بالتی هی أحســـن﴾

« (هـر گـز بـدی را بـا بـدی ، و زشـتی را بـا زشـتی پاسـخ مگـوی ، بلکـه بـدی و زشـتی دیگـران را) بـا زیبـاترین طریقـه و بـهترین شیوه پاســخ بـده .» مؤمنـون/ ۹٦

و همچنین مـی فرمـاید :

﴿ و أن تعفوا أقرب للتقـــوی﴾

« و اگـر شـما گذشـت کنیـد بـه پرهـیزگـاری نزدیکـتر اســت . » بقـره/ ۲۳۷

صلح و آشــتی

و از دیگـر محاسـن اسـلام ، دعـوت بـه برقـراری صلــح و آشــتی بیـن دو بــرادر مســلمان اســت و نــهی از هجــران و قــهر کــردن از یکدیگر اســت ، الله تبـارک و تعـالی مـی فـر مـاید :

﴿ إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخویکـــــم﴾

« فقـط مؤمنـان بـرادران همدیگرنـد ، پـس میـان بـرادران خـــود صلـح و صفـا برقـرار کنیـد .» حجـرات/ ۱۰

و در جای دیگر مــی فـر مـاید :

﴿ و الصلح خــیر﴾ نسـاء/ ۱۲۸

و از محاسن و زیبایی های اسلام ، **نهی از قطع رابطه ، بغض و حسد ورزیدن و پشت کردن نسبت به یکدیگر** است ، رسول الله ﷺ می فرماید :

« لا تقاطعوا ولا تدابروا ولا تباغضوا ولا تحاسدوا »

« با هم قطع رابطه نکنید و به یکدیگر پشت نگردانید و نسبت به هم بغض و حسادت نورزید.»

نهی از استهزاء و عیب جویی

همچنین از محاسن و زیبایی های اسلام ، نهی از استهزاء و مسخره کردن مردم و ذکر عیوب شان است ، الله تعالی می‌فرماید :

﴿ یا أیها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یکونوا خیراً منهم و لا نساء من نساء عسی أن یکن خیراً منهن و لا تلمزوا أنفسکم ولا تنابزوا بالألقاب﴾

« ای کسانی که ایمان آورده اید ! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند ، شاید آنان بهتر از اینان باشند ، و نباید زنانی زنان دگری را استهزاء کنند ، زیرا چه بسا آنان از اینان خوبتر باشند ، وهمدیگر را طعنه نزنید و مورد عیب جویی قرار ندهید ، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و منامید .» حجرات/ ۱۱

و از ديگر محاسن آن ، **نـهی از بیـع انسـان بـر بیـع بـرادر مسـلمان و خواسـتگاری بــر روی خواســتگاری** وی مــی ـ باشـد ، مگـر در صورتـی کـه خـودش اجـازه دهـد یـا هـم انصـراف بدهد ، چونکه از ایـن کـار دشـمنی و قطـع رابطـه نشـأت مـی گـیرد .

افشای سـلام

و از محاسـن و زیبـایی هـای اسـلام ، مشـروعیت و سـنت قـرار ـ دادن سـلام بـر مسـلمان اسـت ، اعـم از ایـن کـه او را بشناسـد یـا نشناسـد . و از دیگـر محاسـن آن امـر بـه پاسـخ دادن سـلام بـه صورتی زیباتر از خـود سـلام یـا حـد اقـل بـه شـکل خـود آن ، مـی ـ باشد. خداونـد متعـال مـی فرمـاید:

﴿ و إذا حييتم بتحية فحيوا بأحسن منـــها أو ردوهـــا﴾

« هـر گـاه شـما را درودی دادنـد (اعـم از سـلام کـردن و دعـا نمـودن و احـترام گـذاردن)بگونـه ی زیبـاتر و بـهتر از آن یـا (دست کـم) همـانند آن ، آنـرا پاسـخ گوییـد .» نسـاء/ ۸٦

تحقیق و اطمینان در شـنیده هـا و اخبـار

و از دیگـر محاسـن اسـلام ، دسـتور بـه یقیـن و اطمینـان حـاصل کـردن ، بـه آنچـه مـی شـنویم ، مـی باشـد ، الله ـ عزوجـل ـ مـی ـ فرمـاید :

﴿ یا أیها الذین آمنــــوا إن جــاءکم فاســـق بنبـــأ فتبینـــوا أن تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتـــم نـــادمین﴾

« ای کســانی کــه ایمــان آورده ایــد ! اگــر شـــخص فاســقی خبری را بـه شـما رسـانید ، دربـاره ی آن تحقیـق کنیــد ، مبـادا بـه گروهـی ـ بـدون آگـاهی (از حـال و احوالشـان و شـناخت راسـتین ایشـان ـ) آسـیب برسـانید ، و از کـرده ی خـود پشیمان شـوید .» حجـرات/ ٦

و نیز فرمـوده اسـت :

﴿ ولاتقف ما لیس لک به علـــم﴾

« و از چـیزی دنبالــه روی مکــن کــه از آن نــاآگــاهی .» اسـراء/٣٦

و از دیگـر محاســن آن **نــهی و ممــانعت از ادرار در آب هــای راکــد** مـی باشـد ، کـه بـا ایـن حکـم بـه بهداشـت محیــط و حفـاظت محیـط زیسـت از نجاسـات ، وبـا اذن خـدا از بیمــاری هــا ، توجه و عنـایت شـده اسـت .

نهی از آزار رسـانیدن بـه مؤمنـان

و از جمـله محاسـن اسـلام ، نــهی از آزار و ضـــرر رســانیدن بــه مؤمنان اسـت . خداونـد سـبحان مـی فرمـاید :

﴿ والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنـــات بغـــیر مااکتســبوا فقــد احتملوا بهتاناً و اثماً مبینـــاً﴾

« کسانی که مردان و زنان مؤمن را ـ بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند ـ آزار می رسانند ، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده اند .»احزاب/ ۵۸

و حضرت رسول اکرم ﷺ می فرماید :

« من أكل الثوم والبصل والكراث ، فلايقربن مسجدنا ، فإن الملئكة تتأذى مما يتأذى منه بنوآدم »

« هرکه سیر ، پیاز و تره می خورد ، پس به مسجد ما (مسلمین) نزدیک نشود ، چرا که ملائکه از همان چیزهایی اذیت می شوند که انسانها اذیت می گردند .»

محاسن برخی از حقوق مسلمان

از محاسن اسلام ، دستور به **همراهی جنازه ی مسلمان** است ، چونکه در آن دعا و ترحم برمیت و نماز بر وی ، تسلی خاطر خانواده ی مؤمنش می باشد .

و از دیگر محاسن اسلام ، [امر به]**جواب عطسه** [(یرحمک الله گفتن، در صورتی که عطسه زننده الحمدلله بگوید)]، کمک نمودن به برادر مسلمان در عملی کردن قسم و سوگندش است ، زیرا این اعمال سبب الفت و اخوت بین

مسلمین می شود . و در ابرار قسم و سوگند ، جبر خاطر و دلجویی وی می باشد .

و همچنین از محاسن اسلام ، **دعای رحمت برای برادر مسلمان و اجابت خواسته** و طلب وی مادامی که مخالف شرع نباشد ، می باشد .

اجابت دعوت مسلمان

و از دیگر محاسن اسلام ، اجابت دعوت مسلمان است ، بخصوص زمانی که برای جشن عروسی باشد ، البته به شرطی که در آن عملی مخالف شرع یا مخل مروت و انسانیت صورت نگیرد . همچنان که امروزه در نزد بعضی مردم این منکرات و لهو و لعب ها مشاهده می شود ، به دلیل اینکه این حضور سبب جسور شدن فساق و گستاخان می باشد و اعانت و همکاری بر پخش گناهان و بی توجهی به آن محسوب می شود . پس اگر توانایی مبارزه با منکراتی چون تلویزیون و [ضبط صوت ، موسیقی ، رقص و] ... را دارد ، حاضر شود و آن را جمع نماید و الا از حضور در آن امتناع ورزد .

نهی از ترساندن مسلمان

و همچنین از محاسن دین اسلامی است که بر مسلمان به وحشت انداختن برادر مسلمانش را حرام گردانیده است ، فرقی نمی کند با خبری که سبب وحشتش می شود ، این کار را بکند یا با اشاره ی سلاح یا غیر آن .

نهی از تشبه به جنس مخالف

و یکی دیگر از محاسن و خوبی های دین اسلام این است که از تشبه مردان به زنان و بالعکس ، یعنی اینکه زنان خود را شبیه مردان سازند ، منع نموده است ، به سبب مفاسدی که بدنبال دارد ، از قبیل رشد صفات زنانه میان مردان در تقلید از لباس پوشیدن زنان و حرکات و سکنات و طریقه ی سخن گفتن شان ، همچنانکه این عمل زشت در نزد بعضی از فرهنگ باخته ها ی هیپی و رپی فریب خورده با ریش های تراشیده مرسوم است .

پرهیز از مواضع تهمت

و از جمله محاسن اسلام ، پرهیز از مواضع تهمت و شک است ، تا اینکه دل و زبان مردم از سوءظن و گمان بد حفاظت شود . در روایات آمده که:

« روزی حضرت صفیه ـ رضی الله عنها ـ همسر پیامبر ﷺ برای زیارت حضرت که در حال اعتکاف بود ، آمد ، پس رسول گرامی ﷺ در وقت برگشت برای بدرقه اش برخاست ، تا اینکه به درب مسجد رسید ، دو انصاری ایشان را دیدند و بر پیامبر ﷺ سلام کردند ، حضرت ﷺ فرمود : « علی رسلکما ، انما هی صفیة بنت حیی » (اندکی درنگ کنید ، این صفیه دختر حیی می باشد)، آن دو صحابی انصاری ـ رضی الله عنهما ـ عرض کردند : سبحان الله یا رسول الله ! ([گویا] این کار برایشان گران تمام شد) ، پس حضرت ﷺ فرمود : « ان الشیطان یبلغ من الانسان مبلغ الدم ، و انی خشیت أن یقذف فی قلوبکما شیئاً »(همانا شیطان به انسان به اندازه ی خونش نزدیک می شود و من از اینکه در قلب شما چیزی القا کند ، ترسیدم . »

این ذاتی است که شریف ترین خلق و پاک ترین شان است ، چگونه تهمت و شک را از خودش دور می نماید ؟!

«حضرت عمر ﷺ می فرماید : « من أقام نفسه مقام التهم فلایلومن من أساء به الظن » (هرکس خودش را در معرض تهمت قرار دهد ، پس اگر کسی گمان بد به وی کرد ، او را مورد ملامت قرار ندهد .

و روزی ایشان برمردی گذشت که با همسرش در وسط راه سخن می گفت ، پس بلندش نمود و با دره او را تنبیه

کرد ، آن شخص گفت : ای امیرالمؤمنین ! این زن ، همسر من است ، ایشان فرمود : چرا در جایی که کسی شما را نبیند با وی سخن نمی گویی ؟»

پس از محاسن اسلام ، دوری جستن از مواضع تهمت و شبهات است . اکنون چگونه است اگر کسی زنی را ببیند که به تنهایی بر خیاطی مرد داخل می شود و او در تنهایی و خلوت اندازه اش را می گیرد . یا کسی می بیند که زنی به تنهایی به عکاسی مردانه وارد می شود یا بدون محرم سوار ماشین فرد اجنبی می شود . یا زن مسلمان بدون محرم به دیار کفر مسافرت می نماید،یا به تنهایی به نام معاینه ی پزشکی نزد دکترمرد می - رود ، و امثال آن که در زمانه ی ما اتفاق می افتد ، عصری که در آن فتنه ها به اوج خود رسیده و امرو نهی به حد اقل خود رسیده است . و در مقابل ، اهل شر و فساد که شوکت و مجدشان به انتها رسیده و یار و یاور همدیگر گشته اند ، برعکس اهل خیر و صلاح که در جدایی و پستی و کار و بار مشغول گشته اند . فالله المستعان

با دشمنان و جاهلان مدارا

و از جمله محاسن اسلام این است که هر گاه انسان به شخص شریر و بدی یا فاجری از فجار یا کسی که با معصیت

وجرم محبت دارد، مبتلا و گرفتار شد، بهتر است از شر وی برحذر باشد و خودش را بدور دارد، و تاحد امکان با وی مدارا نماید واز وی اجتناب ورزد. حضرت ابودرداء ﷺ می فرماید:

«ما بر چهره ی بعضی لبخند می زنیم، در حالی که دلهایمان لعنتشان می کند، معنای آن این است که باید با اشراری که قادر به راندن و تردیدشان به دلیل ترس از شر و آزار و سر کشی ایشان، نیستی، مدارا نمایی، در حالی که در دل آن را ناپسند بدانی.»

و از دیگر محاسن و خوبی های اسلام، امر ودستور به اصلاح و آشتی دادن بین مسلمین است، ودلایل آن از کتاب و سنت، فراوان و ظاهر است.

پرده پوشی و حفظ آبروی مسلمان

همچنین از محاسن و خوبی های اسلام، امر به پوشیدن عورات و عیوب و کوتاهی های ایشان است. رسول الله ﷺ می - فرماید:

« و من ستر مسلماً ستره الله »

« و هر کس مسلمانی را پرده پوشی نماید ،خداوند پرده - پوشی وی را می نماید.»

ودر جای دیگری می فرماید:

« **يا معشر من آمن بلسانه ، و لم يدخل الايمان قلبه ، لا تغتابوا المسلمين ، ولا تتبعوا عوراتهم** »

« ای کسانی که با زبان ایمان آورده اید و ایمان داخل قلبتان نشده ، پشت گویی و غیبت مسلمانان را ننمایید و مسایل پوشیده ی ایشان را جستجو ننمایید .»

همکاری و تعاون مسلمان

و از محاسن اسلام داخل نمودن سرور و شادمانی به قلب مسلمان است ، همچنین مساعدت و همکاری با محتاج و نیازمند است . رسول الله ﷺ می فرماید :

« **لايؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه** »

« هیچ یک از شما ایمان کامل نمی آورد تا زمانی که برای برادرش همان را بپسندد که برای خودش می پسندد ».

ودر جای دیگری می فرماید :

« **ومن كان في حاجة أخيه ، كان الله في حاجته** »

« یعنی هر کس در پی حاجت برادر مسلمانش باشد ، خداوند در پی حاجت او است .»

اکرام مسلمان

و از دیگر محاسن اسلام ؛ توقیر و احترام مسلمان و بخصوص نسبت به سالمندان و کهن سالان ، و شفقت بر کودکان است . رسول الله ﷺ می فرماید :

« لیس منا من لم یوقر کبیرنا ، و یرحم صغیرنا »

« آنکس که احترام بزرگان را نگه ندارد و بر کودکان رحم ننماید ، از ما نیست .»

همچنین می فرماید :

« إن من إجلال الله إکرام ذی الشیبة المسلم »

« از جمله ی تعظیم و بزرگ داشت الله تعالی ، اکرام و احترام مسلمان پیر است .»

نهی از فحاشی

و از دیگر محاسن و خوبی های اسلام ؛ نهی از فحش و بدزبانی است . رسول اکرم ﷺ می فرماید :

« لیس المؤمن بالطعان و لااللعان و لا الفاحش و لا البذی»

« مؤمن طعنه زننده ، لعنت کننده ، فحش دهنده و بدزبان نیست .»

کراهت نجوا و سرگوشی

و یکی دیگر از محاسن اسلام ؛ نهی از آهسته سخن گفتن دو شخص با وجود شخص سوم است ، زیرا سبب اندوه و ناراحتی شخص سوم می شود و گمان می کند که در مورد او با هم نجوا و سرگوشی می نمایند ، و این با ادب منافات دارد . و همچنین سخن گفتن به زبانی که در آنجا کسی باشد که با آن زبان آشنایی نداشته باشد نیز مخالف ادب است . حضرت رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید :

« إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى إثنان دون آخر حتى تختلطوا بالناس من أجل أن ذلک يحزنه »

« هرگاه سه نفر باشید پس دونفر باهم سرگوشی ننمایند که نفر سوم را شریک نسازند ، تا اینکه با مردم درآمیزید ، به دلیل اینکه این سبب اندوه و ناراحتی وی می شود ».

کراهت سر راه نشستن

و از دیگر محاسن اسلام ؛ نهی و برحذر داشتن از نشستن بر سر راه هاست ، چرا که سبب تعرض به کارهای ناپسند و غیر مفید می شود . واز طرفی چه بسا انسان حق وحقوق کوچه و راه را رعایت نمی نماید ، حقوقی از قبیل امر به معروف ونهی از منکر و نصرت ومدد مظلوم ، و بازداشتن ظالم از ظلم - که

این خود مدد وی بر ظلم محسوب می شود . وهمچنین اعانت و همکاری مسلمان ، حفاظت نگاه و چشم ، جواب سلام و پرهیز و خودداری از آزار و اذیت رساندن .

مدد و نصرت کسی که با نام خدا از ما چیزی بخواهد

و از دیگر خوبی ها ومحاسن دین اسلام این است که هر کس از ما با نام الله پناه بخواهد بر ما لازم است که او را پناه بدهیم ، وهر کس با نام الله از ما چیزی بخواهد لازم است که به وی بدهیم ، و در حد توان در مقابل کسی که نسبت به ما نیکی و احسان کرده ، جبران آنرا بکنیم ، واگر استطاعت آن را نداشتیم حداقل از خداوند بخواهیم که جزای خیرش بدهد ، نسبت به پشتیبانی و همکاری که باما در امر خیر نموده است ، تا اینکه به حدیث نبی کریم ﷺ عمل کرده باشیم ، که می فرماید:

« من استعاذ منكم بالله فأعيذوه ، ومن سأل بالله فأعطوه ، ومن دعاكم فأجيبوه ، ومن صنع إليكم معروفاً فكافئوه ، فإن لم تجدوا ما تكافئوه فادعوا له حتى تروا أن قدكافئتموه »

و الله اعلم و صلی الله علی محمد و آله وسلم .

ایثار و ازخـودگذشـتگی

و از جمله محاسن و خوبی های دین اسلام این است که از خودت انصاف نشان بدهی ، و برای مردم همان را بپسندی که برای خودت می پسندی و خودت را به جای برادران مسلمانت بگذاری و با ایشان به گونه ای معامله و رفتار کنی که دوست داری با تو برخورد و رفتار نمایند و حقوق ایشان را ادا نمایی .

حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند :

« لا یستکمل العبد الإیمان حتی یکون فیه ثلاث خصال ، الإنفاق من الإقتار ، والإنصاف من نفسه ، وبذل السلام »

« بنده ایمانش را تکمیل نمی کند مادامیکه در وی سه خصلت و صفت یافته نشود ؛ (۱) انفاق و خرج کردن با وجود تنگدستی (۲) انصاف به خرج دادن (۳) افشای سلام.»

خداوند سبحان در این باره می فرماید :

﴿ و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه﴾

« و(مؤمنان ،)دیگران را بر خود تر جیح می دهند ، هر چند که خود سخت نیازمند باشند .»حشر/ ۹

و حضرت رسول ﷺ می فرماید :

« طعام الإثنين يكفي الأربعة ، و طعام الأربعة يكفي الثمانية ، فاجتمعوا عليه ولاتفرقوا »

« غذای دو نفر برای چهار شخص کفایت می نماید ، و طعام چهار نفر برای هشت نفر بسنده است ، پس جمع شوید بر غذا و متفرق نشوید .»

و در حدیث دیگری می فرمایند :

« ومن كان معه فضل ظهر ، فليعد به على من لا ظهر له ، و من كان معه فضل زاد ، فليعد به على من لا زاد له »

« و هر کس سواری اضافی دارد ، پس به کسی که سواری ندارد ، بدهد و هر کس زاد و توشه ی زاید بر مصرف خود دارد ، پس به کسی بدهد که توشه و زاد ندارد .»

و همین طور در ادامه انواع مال را ذکر فرموده ، راوی (ابو ـ سعید ﷺ) می فرماید :

« به گونه ای که به نظر ما رسید که هیچ کس از ما بر مال اضافی خودش حقی ندارد . »

حفاظت آبرو ، جان و مال مسلمان

و از دیگر محاسن اسلام و اخلاق بلند آن ، این است که انسان آبرو ، جان و مال برادر مسلمانش را از این که به آن ظلم و ستمی روا داشته شود ، در حد استطاعت و توانش حفاظت

نماید ، و ظلم و تجاوز و دشمنی را از او بر گرداند و از وی در حد توان و قدرتش دفاع نموده و یاریش نماید . حضرت ابو درداء ﷺ روایت می فرماید :

« در نزد رسول الله ﷺ شخصی به شخص دیگری تعرض نمود ، پس شخص سومی آنرا رد نمود ،رسول الله ﷺ فرمود : « من رد عن عرض أخيه كان لـه حجاباً من النار » هر کس از آبروی برادرش دفاع نماید ، این برایش از آتش جهنم حجابی می شود.»

همچنین در روایت دیگری از ایشان ﷺ وارد شده است که فرمود :

« **من رد عن عرض أخيه ، رد الله عن وجهه النار يوم القيامة** »

« هر کس از آبروی برادرش دفاع نماید ، خداوند در روز قیامت از چهره اش آتش جهنم را رد و دور می فرماید .»

عطوفت و شفقت بر مسلمانان

و از دیگر محاسن و زیبایی های اسلام ، عطوفت بر ضعفا و شفقت بر فقرا و رأفت و نرمی نسبت به یتامی ، خدمت کاران ، غلامان و کنیزان است . همچنین نسبت به ایشان احسان و نیکی کردن و ناراحتی ایشان را دفع کردن و خوشرفتاری ، تواضع ،

ملاطفت ، فروتنی و نرمخویی را در حق ایشان روا داشتن .خداوند متعال به رسولش ﷺ می فرماید :

﴿ واخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین﴾

« و بال (محبت و مودت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستران » شعراء / ۲۱۵.

و می فرماید :

﴿ واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداة والعشی یریدون وجهه﴾

« با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می پرستند و به فریاد می خوانند (و تنها رضای)ذات او را می طلبند .» کهف/ ۲۸

و نیز می فرماید :

﴿ فأما الیتیم فلا تقهر و أما السائل فلا تنهر﴾

« پس یتیم را زبون مدار (و اموال ودارایی ایشان را با زور وقهر مگیر و تصرف مکن) . و گدا را با خشونت مران . » ضحی/ ۹ _ ۱۰

و باز می فرماید :

﴿ أرأیت الذی یکذب بالدین فذلک الذی یدع الیتیم ولا یحض علی طعام المسکین﴾

« کسانی که به دین و آیین ، سزا و جزا (در پیشگاه خدا) ایمان ندارند ، می فهمی که چگونه کسانی اند ؟ آنان

کسانی اند که یتیم را سخت از پیش خود می رانند .(و دیگران را به سیر کردن) و به خوراک دادن مستمندان تشویق و ترغیب نمی نمایند .» ماعون/ ۱ـ ۲ـ ۳

و در جای دیگری می فرماید :

﴿ وما أدراک ما العقبة ، فک رقبة ، أو إطعام فی یوم ذی مسغبة ، یتیماً ذا مقربة ، أو مسکیناً ذا متربة ﴾

« و تو چه می دانی آن گردنه چیست ؟ آزادکردن بنده و برده است . یا خوراک دادن در زمان گرسنگی (قحطی و خشکسالی) است . (خاصه) به یتیمی خویشاوند . یا به مستمندی خاک نشین» بلد/ ۱۲ تا ۱۶

و می فرماید :

﴿ عبس و تولی ، أن جاءه الأعمی ، وما یدریک لعله یزکی﴾

« چهره در هم کشید و روی برتافت ! از اینکه نابینایی به پیش او آمد . تو چه می دانی ، شاید او (از آموزش و پرورش تو بهره گیرد و) خود را پاک و آراسته سازد . »

عبس/۱تا۳

رحمت و شفقت نسبت به حیوانات

و از جمله محاسن دین اسلامی رأفت و نرم دلی ، رحمت و شفقت داشتن است نه قساوت و سنگدلی ، شدت و آزار

رساندن ، حتی در حق حیوانات چهارپا . از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که همانا رسول الله ﷺ فرمود :

« عذبت إمرأة فی هرة سجنتها حتی ماتت ، فدخلت فیها النار ، لا هی أطعمتها و سقتها ، ولا هی ترکتها تأکل من خشاش الأرض »

« زنی به خاطر گربه ای که زندانی کرده بود تا اینکه مرد ، عذاب شد و داخل آتش جهنم شد ، این زن نه آن گربه را خود آب و غذا می داد و نه هم رهایش میکرد تا از حشرات زمین بخورد . »

بخاری و مسلم - رحمهما الله - و دیگران بصورت مرفوع روایت کرده اند که :

« إن رجلاً دنا من بئر فنزل و شرب منها ، و علی البئر کلب یلهث من العطش ، فرحمه فنزع أحد خفیه فسقاه ، فشکر الله له ذلک فأدخله الجنة »

« مردی نزدیک چاه آبی رفت ، پس پایین شد و از آن آب نوشید ، و در آنجا سگی را یافت که از شدت تشنگی زبانش را درآورده بود ، پس او را رحم آمد و یکی از کفشهایش را کشید و آن را آب نوشانید ، و خداوند از این عملش قدردانی فرمود واو را داخل بهشت گردانید » متفق علیه

و امام مسلم ـ رحمه الله ـ و دیگران روایت کرده اند که رسول الله الاغی را مشاهده کرد که صورتش داغ شده بود پس فرمود :

« لعن الله الذی وسمه »

« خداوند کسی که این حیوان را داغ نموده ، لعنت کند .»

مراعات حکمت و شناختن جایگاه هر شخص

و از محاسن اسلام ، مراعات حکمت است ، بدین معنی که هر مؤمن را در جایگاه و منزلت خود او بگذاریم و کرامت و شرافت و شعور او را بسنجیم و رعایت نماییم ، و در مکان و جایی او را قرار دهیم که لایق و شایسته ی آن است .

از عایشه ـ رضی الله عنها ـ روایت شده که رسول اکرم ﷺ فرمودند:

« أنزلوا الناس منازلهم »

« مردم را در جایگاه و منزلت خودشان بنشانید .»

همچنین روایت شده که :

« حضرت ام المؤمنین عایشه صدیقه ـ رضی الله عنها ـ در مسافرت بودند ، در منزلی (کاروانسرایی) فرود آمدند که در آن استراحت نمایند و غذایشان را تناول فرمایند ، پس سائل و فقیری آمد ، فرمود : به این مسکین قرص نانی

بدهید ، بعد از آن مردی سوار گذشت ، فرمود : او را برای غذا دعوت کنید . به ایشان گفته شد : چرا به آن مسکین قرص نانی دادید و این ثروتمند را به غذا فرا خواندید ؟ پاسخ داد : خداوند انسانها را منازل مختلفی داده است ، لازم است که ما هم هر کدام را در جایگاه خودش قرار - دهیم ، این فقیر مسکین به همین قرص نان راضی می شود ، ولی برای ما زشت و نا پسند است که به این انسان شریف و توانگر هم - با این هیأت - قرص نانی بدهیم . »

خداوند بیامرزد[مادرمان را] ، چه زیبا پاسخ داد ، که این پاسخ بر حکمت ، خوش ذوقی ، زیرکی ، رفتار کریمانه و اقتدا و تأسی کامل به فرمایشات الله و رسولش ﷺ دلالت می نماید .

همچنین روایت شده است که :

« رسول اکرم ﷺ به خانه ای از خانه هایش داخل شد ، و اصحاب گرانقدرش - رضوان الله علیهم اجمعین - بر ایشان داخل شدند تا جایی که مجلس پرشد ، ناگاه جریربن عبدالله بجلی ﷺ وارد شد ، و جایی برای نشستن نیافت ، ناچار بر سر راه جلوی در نشست ، رسول الله ﷺ ردای مبارک را جمع نموده به وی تقدیم فرمود تا بر آن بنشیند و فرمود : « إجلس علی هذا » (براین بنشین !) جریر ﷺ ردا را گرفت و بر چهره اش نهاد و شروع به بوسیدن آن کرد و گریه را سرداد ، به سبب تأثرش از اکرام رسول الله ﷺ

نسبت به وی ، سپس آن را دوباره پیچید و با اظهار تشکر و قدردانی آن را به رسول الله ﷺ مسترد نمود و عرض کرد : « ما كنت لأ جلس على ثوبك يا رسول الله ! أكرمك الله يا رسول الله كما أكرمتني » (من لیاقت این را ندارم که بر لباس شما بنشینم ای رسول خدا ! خداوند شما را همانگونه اکرام و اعزاز فرماید که شما مرا اکرام فرمودید . مصطفی ﷺ به راست و چپ خود نظر فرمود ، سپس فرمود : « إذا أتاكم كريم قوم فأكرموه » (هرگاه شریف و بزرگوار قومی نزد شما آمد او را اکرام نمایید) . »

به این معامله و رفتار زیبا دقت کنید ، در آن ، مثال و نمونه ی کاملی از رفتار رسول الله ﷺ نسبت به جریر ؓ یافته می شود ، به طوری که شعور و احساسات جریر ؓ را رعایت فرمود و اکرامش نمود ، و اینکه چگونه حضرت جریر ؓ از این معامله و رفتار کریمانه و زیرکانه ی لطیف و زیبا متأثر گشت !

تحریم بعضی خرافات جاهلی

و از دیگر محاسن اسلام ، ابطال و **تحریم کهانت** و غیب گویی است . همچنین تحریم **فالگیری به وسیله ی پرندگان** و **تحریم میسر** که نوعی قمار است و نیز **تحریم**

ازلام ، بحیره ، سائبه ، وصیله ، حامی . و این همه جزو محاسن و خوبی های اسلام است

[و از دیگر چیزهایی که اسلام آن را **تحریم** نمود ،] عمل زشتی بود که در اصطلاح خودشان به آن « **رمی البعره** » **(انداختن پس افکنده)** می گفتند . و آن عبارت بود از این که در جاهلیت هر گاه شوهر زنی وفات می کرد به خانه ای تنگ و کوچک داخل می شد ، و بدترین لباس هایش را می - پوشید و خوشبویی استعمال نمی کرد ، تا این که یکسال می - گذشت ، سپس حیوانی از قبیل الاغ یا پرنده ای یا گوسفندی می آوردند و به پشت آن دست می کشید ، بعد از آن خارج می شد و به او پس افکنده ای داده می شد و او آن را می - انداخت ، بعد از آن به آنچه می خواست ،(از چیزهایی که بر خود حرام کرده بود) رجوع می کرد .

تحریم قتل اولاد از ترس گرسنگی

و از دیگر مواردی که اسلام آن را حرام گردانیده ، کشتن اولاد و فرزندان از ترس گرسنگی و فقر بود ، شخص بچه اش را از ترس این که مبادا با او غذا بخورد می کشت ، تا اینکه خداوند از این عمل نهی فرمود با این قول و گفته اش :

﴿ و لاتقتلوا أولادكم خشية إملاق ، نحـــن نرزقـــهم و إيـــاكم ، إن قتلهم كان خطأً كبـــيراً﴾

« و(از آنجا كه روزی در دست خـدا اسـت) فرزندانتـان را از تـرس فقـر و تنگدسـتی نکشید . مـا آنـان و شـما را روزی مـی دهیـم (و ضـامن روزی همگـانیم). بیگمـان کشـتن ایشـان گنـاه بزرگـی اسـت .» اسـراء/ ۳۱

تبدیل بت پرسـتان بـه موحـدان و پارسـایان

و از محاسـن و زیبـایی هـای اسـلام ایـن نیـز محسـوب مـی شـود کـه بـت پرسـتان و مشـرکان و کفـار را بـه مؤمنـان صـالح و پارسـایان زاهـد و متقـی تبدیـل نمودکـه از خداونـد مـی ترسـیدند وفقـط بـه تنـهایی او را عبـادت نمـوده بـدون ایـن کـه دیگـری را شـریک سـازند و جـانب حـق را گرفتـه و در مـورد حکـم خداونـد از سرزنش هیـچ ملامـت کننـده ای پـروا نداشـتند .

﴿ و يؤثرون على أنفسهم و لو كان بهـم خصاصـة﴾

« و ایشـان را بـر خـود ترجیـح مـی دهنـد ، هـر چنـد کـه خـود سـخت نیـازمند باشـند . » حشـر/ ۹

تحریم غدر و فریب کاری

و از دیگر محاسن اسلام تحریم غدر و فریب کاری است .

خداوند متعال می فرماید :

﴿ یا أیها الذین آمنوا أوفوا بالعقود﴾

« ای مؤمنان به پیمان ها و قراردادها وفا کنید (اعم از عقدها و عهدهای مشروع انسان با انسان ، یا انسان با خدا) .» مائده/۱۰

و همچنین می فرماید :

﴿ و أوفوا بالعهد إن العهد كان مسئولاً﴾

« و به عهد و پیمان خود(که با خدا یا مردم بسته اید) وفا کنید ، چرا که از(شما روز رستاخیزدر باره ی) عهد و پیمان پرسیده می شود .» اسراء/۳٤

و از رسول اکرم ﷺ وارد شده است که فرمود :

« **لکل غادر لواء یوم القیامة یقال : هذه غدرة فلان** »

« برای هر غادر و فریب کار در روز قیامت پرچمی است ، که گفته می شود : این خیانت و فریب فلانی است »

و در جای دیگری فرمود :

« أربع من کن فیه کان منافقاً خالصاً » چهار خصلت است که در هر شخص این چهار یافت شود منافق خالص است ، و از جمله ی آن یک صفت را بر شمرده است که : « إذا

عـاهد غـدر » هرگـاه تعهد و پیمانی بنـدد ، خیـانت و فریـب کاری مـی کنـد .

و فرمـود رسـول الله ﷺ :

« یقول الله : ثلاثة أنا خصمهم یوم القیامـة ، رجـل اعطـی بی ثم غـدر »

« سه شـخص چنـانند کـه مـن روز قیـامت خصـم و دشـمن ایشان می باشم ، [از جملـه] شـخصی کـه بـا(سـوگندبه) نـام مـن عهد و پیمانی با کسـی بسته (یـا بـا نـام مـن بـه کسی امـان داده است) سـپس خیـانت کـرده اسـت . »

تشویق به کـار و کسـب

و از دیگـر محاسـن دیـن اسـلام ، تشـویق بـه کـار و کسـب رزق و تـرک تنبلـی و گدایـی و تکـدی پیـش مـردم اسـت مگـر در صورتـی کـه ضرورتـی باشـد . بنـابراین اسـلام دیـن سـعی و تـلاش و کـار است نـه دیـن تنبلـی و کسـالت و نـاتوانی و سسـتی ، دینـی اسـت کـه از غـیرت انسـانیت و کرامـت شـخصیت وی محـافظت می نماید . خداونـد متعـال مـی فرمـاید :

﴿ و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسـوله﴾

« بگـو : (هـر چـه مـی خواهیـد) انجـام دهیـد خداونـد ورسـولش شما را مـی بیننـد . » توبـه/۱۰۵

و در جای دیگر می فرماید :

﴿ وأن ليس للإنسان إلا ما سعى و أن سعيه سوف يرى﴾

« و اینکه برای انسان بهره ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش کرده است . و اینکه قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد . » نجم/ ۳۹ ـ ۴۰

و از طرفی به جمع بین عمل به دین و کوشش برای دنیا تشویق می نماید ، در این مورد خداوند عزوجل می فرماید :

﴿ وابتغ فيما آتاک الله الدار الآخرة و لا تنس نصيبک من الدنيا﴾

« به وسیله ی آنچه خدا به تو داده است ، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره ی خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی) .» قصص/ ۷۷

و همچنین می فرماید :

﴿ فإذا قضيت الصلاة فانتشروا فى الأرض و ابتغوا من فضل الله﴾

« آنگاه که نماز خوانده شد ، در زمین پراکنده شوید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید . » جمعه/۱۰

و از جمله محاسن و زیبایی های دین اسلام **نهی از تأخیر در ادای حق** است . رسول گرامی اسلام ﷺ می فرمایند :

« مطل الغنی ظلم ، و إذا أتبع أحدکم علی ملـــیء فلیتبـــع »
« تـأخیر ثروتمنـد در پرداخـــت [دیــن و حقــوق] ظلــم و ســتم محســوب مــی شــود و هــر گــاه کســی از شــما بــه شــخص ثروتمنــدی حوالــه داده شــود ، پــس بپذیـــرد و آن را دنبـــال کند. » روایـــت بخـاری و مسـلم

رعایت و مهلت بــه ورشکســته

از محاسـن و خوبـی هـای دیـن اسـلام ، سـفارش و دسـتور بـه رعـایت و مـهلت دادن ورشکسـته و معســـر اســـت . خداونــد متعــال می فرمــاید :

﴿وان کان ذوعسرة فنظرة الی میســـرة﴾
« و اگـر (بدهکـار) تنگدسـت باشــد ، پـس مـهلت (بـدو داده) می شـود تـا گشایشـی فرارسـد » بقـره/ ۲۸۰.

و از ابوهریـره ﷺ روایـت شــده کــه از رسـول الله ﷺ روایــت نموده کــه ایشـان فرمودنـد :

« کان تاجر یداین الناس ، فاذا رأی معســـراً قـــال لفتیانـــه : تجاوزوا عنه لعل الله یتجاوز عنا فتجـــاوزالله عنـــه »
« تـاجری بـود کـه بـه مـردم قـرض مـی داد ، و هـر گـاه شـــخص معسـر و ورشکسـته ای مـی دیـد ، بـه اطرافیــان و افـرادش مــی گفـت : از وی در گـذر نمـایید امیـد اســت کــه خداونـد از مــا درگـذرد و خداونـد هـم از وی درگذشـت .» بخــاری

و در جای دیگـــری مـی فرمـاید:

«من أنظر معسراً فله بکل یوم مثله صدقـــــة »

« هرکـــس ورشکســـته ای را مـــهلت دهـــد در ازای هـــر روز برای او مثـل آن صدقـه محسـوب مـی شـود . »

نهی از رشـــوه

و از دیگـر محاسـن و خوبـی هـای اسـلام نـــهی از رشـــوه [دادن و گرفتـن]اسـت . از ابوهریـــره ﷺ روایـــت شـــده کـــه رســـول الله ﷺ فرمـود :

« لعن الله الراشي و المرتشي والرائش الذی یمشـــــی بینـــهما»

« خداونـد رشـوه دهنـده و رشـوه گـــیرنده و رابطشـــان را لعنـــت فرمـوده اســت . »

خـــیرخواهی

و از دیگـر محاسـن و خوبـی هـای اسـلام ، رعـایت و توصیـــه بـــه خـیرخواهی و نصیحـت نسـبت بـــه الله ﷻ و کتـــاب و رســـول وی ﷺ و ائمـه و پیشـوایان مسـلمانان و عمـوم مـردم اســت .

نصیحـــت و خـــیرخواهی نســـبت بـــه الله ﷻ عبـــارت اســـت از : ایمـان بـه او و نفـی شـریک از وی ، و تـرک الحـاد و کفـر از اســماء و صفـات الـهی ، و توصیـف حضرتـش بـه صفـــات کمـــال ، و مـــنزه

دانستن وی از کلیه ی نقایص و عیوب ، همچنین اطاعت اوامر و اجتناب از نواهی خداوند و دوستی با فرمانبرداران و دشمنی با سرکشان وی و دیگر مواردی که برای بنده رعایت آن نسبت به الله ﷻ لازم و واجب است ، همه در نصیحت و خیرخواهی به الله ﷻ داخل است .

اما نصیحت و خیرخواهی نسبت به کتاب الله ؛ شامل ایمان به اینکه آن کلام الهی است ، از طرف خداوند نازل شده و مخلوق نیست ، همچنین حلال دانستن آنچه قرآن حلال اعلان نموده و تحریم و حرام دانستن آنچه قرآن حکم به حرمت آن داده است ، و دیگر این که به روش و راهنمایی های آن راه جستن و تدبر و تفکر در معانی آن ، و رعایت حقوق آن ، و پند جستن به پندها و موعظه های آن ، و اهمیت دادن به احکام تنبیهی آن .

اما نصیحت و خیرخواهی نسبت به رسول الله ﷺ بدین معنی است که وی را در شریعتی که به ارمغان آورده ، تصدیق نموده و نسبت به حضرتش محبت داشته ، و او را بر خود و مال و فرزند مقدم داشته ، و نسبت به حالت زنده و مرده ی وی قایل به احترام و توقیر باشیم . همچنین آشنایی با سنت و روش ایشان ، و عمل بدان ، و مقدم داشتن گفته ی مبارکش بر قول همه ،

هر کس که می خواهد باشد. [همه ی این موارد جزو خیرخواهی به رسول الله ﷺ محسوب می شود.]

اما خیرخواهی و نصیحت نسبت به ائمه و پیشوایان مسلمانان عبارت است از: اعانت و همکاری با ایشان درحق، و اطاعتشان در حق و امر ایشان به حق، و یادآوری به نیازهای بندگان و توصیه ی ایشان به رفق و نرمی و عدالت، و اعتقاد به ولایت و سرپرستی ایشان و حرف شنوی و اطاعت ایشان در همه ی امور به جز معصیت خداوند، و تشویق مردم به این امور، و دریغ نکردن در حد توان از راهنمایی شان و تذکر و یادآوری به آنچه به نفع خودشان و مردم است، و آمادگی به رعایت حقوق ایشان.

اما خیرخواهی نسبت به عموم مسلمانان، عبارت است از: راهنمایی شان به سوی مصالح دنیا و آخرتشان و خود داری از آزار رسانی نسبت به ایشان و آگاه ساختن ایشان به آنچه از امور دینی که بی اطلاعند. و همچنین امر کردنشان به معروف و نهی کردنشان از منکر، و اینکه برایشان آنچه برای خود می - پسندد، دوست داشته باشد، و ناپسند بداند آنچه را برای خود ناپسند و مکروه می داند و در این مورد بر حسب امکان خود تلاش و کوشش به خرج دهد.

روابط خویشاوندی و صله رحمی

و از دیگر محاسن دین اسلامی نهی از قطع رحمی است .

خداوند متعال می فرماید :

﴿ **فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم**﴾

« آیا اگر(از قرآن و برنامه ی اسلام) روی گردان شوید ، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید ؟ »

و رسول الله ﷺ می فرماید :

« **الرحم متعلقة بالعرش تقول : من وصلنی وصله الله و من قطعنی قطعه الله** »

« رحم و رشته ی قرابت و خویشاوندی به عرش متصل است و می گوید : هر کس مرا وصل کند خداوند او را وصل گرداند و هر کس مرا قطع کند خداوند او را قطع نماید .»

و طبرانی ـ رحمه الله ـ از عبدالله بن ابی اوفی ﷺ از نبی کریم ﷺ روایت می کند که فرمودند :

« **ان الملئكة لا تنزل علی قوم فیهم قاطع رحم** »

« همانا ملایکه بر قومی که در بینشان قطع کننده ی پیوند خویشاوندی وجود دارد نازل نمی شود . »

امر به معروف و نهی از منکر

و از دیگر محاسن و زیبایی های دین اسلام ترغیب به دعوت خیر و امر به معروف و نهی از منکر است . از ابوهریره ﷺ روایت است که از رسول الله ﷺ روایت می فرمایند که فرمود :

« من دعا إلى هدى ، كان له من الأجر مثل أجور من اتبعه ، لاينقص ذلک من أجورهم شيئاً ، ومن دعا إلى ضلالة كان عليه من الإثم مثل آثام من اتبعه ، لاينقص ذلک من آثامهم شيئاً »

« هر کس به سوی هدایت دعوت دهد ، مثل اجر تمام کسانی که از او پیروی نمایند به وی اجر میرسد ، و این از پاداش آنها نیز نمی کاهد و هر کس به سوی گمراهی فرا - می خواند ، همانقدر گناه برایش می باشد که برای کسانی که اتباع وی را می نمایند ، بدون این که از گناه ایشان هم چیزی کاسته شود .» روایت مسلم و ابوداوود

عدالت و دلسوزی

همچنین از محاسن و زیبایی های دین اسلامی ، تحریم خصومت و دشمنی به باطل برای کسی که مطلع است ، می - باشد . و نیز تحریم شفاعت و سفارشی که به تعطیلی اقامه ی

حدود شرعی که خداوند بدان امر نموده است ، بیانجامد . و همچنین تحریم سخن گفتن در مورد مؤمن به آنچه در وی نیست .

پس از آرمانها و اهدافی که اسلام بر تحقق و ظهور آن مصمم و حریص است ، این است که جامعه ی انسانی بر پایه - های استوار عدالت و دلسوزی قائم باشد ، و در اعضای جامعه روح دوستی و همکاری و تعاون ثمربخش را در صدر بنشاند . و ایشان را از عوامل ضعف و سستی در امان دارد . از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده که فرمود : از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود :

«من حالت شفاعته دون حد من حدود الله ، فقد ضادالله عزوجل ، و من خاصم فی الباطل و هو یعلم ، لم یزل فی سخط الله حتی ینزع ، و من قال فی مؤمن مالیس فیه ، أسکنه الله ردغة الخبال ، حتی یخرج مما قال »

« هرکس شفاعتش حایل و مانع حدی از حدود الهی شود ، به تحقیق با الله عزوجل ضدیت و عناد ورزیده ، و هر کس در امر باطلی مخاصمه و عناد کرده در حالی که می - دانسته ، دائماً مورد غضب و خشم الهی است مادامیکه از این مخاصمه دست نکشد ، و هر کس در مورد مؤمنی چیزی بگوید که در وی نیست ، خداوند او را در جایگاه

«ردغۀ الخبال »(محلی است نمناک و چرکین در دوزخ)اسکان می دهد ، تا اینکه از آنچه گفته بازآید » روایت احمد و ابوداوود .

تحریم رسوم و عادات جاهلی

و همچنین از محاسن و خوبی های دین اسلام ، ابطال و تحریم رسوم و عادات جاهلی است که عبارتند از : طعنه زدن در نسب ها و نوحه خوانی بر مرده . همچنانکه در صحیح مسلم از ابوهریره ﷺ روایت شده که : همانا رسول اکرم ﷺ فرمودند :

« **إثنتان فی الناس هما بهم کفر ، الطعن فی النسب ، والنیاحة علی المیت** »

«دوخصلت در بین مردم است که برایشان کفر محسوب می شود ؛ (۱) طعن در نسب ، (۲)نوحه خوانی بر میت ».

نهی از بر سر و صورت زدن و گریبان دریدن

و از دیگر خوبی ها و محاسن اسلام ، نهی از بر سر و صورت زدن و گریبان دریدن در مصیبت هاست . در صحیحین از ابن مسعود ﷺ روایت شده که می فرماید : رسول الله ﷺ فرمودند :

« ليس منا من ضرب الخدود ، و شق الجيوب ، و دعا بدعوى الجاهلية »

« از ما نیست آنکه بر سر و صورت زند و گریبان درد وفریادهای جاهلانه سر دهد.»

نهی از استیلا بر آب های عمومی و ممانعت عموم از آن

و از دیگر محاسن دین اسلام ، نهی از استیلا و تسلط بر آبهای عمومی که به کسی اختصاص ندارد و ممانعت از استفاده آن برای مسافر است . از ابوهریره ﷺ روایت شده که فرمود : قال رسول الله ﷺ :

« ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ، ولا ينظر اليهم ، و لا يزكيهم ولهم عذاب أليم ؛ رجل على فضل ماء بفلاة ،يمنعه ابن السبيل »

« سه شخص چنان اند که خداوند در روز قیامت با ایشان سخن نمی گوید و به سوی ایشان نمی نگرد ، و ایشان را پاک نمی گرداند و برای ایشان عذابی دردناک است ؛ [از جمله] شخصی که بر آب زائدی در دشت و صحرا قرار گرفته و مانع مسافراز آن آب می شود .»

و در روایت دیگری آمده که فرمود :

« و رجل منع فضل ماء ، فیقول الله له : الیوم أمنعک فضلی ، کما منعت فضل ما لم تعمل یداک»

« و شخصی که ازآب زاید (بر استفاده اش) منع می نماید ، پس خداوند به او می فرماید : امروز من هم از آنچه زاید است بر (نیازم) تو را منع می نمایم ، همچنانکه تو از مازاد نیازت ممانعت نمودی .»

تحریم تجاوز به حقوق دیگران

از دیگر محاسن و خوبی های اسلام این است که تجاوز به حقوق دیگران از قبیل تجاوز در حق جان یا مال یا آبرو یا عقل دیگری را حرام قرار داده و جریمه ی آن را جزا و کیفری سخت از قبیل قصاص یا حد قرارداده است .

اخلاق اسلامی همچون ؛صداقت ، امانت ، وفای به عهد و عفت و غیره ، از نظر اسلام امور کمالی و صفات کمال صرف نیستند ، بلکه وظایف و واجباتی هستند که به آن تشویق شده است ، که در صورت تعدی و تجاوز از حدود آن ، به شخص ، تعرض و تجاوز خواهد شد ، به این صورت که اگر از آن توبه ننماید و جبران این تجاوز را ننماید در آخرت از وی قصاص گرفته می شود . از ابوهریره ﷺ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند :

آیا می دانید که مفلس کیست ؟ صحابه ـ رضوان الله علیهم أجمعین ـ عرض کردند : به نظر ما مفلس کسی است که سرمایه و کالایی نداشته باشد ، رسول الله ﷺ فرمودند :

« إن المفلس من امتی من یأتی یوم القیامة بصلاة و صیام و زکاة ، و یأتی و قدشتم هذا ، وقذف هذا ، و أکل مال هذا ، و سفک دم هذا ، وضرب هذا ، فیعطی هذا من حسناته ، هذا من حسناته ، فإن فنیت حسناته قبل أن یقضی ماعلیه ،أخذ من خطایاهم فطرحت علیه ، ثم طرح فی النار »

« یعنی ورشکسته و مفلس امت من کسی است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات حاضر می شود و در حالی می آید که به این فحش داده ، و دیگری را تهمت زده ، و مال دیگری را خورده ، خون آن شخص را ریخته و این یکی را مورد ضرب و کتک قرار داده است ، پس به این از نیکی هایش داده می شود و به آن دیگری هم ، و اگر نیکی هایش قبل از این که آنچه بر عهده ی اوست تمام شد ، از گناهان و خطاهای ایشان برداشته می شود و به حساب وی گذاشته می شود ، ودر نتیجه این شخص به جهنم انداخته می شود . » روایت مسلم

و از محاسن اسلام این است که فرمانبرداران و مطیعان خود را ارشاد و راهنمایی می نماید که صلاح و فلاح زندگی از

ایشان عفت کلام می طلبد ، پس مسلمان نه غیبت می نماید ، نه سخن چینی ونه سب و شتم و نه به مسلمانی تهمت می زند و نه لعنش می کند و نه او را مورد تمسخر و استهزا قرار می دهد و نه بر او افترا و دروغ می بندد . از ابوهریره ﷺ روایت شده که از رسول الله ﷺ روایت می فرماید که ایشان فرمودند :

« من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أوليصمت»

« هر کس ایمان به خدا و روز آخرت دارد ، باید یا گفته های نیک بگوید یا ساکت باشد » .

و در جایی دیگر فرمود ﷺ :

« إن دماءكم و أموالكم و أعراضكم عليكم حرام »

« همانا خون ، مال و عرض و آبرویتان بر یکدیگر حرام است .»

توجیه و ارشاد وابستگان

و از محاسن دیگر دین اسلام این است که مؤمن و مسلمان را بر ادای وظایفش تشویق و ترغیب می نماید ، و نیز به این که در توجیه و ارشاد خانواده ، برادران ، اقوام ، همسایگان و کلیه ـ ی وابستگانی که پیوند محکمی با ایشان دارد ، از هیچ سعی و کوششی دریغ نورزد . و اسباب این توجیه و ارشاد همان توصیه

ی به حق و توصیه ی به صبر و امر به معروف و نهی از منکر است .

نهی از هدف قرار دادن حیوان جاندار بسته شده

و از جمله محاسن و خوبی های اسلام ، نهی و ممانعت از این که حیوان ذی روحی را به عنوان نشانه و هدف قرار داده و به سوی آن تیراندازی شود ، به دلیل آنچه در صحیحین آمده که:

« ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ بر دو نوجوان قریشی گذشت که پرنده ای را در جایی نصب کرده بودند و به سوی آن نشانه گیری می کردند ، زمانی که ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ را دیدند ، متفرق شدند ، ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ فرمود : چه کسی این کار را کرده ؟ خداوند لعنت فرماید آنکه این کار را کرده، همانا رسول الله ﷺ لعنت فرموده کسی را که ذی ـ روحی را نشانه و هدف قرار دهد »

و از دیگر محاسن اسلام **تحریم کوشش و سعی در نزد حاکم** و پادشاه **برای ضرر رساندن به مسلمان** است .

شعر

۱. أنا العبـــد الذی کسب الذنوبـــاً
و صدتـــه الأمانی أن یتوبـــا

۲. أنا العبـــد الذی أضحی حزینـــاً
علـــی زلاتـــه قلقاً کئیـــبا

۳. أنا العبـــد الذی سطرت علیـــه
صحـــائف لم یخف فیها الرقیـــبا

۴. أنا العبـــد المسیء عصیت ســـراً
فمـــالی الآن لا أبـــدی النحیبا

۵. أنا العبـــد المفرط ضاع عمـــری
فلـــم أرع الشیـــبة و المشیبا

۶. أنا العبـــــد الغریق بلج بحـــر
أصیـــح لربما القی مجیـــــبا

۷. أناالعبد السقیم مـــن الخطایـــا
و قد أقبـــلت ألتمس الطبیـــبا

۸. أنا العبـــد المخلف من أنـــاس
حووا مـــن کل معروف نصیـــبا

۹. أنا العبد الشرید ظلمت نفســـی
و قـــد وافیت بابـــکم منیبـــا

۱۰. أنا العبـــد الفقیر مددت کفـــی
إلیـــکم فادفعوا عنی الخـــطوبا

۱۱. أنا الغدار كم عاهـــدت عـــهداً
و كنت علـــى الوفـــاء به كذوبا
۱۲. أنا المقطوع فارحمـــنى و صلـــنى
و يسر منـــك لى فرجاً قريبـــا
۱۳. أنا المضطر أرجو منـــك عفـــواً
و مـــن يرجو رضاك فلن يخيبـــا
١٤. فيا أســـفى على عمر تقضـــى
ولم أكســـب به إلا الـــذنوبا
١٥. و أحـــذر أن يعاجلـــنى ممـــات
يحـــير هول مصرعه اللبيـــبا
١٦. و يا حزناه من حشرى و نشـــرى
بيوم يجعـــل الولدان شيبـــا
١٧. تفـــطرت السماء به و مـــارت
و أصبحـــت الجبال به كثيبـــا
١٨. إذا ما قمـــت حيراناً ظمئـــاً
حسير الطـــرف عرياناً سليـــبا
١٩. و يا خجلاه من قبح إكتســـابى
إذا ما أبـــدت الصحف العيوبـــا
٢٠. و ذلة موقف و حساب عـــدل
أكـــون به على نفسى حسيـــبا
٢١. و يا حـــذراه مـــن نار تلظـــى

إذا زفــرت و أقلقـــت القلوبــا

۲۲. تکاد إذا بدت تنشق غيـــظاً

علی مــن کان ظلامــاً مريبــا

۲۳. فيا مــن مد فی کسب الخطايــا

خطاه أما يأتــی لک أن تتوبــا

۲٤. ألا فاقلــع و تب واجهــد فإنــا

رأينا کـــل مجتهد مصيـــبا

۲٥. و أقبل صادقاً فی العزم واقصــد

جناباً للمـــنيب له رحيبـــا

۲٦. و کن للصـــالحين أخاً و خـــلاً

و کن فی هـــذه الدنيا غريـــبا

۲۷. و کن عــن کل فاحشة جبانــاً

و کن فی الخـــير مقداماً نجيبــا

۲۸. و لاحظ زينة الـــدنيا ببغـــض

فکن عبـــداً إلی المولی حبيبـــا

۲۹. فمـــن يخبر زخارفها يجدهـــا

مخالبـــة لطالبـــها خلوبـــا

۳۰. و غض عن المحارم منک طرفـــاً

طموحاً يفـــتن الرجل الأريبـــا

۳۱. فخائنة العيـون کأســـد غـــاب

إذا ما أهملت وثبـــت وثـــوبا

۳۲. و من يغضض فضول الطرف عنـــها
يجـــد فی قلبه روحاً و طيـــبا
۳۳. و لا تطلق لسانـــک فی کـــلام
يجر عليـــک أحقـــاداً و حوبا
۳٤. ولا يبرح لسانک کـــل وقـــت
بذکـــر الله ريانا و طيـــبا
۳٥. و صل إذا الدجـــی أرخی ســـدولاً
و لا تضـــجر به و تکن هيـــوبا
۳٦. تجـــد أنساً إذا أودعت قـــبراً
و فارقت المـــعاشر و النسيـــبا
۳۷. و صم ما تستطيع تجـــده ريـــاً
إذا ما قمت ظمـــآناً سغيـــبا
۳۸. و کن متصـــدقاً سراً و جـــهراً
و لاتبخل و کـــن سمحاً و هـــوباً
۳۹. تجـــد ما قدمـــته يداک ظـــلاً
إذا ما اشتـــد بالناس الـــکروبا
٤۰. و کن حسن السجايا و ذا حيـــاء
طليق الوجـــه لا شکساً غضـــوبا

ترجمه :

۱. من بنده ای هستم که گناهان زیادی را جمع نموده و آرزوهایش او را از توبه و رجوع به سوی خدا مانع شده است.

۲. من آن بنده ای هستم که بر لغزشهایش سخت اندوهگین و گرفته و در اضطراب است .

۳. من بنده ای هستم که علیه او دفترهای اعمال نوشته شده اند ، و او در مورد آنها (از فرشته ی نویسنده ی اعمال و) نگهبان نترسیده است .

٤. من آن بنده گنهکار هستم که پوشیده گناه کرده ام ، اکنون مرا چه شده که آشکارا گریه را سر نمی دهم ؟!

۵. من آن زیاده رو و متجاوزی هستم که تمام عمرم را ضایع نمودم و نه رعایت جوانی را کردم و نه پیری را .

٦. من بنده ی غرق در اعماق دریا هستم که فریاد می - کشد تا فریادرسی بدست آورد .

۷. من بنده ی مریض از خطاها هستم که رو کرده ام تا طبیبی را جستجو نمایم .

۸ من بند ه ای هستم که جانشین مردمی هستم که از تمام نیکی ها نصیب و بهره ای جمع نموده اند .

۹. من بنده ی آواره ای هستم که بر خودم ظلم و ستم رواداشته ام و با رجوع و توبه به دروازه ی شما رسیده ام .

۱۰. بنده ی فقیر و ناچیزی هستم که دستم را بسوی شما دراز کرده ام تا این که بلاها و مصایب را از من برانید.

۱۱. من غدار و وعده خلاف، چقدر عهد بستم و در وفای به آن دروغگو بودم.

۱۲. من عاجز و درمانده ام، پس بر من رحم فرما و مرا وصل فرما و برایم گشایشی نزدیک میسر فرما!

۱۳. من مضطر و درمانده از تو امید عفو و گذشت دارم، و هر کس رضای تو را امید داشته باشد، او ضرر نمی کند.

۱٤. ای بسا افسوس! بر عمر من که گذشت و من با آن جز گناه چیزی کسب نکرده ام.

۱۵. و از موتی که هول و ترس زمین زدن آن انسانهای عاقل را هم حیران می کند، می ترسم.

۱٦. ای وای و حسرت بر من! از حشر و نشرم در روزی که بچه ها را پیر می گرداند.

۱۷. آسمان به آن روز شکافته شود و بلرزد و کوهها در آن به توده ای ریگ تبدیل گردند.

۱۸. زمانی که من حیران و تشنه لب، چشم خسته و درمانده، برهنه و عقل ربوده، سربرآورم.

۱۹. چقدر جای شرمندگی است که از زشتی عملم در آن وقت که اعمال نامه ها عیوب را آشکار نمایند.

۲۰. [و چه قدر جای شرمندگی است] از جایگاه پست و حساب عادلانه که من بر خود حساب گیرنده ام.

۲۱. و الحذر و پناه از آتش شعله ور، چون بانگ برآرد و قلبها را از جای برکند.

۲۲. و آن زمان که جهنم ظاهرشود قریب است قلب های آنان که ظالم و شک کننده هستند از خشم و غیظ پاره پاره گردد.

۲۳. پس ای کسی که در کسب خطاها و گناهان گامهای بلند برداشته! آیا وقت آن فرانرسیده که توبه کنی؟!

۲٤. به هوش باش و گناهان را ریشه کن ساز و توبه نما و بکوش، چراکه ما هر تلاشگر [واقعی] را بر صواب می بینیم.

۲۵. و صادقانه قصد و آهنگ ذات توبه پذیری را بنماکه برای توبه کنندگان، دارای آغوشی باز است.

۲٦. و برای صالحین و نیکوکاران برادر و دوست باش و در این دنیا غریبانه زندگی نما!

۲۷. و از هر عمل زشت در هراس باش، و در امور خیر پیشی گیرنده و نجیب باش.

۲۸. و بر زینت های دنیا با بغض بنگر، تا بنده دوست داشتنی مولایت باشی.

۲۹. و هر کس از زینت و مظاهر دنیا اطلاع حاصل کند، آنها را همچون چنگال هایی خواهد یافت که برای طالب خود فریبنده است.

۳۰. و نگاهت را از محارم پایین بینداز با همتی بلند، [چرا که نگاه]، مردان هوشیار را هم به فتنه می اندازد.

۳۱. چشم های خائن همانند شیر جنگل است که اگر رها شود [به هر سو] برمی جهد.

۳۲. هر کس نگاه های بیهوده را پایین نماید، در قلبش شادمانی و خوشی می یابد.

۳۳. و زبانت را در گفتار، مطلق العنان رها مکن، چرا که حقد و حسد و گناه را به سویت می کشاند.

۳٤. و [بکوش که] زبانت در هر وقت به ذکر الله تر و تازه باشد.

۳۵. و زمانی که شب پرده فرو افکند، نماز بخوان و از تاریکی شب، دیگر دلتنگ و درهراس مباش!

۳٦. انس و آرامش را لمس خواهی کرد چون در قبر گذاشته شوی و از مردم و اقوامت جدا شوی.

۳۷. و تا می توانی روزه بگیر، تا وقتی تشنه و گرسنه [از قبر] بلند شوی، آن را به صورت سیرابی مشاهده نمایی.

۳۸. و به صورت پوشیده و آشکار صدقه بده و بخیلی مکن ، بلکه بخشنده و دست و دل باز باش !

۳۹. آنچه پیشاپیش فرستاده ای آن را به صورت سایه بانی خواهی یافت ، در زمانی که مشکلات و پریشانی های مردم شدید شود [در روز قیامت].

٤٠. [بکوش تا] دارای سجایا و صفات اخلاقی خوب و با حیا و گشاده رو باشی ، نه روترش و عصبانی .

بار الها ! به ما توفیقی بده که ما را از گناه و سرکشی نسبت به تو حفاظت نماید ! و ما را به هدایتت ارشاد و راهنمایی بفرما! و به سوی کوشش در جهت رضایت ! و ای مولا و آقای ما ! ما را از رسوایی و عذابت نجات بده! و به ما آنچه به اولیا و دوستانت موهبت نمودی عنایت فرما ! و در دنیا به ما نیکی ارزانی ده و در آخرت (نیز) به ما نیکی ده ! و ما را از عذاب جهنم دور دار ! و ما و والدین و عموم مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما ! و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه أجمعین !

بعضی از محاسن اخلاق فردی در اسلام

نیت و انگیزه ی پاک

و از دیگر محاسن و زیبایی های دین اسلام این است که از انگیزه های کریمانه ، قصد و نیت های شریفانه و پاکیزه ، در توجیهات و ارشادات خود قدردانی و سپاسگذاری می نماید .

رسول الله ﷺ می فرماید :

« **إنما الأعمال بالنيات ، و إنما لكل امرئ ما نوى** »

« یعنی این است و جز این نیست که دار و مدار اعمال به نیات است و همانا برای هر شخص همان چیزی که نیت می نماید ، حاصل می شود . »

با نیت پاک است که چیزهای مباح و عادت ها به طاعت و اسباب قربت و نزدیکی به خداوند ، تبدیل می شود . پس کسی که غذا را به این نیت تناول می کند تا زندگی اش حفظ و جسمش تقویت شود ، در نتیجه بتواند به واجبات پروردگارش از قبیل حقوق و تکالیفش در برابر خانواده و فرزندانش ، رسیدگی نماید ، این غذا و نوشیدنی اش با این نیت صالح و پاک ، عبادت می گردد ، و هر کس که شهوتش را با آنچه خداوند برایش از زن و کنیز حلال گردانیده است ، برآورده - سازد ، با این قصد که به عفت و پاکدامنی خود و خانواده اش

دست یابد و نیز اولاد صالح کسب نماید ، این برای وی عبادت محسوب می شود که مستحق ثواب و پاداش از جانب الله می ـ گردد . رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می فرماید :

« **و فی بضع أحدکم صدقة ، قالوا : یا رسول الله ! أیأتی أحدنا شهوته ، و یکون له فیها أجر ؟ قال : ألیس إن وضعها فی حرام کان علیه وزر ، فکذلک إذا وضعها فی حلال کان له أجر**».

« یعنی در نکاح (و جماع) هر یک از شما (با همسرش) صدقه است ، صحابه ـ رضی الله عنهم ـ عرض کردند : یا رسول الله ﷺ آیا اگر کسی از ما شهوتش را برآورده سازد هم به او اجر و پاداش می رسد ؟! فرمود : آیا اگر آن را در محل حرامی قرار دهد ، برایش وزر و گناهی نیست ؟! پس همچنین است که وقتی آن را در محل حلال استفاده نماید برای او اجر و پاداش می رسد . »

اصلاح نفس

و از جمله خوبی ها و محاسن اسلام ، دستور به تعهد نسبت به اصلاح نفس است ، و الزام نفس به ادای اوامر الهی و اجتناب از نواهی او و امر به معروف و نهی از منکر . و آیات در مورد تشویق به تقوا و خویشتن داری زیاد است .

از دیگر محاسن اسلام این است که مردم را به اصلاح نفس و جامعه تشویق و توجیه و راهنمایی می نماید و برای ایشان بیان می کند که چگونه عقلشان را آزاد نمایند و به وسیله ی آن از تاریکی های گمراهی نجات یابند ، تا این که خداوند ـ جل و علا ـ را برای عبادت مخصوص گردانند . همچنین اسلام برایشان روشن و واضح می گرداند که چگونه نفس هایشان را صیقل داده و روح هایشان را به وسیله ی نماز ، روزانه پنج مرتبه تغذیه نمایند . و اموالشان را با ادای حق الله پاکیزه گردانند . و به بشریت می آموزد که چگونه بنای خانواده ی سالم را که هسته ی جامعه است بر پایه های سالم و مستحکمی بنیان نهند ، و این با برقراری ارتباط و پیوند صله ی رحم و آشنایی با حق و حقوق خویشاوندی محقق می شود . چنانچه آیات و احادیث بر آن دلالت می نماید

. از ابوایوب انصاری ﷺ روایت شده که مردی گفت : یارسول الله ﷺ ! مرا به عملی اطلاع دهید که مرا داخل جنت گرداند ، مردم گفتند : این را چه شده است ؟! رسول الله ﷺ فرمود :

«أرب ماله » یعنی او دارای حاجتی است که به آن توسل می یابد . و در ادامه فرمود:

«تعبدالله ، لاتشرک به شیئاً و تقیم الصلوة ، و تؤتی الزکوة ، و تصل الرحم »

« [یعنی راه حل این است که :]خداوند را به یگانگی بپرستی و کسی را با وی شریک نگردانی و نماز را اقامه کنی و زکات را بپردازی و صله ی رحمی را به جای آوری .» متفق علیه

تعلق مع الله

و یکی دیگر از محاسن و زیبایی های اسلام این است که رابطه ی انسان با پروردگارش را بطور دوام و استمرار برقرار نموده است ، هم زمانی که بر وی نعمتی را ارزانی داشته و هم زمانی که سختی و مصیبتی بر وی نازل گشته ، چنانچه رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

« عجباً لأمر المؤمن ، إن أمره كله خير، إن أصابته سراء شكر ، فكان خيراً له ، و إن أصابته ضراء ، فكان خيراً له»

« امر مؤمن خیلی عجیب است ، تمام امورش خیر است ، اگر به وی فراخی و شادی روکند شکر می نماید ، و در نتیجه برایش خیر می شود ، و هر گاه به وی سختی و تنگی برسد ،پس صبر می کند و در نتیجه برایش خیر می - شود . » روایت مسلم

رعایت حیا و آزرم

و از دیگر محاسن و زیبایی های اسلام، امر و دستور به رعایت حیا است که اصل و اساس تمام فضایل اخلاقی است ـ برای کسی که خداوند به وی توفیق آن را داده ـ و نیز حیا، حفاظت از تمام بدی ها و شرور است. در حدیث عبدالله بن مسعود ﷺ است که همانا رسول الله ﷺ فرمودند:

« إستحيوا من الله حق الحياء ، قلنا: يا رسول الله إنا نستحيي والحمدلله ، قال : ليس ذاک ، ولكن الإستحياء من الله حق الحياء أن تحفظ الرأس و ماوعى ، والبطن وما حوى ، ولتذكر الموت والبلى ، ومن أراد الآخرة ترک زينة الدنيا »

« از خداوند حیا کنید حق حیا را، ما عرض کردیم: ای رسول خدا! الحمدلله ما از خداوند حیا و شرم داریم، فرمود: این مراد نیست، بلکه مراد از رعایت حیا نسبت به خداوند که حق آن ادا شود این است که سر و آنچه در آن حفظ کردی [از افکار و اندیشه ها] و شکم وآنچه در آن جاگرفته، همه را مواظبت و حفاظت نمایی [که موجب خشم و غضب خداوند نشود] و همچنین مرگ و بلاها را به یاد داشته باشی، و هر کس اراده و نیت آخرت

را دارد، زینت دنیا را ترک نماید.» روایت ترمذی و احمد

تقوا

و از دیگر محاسن اسلام این است که [تقوا معیار برتری در نزد الله تعالی است و] برترین در نزد خداوند، کسی است که بیشتر صلاحیت و تقوا داشته باشد، همچنانکه الله تعالی می‌فرماید:

﴿إن أکرمکم عند الله أتقاکم﴾

«بی گمان، گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است.» حجرات/ ۱۳

صبر و بردباری

همچنین از دیگر محاسن اسلام تشویق و برانگیختن به انواع سه گانه ی صبر است، یعنی؛ (۱)صبر بر طاعت خداوند و مداومت بر ادای آن (۲) صبر بر معصیت خداوند و استقامت بر ترک آن (۳) صبر بر مقدرات رنج آور خداوند [(مصیبت ها و آزمایش ها)].

رعایت اعتدال و میانه روی

و یکی دیگر از محاسن اسلام، امر به توسط و میانه روی در میان بخل و اسراف و زیاده روی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ولا تجعل یدک مغلولة الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فتقعد ملوماً محسوراً﴾

«دست خود را بر گردن خویش بسته مدار (و از کمک به دیگران خود داری و بخل مکن و بخیل مباش،) وآن را فوق العاده گشاده مساز (و بذل وبخشش بی حساب مکن و اسراف مورز، بدانگونه) که سبب شود از کار بمانی و مورد ملامت (این و آن) قرار گیری و لخت و غمناک گردی.» اسراء/ ۲۹

و در جای دیگری می فرماید:

﴿والذین إذا أنفقوا لم یسرفو و لم یقتروا وکان بین ذلک قواماً﴾

«و(بندگان خاص خدا) کسانی اند که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده روی می کنند و نه سخت گیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند.» فرقان/ ٦٧

میانه روی در خـــورد و نـوش

و از دیگـــر محاســـن اســـلام ، میانـــه روی در خـــورد و نـــوش است. الله تعـالی مـی فرمـاید :

﴿و کلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحـــب المســـرفين﴾

« و بخوریـد و بیاشـامید ولـی اسراف و زیـاده روی مکنیـــد کـه خداونـد مسـرفان و زیـــاده روی کننـــد گـــان را دوســـت نمـــی ـ دارد » اعـــراف/ ۳۱

و حضـرت مقـداد بـن معـدی کـرب ﷺ مـــی فرمـــاید : رســـول الله ﷺ فرمودنـــد :

« ما ملأ ابن آدم وعاء شراً مـــن بطنـــه ، بحســـب ابـــن آدم لقيمات يقمن صلبه ، فإن كان لا محالة فاعلاً فثلـــث لطعامـــه وثلث لشرابه و ثلث لنفســـه »

« آدمیزاد ظرفـی بدتـر از شـــکمش پـــر نکـــرده ، بـــرای فرزنـــد آدم چنـد لقمـه ای کـه پشـتش را راسـت نگـه دارد کـافی اسـت ، و اگـر از خـــوردن گریـــزی نـــدارد ، پـــس شـــکم را بـــه ســـه قسـمت تقسـیم نمـاید یـک سـوم آن را بـرای غـذا و یـک ســوم را بـرای آب و یـک سـوم را بـــرای نفـــس کشـیدن اختصـــاص دهد .» روایـت ترمـذی و ابـن ماجـه

پرهیز از امور لایعنی و بیهوده

و از جمله محاسن دین اسلام این است که نبایست انسان به اموری که لایعنی و عبث هستند مشغول شود و این از سخنان جامع و گهربار حضرت رسول ﷺ است که در حدیث آمده است :

« **من حسن إسلام المرء ترکه ما لایعنیه** »

« یعنی از محاسن و زیبایی های اسلام شخص ، ترک کارهای عبث ولایعنی است .»

بعضی این حدیث را با این عبارت و الفاظ تعبیر کرده اند :

(**ابحث عن عملک الخاص**) یعنی به کارهای خاص خود مشغول باش !

اگر مسلمانان ارشادات و نصایح نبی شان را تبعیت نمایند خودشان هم راحت می شوند و دیگران هم به راحتی می رسند. و اگر ریشه ی بیشتر مشکلات ، اختلافات ، دشمنی ها و بحث و جدل ها را بررسی و جستجو نمایی ، تنها سبب آن ورود و اشتغال به کارهای عبث و بیهوده است .

ممانعت از تشدد و سخت گیری

و از محاسن دین اسلامی ، نهی از تشدد و سخت گیری در دین است . همچنین نهی از زهد در طیبات و چیزهای پاکیزه ، چرا که اسلام دین آسانی و سهولت و اعتدال است .

حضرت انس ﷺ روایت می فرماید که :

« سه گروه به خانه های ازواج مطهرات ـ رضوان الله علیهن اجمعین ـ درآمدند و از عبادت حضرت ﷺ سؤال نمودند ، زمانی که ایشان را [از عبادت حضرت ﷺ] اطلاع دادند ، گویا آن را نسبت به خود کم دانسته ، گفتند : ما کجا و پیغمبر ﷺ کجا ؟ در حالی که خداوند بدون شک گناهان گذشته و آینده ی ایشان را مغفرت نموده ، یکی از ایشان گفت : پس من از این پس شبها را نماز می خوانم و دیگری گفت : من تمام روزها را روزه می گیرم و هرگز افطار نخواهم کرد ، و شخص سوم گفت : من از زنان کناره می گیرم و هرگز ازدواج نخواهم کرد . بعد رسول اکرم ﷺ نزد ایشان تشریف آورد و فرمود :

«أنتم الذین قلتم کذا و کذا ؟ اما والله انی لأخشاکم لله و أتقاکم له ، لکنی أصوم و أفطر و أصلی و أرقد و أتزوج النساء ، فمن رغب عن سنتی فلیس منی »(شماها همان هایی هستید که چنین و چنان گفته اید ؟ اما به خدا سوگند ! من از همه ی شما از خداوند بیشتر می ترسم و از همه ی شما با تقواترم نسبت به خداوند ، لیکن هم روزه می گیرم و هم می خورم ، هم نماز می خوانم و هم می خوابم ، و با زنان هم ازدواج می ـ نمایم ، پس هر کس از سنت و روش من اعراض نماید ، از من نیست ».

تشویق به استقامت در دین

و از دیگر محاسن و زیبایی های اسلام دستور و تشویق به استقامت است و آن عبارت است از ؛ رعایت اعتدال و میانه روی در تمام امور فعلی و قولی ، و محافظت بر تمامی احوال و شرایطی که نفس در آن به بهترین و کاملترین حالت دست می یابد ، که از آن عمل زشتی سرنمی زند ، و مذمت و سرزنش کسی هم متوجه آن نمی شود . و این حاصل نمی شود مگر با محافظت و پایبندی بر شریعت گرانقدر اسلام و تمسک به دین استوار ، و قائم بودن بر حدود و اوامر این دین به همراه تخلق به اخلاق نیکو و صفات کامل . خداوند متعال می فرماید:

﴿ إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملئكة أن لا تخافوا ولاتحزنوا و أبشروا بالجنة اللتى كنتم توعدون﴾

« کسانی که می گویند : پروردگار ما تنها خدا است ، و سپس (بر این گفته ی خود که اقرار به وحدانیت است می ایستند ، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می دهند ، و بر این راستای خداپرستی تا زنده اند) پابرجا و ماندگار می مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می آیند (و بدانان مژده

می دهند)که نترسید و غمگین مباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مومنان) وعده داده می شد » فصلت/ ۳۰

و به پیامبرش ﷺ دستور می دهد که :

﴿ واستقم کما امرت ﴾

« همانگونه که فرمان یافته ای (در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه و پیکار و پیاده کردن تعلیمات قرآن) استقامت کن .» شوری/ ۱۵

و پیامبر ﷺ به سفیان بن عبدالله ؓ فرمود :

« قل آمنت بالله ثم استقم »

« بگو به خداوند ایمان آوردم ، سپس استقامت بورز .»

و از دیگر محاسن دین اسلامی ، **نهی از خوردن و نوشیدن با دست چپ است** ، از جاییکه وظیفه ی آن ازاله و پاک کردن ناپاکی هاست .همچنین شیطان با دست چپ می خورد ، همچنان که در حدیث آمده است .

تحریم سحر و تصدیق کاهنان

و از دیگر محاسن دین اسلام تحریم سحر و جادوگری و تصدیق نمودن کاهن و غیب گو است . رسول الله ﷺ فرمودند:

« ليس منا من تطير أو تطير له ، أو تكـــهن أو تكـــهن لـــه ، أو سحر أو سحر له ، ومن أتى كاهناً فصدقـــه بمـــا يقـــول ، فقد كفر بما انزل على محمـــد ﷺ .»

« از ما نیست آنکه خـود فـال بگیـرد یـا برایـش فـال گرفتـه شـود ، یـا غیـب گویـی نمـاید یـا هـم بـرای او غیـب گویـی شـود ، یـا خـود جـادوگـری نمـاید یـا بـرای وی جـادوگـری شـود ، و هـر کـس پیـش کـاهن و غیـب گویـی بـرود و او را در آنچـه مـی ـ گویـد تـأیید وتصدیـق نمـاید ، بـدون شـك بـر آنچـه بـر محمـد ﷺ نازل شـده اسـت ، کفـر ورزیـده اسـت .»

غنیمت دانستن اوقـات

و از جملـه محاسـن اسـلام تشـویق و ترغیـب بـه غنیمـت شـمردن فرصـت زنـدگـی اسـت بـرای کوشـش و تـلاش در مـورد آنچـه در آخـرت بـه او منفعـت مـی رسـاند . از ابوهریـره ﷺ از رسـول الله ﷺ روایت شده اسـت کـه فرمـود :

« إذا مات ابن آدم إنقطع عملـــه إلا مـــن ثـــلاث ؛ صدقـــة جارية ، أو علم ينتفع به ، أو ولد صالح يدعـــو لـــه »

« هـر گـاه انسـان مـی میـرد ، کلیـه ی اعمـالش قطـع مـی شـود مگـر در سـه مـورد ؛ (۱) صدقـه ی جاریـه (۲) علمـی کـه از آن نفع حاصل مـی شـود (۳) فرزنـد صـالحی کـه برایـش دعـا مـی ـ نماید. » روایـت مسـلم

و الله تعالی هم می فرماید :

﴿ یا أیها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد﴾

« ای مؤمنان ! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا(ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است »حشر / ۱۸.

اعتماد بر الله و اعمال صالح

و از دیگر محاسن دین اسلامی تشویق به وجوب اعتماد بر الله و بعد از آن اعتماد بر ایمان و عمل صالح است ، نه اعتماد بر رابطه و قرابت با دوستان و مقربان درگاه الهی . از ابوهریره ﷺ روایت شده که فرمود :

زمانی که الله عزوجل آیه ی کریمه ی ﴿ و أنذر عشیرتک الأقربین ﴾ را نازل فرمود ، حضرت ﷺ بلند شده فرمود :

« یا معشر قریش ، إشتروا أنفسکم ، لاأغنی عنکم من الله شیئاً ، یا عباس بن عبدالمطلب ، لا أغنی عنک من الله شیئاً ، و یا صفیة عمة رسول الله ، لا أغنی عنک من الله شیئاً ، و یا فاطمة بنت محمد ، سلینی من مالی ، لا أغنی عنک من الله شیئاً»

« ای جمع قریش ! خویش را باز خرید ، من شما را نمی - توانم از (نیازتان) نسبت به الله بی نیاز سازم ، ای عباس

فرزند عبـد المطلب ! مـن چیزی از نیـازت بـه الله را نمـی توانـم بـی نیاز سـازم ، و ای صفیـه عمـه ی رسـول خـدا ! تـو را هـم نمـی توانـم از خـدا بـی نیـاز سـازم ، و ای فاطمـه دختـر محمـد ! از مال مـن (هـر چـه مـی خواهـی) بخـواه ، (چـرا کـه) مـن تـو را از خداوند نمی توانم بـی نیـاز سـازم .» متفـق علیـه

قصیده ای در مورد غربت اسلام

١. أقـول و أولى ما يـرى فى الدفـاتر

و أحسن فيضاً من عيـون المحابر

٢. هوالحمـد للمعبود و الشكر الثنـاء

تقـدس من الغـواة الغـوادر

٣. و جـل عن الأنـداد لا رب غـيره

و عن شـافع فى الإبتـداء أو موازر

٤. وصلـى على مـن قـام لله داعيـاً

وشيـد أعلام الهـدى و الشعـائر

٥. و أوضح دين الله من بعد ما سـفت

علـيه السوافى فى القرى و الجزائـر

٦. و عادى ووالى فى رضـى الله قومـه

و لم يثنـه عن ذاك صـولة قاهـر

٧. محمـد المبعـوث للـناس رحمـة

نذارتـه مقـرونة بالبشـائـر

۸. و بعـــد فإن تعجب لخطب تبلبلـــــت
لفـــادحـــــه أهـــل النهـــی و البصائـــــر
۹. فلا عجبـــاً یوم من الدهـــر مثل مـــــا
أنـــاخ بنـــا من کـــل بـــاد و حـــاضـــر
۱۰. وما ذاک إلا غـــربة الـــدین یا لهـــا
مصیبـــــة قـــــوم من عظـــام الفواقـــــر
۱۱. و تری أهلـــه مستضـــــعفین أذلـــــة
فمـــا بـــین طعـــان علـــیهم و نـــافـــــر
۱۲. مستهـــــزءمنهـــم فینغـــض رأســـــه
و یرموهـــم شـــزر العیـــون النواضـــــر
۱۳. و عاداهم من یدعی العلم و الحجـــــی
و کـــل خلیـــل أو قـــریب مصـــاهـــــر
۱۴. فما شئـــت من شتم وقذف و غیبـــــة
و تنقیصهم فی کـــل نـــاد لفـــاجـــــر
۱۵. و أکـــبر من هـــذا و أعظم فریـــــة
موالاة أهـــل الشرک من کل کـــافـــــر
۱۶. و أعینهـــم فی فعـــل ذاک قریـــرة
فمن صـــامت فی فعلـــــه أو مـــجاهـــــر
۱۷. و من قـــام بالإنکـــار فهو مشـــــدد
یکـــادون أن یبـــدوه فـــوق المنـــابـــــر
۱۸. فإن یحکموابالسوط ضرباً فإن یکـــــن

رجـــوع و إلا بالضبا و الخناجـــــر

۱۹. و أصبح ذوالإيمان فيهم كقـــابض

على الجمر أو فى الجنب صلى المجامر

۲۰. و إخوانه الـــنزاع فى كل قريـــــة

لـــدى أهلها فى ذلهم كالأصاغـــــر

۲۱. و ما زادهم إلا ثباتاً مع الرضـــى

بقلب سليـــم للمهيمن شـــاكــــر

۲۲. فأكرم بهـــم من عصبةالحق إنهـــم

لحفـــظ نصوص الدين أهل تناصــر

۲۳. إذا مابدا نـــص الكتاب و ســـنة

تنـــادوا عبادالله هل من مشـــابــر

۲٤. وعضوا عليهم بالنواجذفـــاهتدوا

وما رغبوا عنها لخرص الخـــواطـــر

۲٥. عليک بهاتيک الصفات منافســـاً

فللـــه ما أسنـــا سناها لســـائـــر

۲٦. هم القوم لايثنيهم عن مرادهـــم

ملامة لـــوام و خذلان نـــاصـــــر

۲۷. بنفسى فتى ما زال يدأب دائمـــاً

إلى ربـــه أكرم به من مهـــاجـــــر

۲۸. مكباً على آى الكتاب و درســـه

بقلب حزين عند تلک الزواجـــــر

۲۹. فیالـــیتنی ألقـــاه یومـــاً لعلـــه
یخبرنی عمـــا حوی فی الضمـــائـــر
۳۰. و نرفـــع أیدینا إلـــی الله بالدعـــا
لینصر دین المصطفی ذی المفـــاخر
۳۱. و ینصر أحزاب الشریعة والهـــدی
و یقمع أهل الزیغ من کل فاجـــر
۳۲. فآه علـــی تفـــریق شمل فهل لمـــا
مضی عـــودة نحو السنین الغـــوابر
۳۳. عسی نصـــرة للـــدین تجمع شملنـــا
تقـــر بها مـــما تری عین نـــاظـــر
۳۴. فیرتاح أهـــل الـــدین فیها أعـــزة
و أعـــداؤه تحت القنا و الحوافـــر
۳۵. وأختم نظمـــی بالصـــلاة مســـلماً
مدی الدهر ما ناضت بروق المواطر
۳۶. علی أحمدوالآل والصحب والـــذی
لهم تـــابع یسعی بفعل الأوامـــر

ترجمـه :

۱. مـن مـی گویـم و شایســته تریــن چــیزی کــه در دفترهــا دیـده مـی شـود وبـهترین فیضــی کــه از چشــمه هــای مرکــب هــا جاری مــی شــود ؛

۲. آن عبارتست از حمد و ستایش و شکر و ثنا برای ذات آن معبودی که از گفته گمراهان خائن فریبکار، منزه و پاك است.

۳. و آن ذاتی که از همه شرکا برتر و و بی نیاز است و پروردگاری غیر از او نیست و از شفاعت کننده، هم در ابتدا و هم در روز حسابرسی گناهان بی نیاز است.

٤. و درود بفرست بر آن ذاتی که به عنوان داعی و دعوتگر برای خدا، قیام نموده و پرچم های هدایت و شعائر دینی را بلند و استوار ساخت.

٥. و دین خدا را واضح کرد بعد از این که بر آن بادهای تند وزید و در روستاها و جزیره ها آن را پراکنده بود.

٦. و برای رضای خداوند با قومش هم دشمنی کرد و هم دوستی و قدرت و قوت هیچ زورمندی از آن مانع وی نشد.

۷. محمد ﷺ [پیامبر] برانگیخته شده، که رحمتی برای مردم بود و بعثتش مقرون و همراه بشارتها بود.

۸ و بعد اگر چه جای تعجب و شگفتی است به سبب مصایبی که عقلا و اندیشمنان را آشفته کرده است پیشامدهای گران آن،

۹. پس از هیچ روزی از روزگار مثل آنچه بر ما از جانب هر شهری و روستایی وارد شد جای شگفتی نیست.

۱۰. و آن مصیبت به جز غربت دین نیست ، و ای وای این مصیبت برای آن قوم از بزرگترین محرومیت ها و مشکلات کمر شکن محسوب می شود .

۱۱. تو این قوم را مستضعف و ذلیل در بین طعنه زنندگان و بدخواهان می بینی .

۱۲. و بعضی از ایشان مورد استهزا و تمسخر قرار می - گیرند ، پس سر را پایین گرفته و ایشان را شراره های چشمان تند و تیز مورد هدف قرار می دهند .

۱۳. و با ایشان سر دشمنی و عداوت برداشتند همه ی کسانی که ادعای علم و لیاقت را دارند و همه ی دوستان و نزدیکان و وابستگان نیز .

۱٤. هر چه دلت بخواهد از فحش و تهمت و غیبت و مذمت ، از ایشان در کلیه ی جلسات فساق و فاجر به عمل می - آید .

۱۵. و از این بزرگتر و زشت تر ، دوستی و ارتباط با مشرکین کافر است .

۱٦. در حالی که چشم همه شان ، چه آنکه بی سر و صدا بوده یا آنکه علناً رابطه داشته به این کار روشن و خنک است .

۱۷. و هر کس به انکار و تردید این عمل بپردازد، متهم به تشدد و تندروی است و عنقریب و خیلی زود او را بر سر منابر رسوا می نمایند.

۱۸. یا (در مورد او) به شلاق حکم می کنند که اگر توبه کرد و از گفته اش بازآمد (فبها)، و الا حکم او گردن زدن است و بس.

۱۹. مؤمن در میان ایشان مثل کسی است که اخگر های آتش را بدست گرفته یا که آتشدان در بغل گرفته است و برافروخته است.

۲۰. و حال برادرانش این است که در هر آبادی جلوی اهل آن آبادی بر سر ذلتشان مثل بچه های کوچک نزاع و اختلاف دارند.

۲۱. (ولی این موارد) جز این که بر ثبات بارضایت و با قلبی سلیم نسبت به ذات نگهبان و قدردان، می افزاید بر چیز دیگری نمی افزاید.

۲۲. ایشان چقدر انسان های با عزت وشریفی هستند از گروه اندك طرفدار حق، بدرستی که آنان برای حفظ آثار دین لیاقت پشتیبانی را دارند.

۲۳. هرگاه تصریحی از کتاب و سنت ظاهر شود، فریاد- برآورند، ای بندگان خدا! آیا استقامت کننده ای هست؟

۲٤. و بر آن (سنت) با دندان چنگ می زنند و هدایت می شوند و از آن به خاطر خیالهای دروغین روی نمی - گردانند.

۲۵. بر تو باد این صفات ، در حالی که رقابت کنی در اینها ، به خدا سوگند ندرخشیده است برق آن برای کسی که در تاریکی میرود .

۲٦. ایشان قومی هستند که ملامت هیچ ملامت گری و تنها گذاشتن هیچ یاری ایشان را از مراد و خواسته شان باز نمی دارد .

۲۷. جانم قربان جوانی باد که دائماً در سیر به سوی پروردگارش در سعی و تلاش است چه مهاجر بزرگی است .

۲۸. (آن کسی که) دائماً بر آیه های قرآن و فراگرفتن آن افتاده است همراه با قلبی حزین در وقت (خواندن) آیه - های وعید و زجرآور .

۲۹. کاش روزی با او روبرو شوم ، شاید مرا از آنچه درون سینه ها و ضمیرها جمع کرده است اطلاع دهد.

۳۰. دستانمان را برای دعا به پیشگاه الله تعالی بلند می - کنیم تا دین دارای مفاخر و افتخارات مصطفیﷺ را نصرت فرماید .

۳۱. و تا این که گروه های اسلامی و هدایت را نصرت دهد و اهل گمراهی را تماماً هر چه فاجر و فاسقند قلع و قمع فرماید.

۳۲. پس افسوس بر متفرق شدن اجتماع [ما]! پس آیا برای آنچه گذشته روز برگشتی هست مثل سالهای گذشته؟!

۳۳. امید است مدد و نصرتی برای دین که تفرق ما را دوباره جمع نماید تا با آن چشم بیننده از آنچه ببیند سرد و روشن شود.

۳٤. و در این جمع، اهل دین با عزت استراحت نمایند و دشمنان آن تحت سرنیزه ها و سمهای اسب [له] گردند.

۳٥. شعرم را با درود و سلام که در طول ایام تا زمانی که رعد و برق باران ها میدرخشد، ختم می کنم،

۳٦. بر احمد ﷺ و آل و اصحابش و کسانی که در انجام اوامر می کوشند تبعیت ایشان را بنمایند.

بار الها! دنیا را بزرگترین هم وغم ما قرار مده! و نه هم انتهای علم ما! و عاقبت ما را دوزخ قرار مده! و بر اثر گناهان مان کسانی که در مورد ما از تو نمی ترسند و بر ما رحم روا نمی دارند، بر ما مسلط مفرما! و ما و والدین ما و سایر مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما! و صلی الله علی محمد و آله و صحبه أجمعین!

حکمت منسوخ شدن بعضی احکام

و از جمله محاسن و زیبایی های اسلام این است که چیزی را بر مؤمنان حرام نگردانیده مگر اینکه بهتر از آن را به ایشان عوض داده است ، چیزی که جایگزین قبلی شده و نیاز به آن را نیز بر طرف ساخته است . همچنانکه ابن قیم - رحمه الله - به این نکته اشاره می فرماید : خداوند قرعه اندازی بوسیله ی تیرها (ازلام) را بر مسلمین حرام گردانیده و در عوض آن به ایشان دعای استخاره را عنایت فرموده ، ربا و سود را حرام گردانیده و در مقابل به ایشان تجارت سودمند را بخشیده است . قمار را حرام نموده و در برابر آن استفاده از مالی که با مسابقه ی اسب دوانی و شتر سواری و تیراندازی حاصل می شود ، حلال گردانیده است .

پارچه ی حریر و ابریشم را بر ایشان حرام گردانیده و بجای آن انواع لباس های فاخر از پشم و پنبه و کتان را عنایت فرموده است .

نوشیدن مسکرات را بر ایشان حرام فرموده و در عوض به ایشان نوشیدنی های گوارا و مفید برای روح و بدن را ارزانی داشته است .

خوراکی های ناپاک را بر ایشان حرام گردانیده و در عوض آن انواع خوراکی ها و غذاهای پاکیزه را مرحمت فرموده است.

و به همین ترتیب اگر کلیه ی تعالیم اسلامی را مورد بررسی قراردهیم ، درمی یابیم که الله - عزوجل - بر بندگانش از یک سو سخت نگرفته ، مگر اینکه از جانب دیگر بر ایشان فراخی و گشایش از همان جنس نموده است .

[خدا گر زحکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری]

والله أعلم ، و صلی الله علی محمد و آله و صحبه و سلم .

نتیجه

ای بندگان خدا ! آنچه از محاسن اسلام شنیدید [و خواندید] نقطه ای است از دریای بی کران زیبایی های دین اسلام ، که خداوند به وسیله ی آن بین تفرق و پراکندگی عرب جمع نمود . و به وسیله ی آن دلها و صفوف ایشان را متحد ساخت و طبیعت و اخلاقشان را تهذیب نمود ، تا از ایشان ملتی نیرومند، با قدرتی وسیع ساخت که زمام امور کره ی زمین را بدست گرفت و پرچم اسلام را در نواحی مختلف آن برافراشت . الله تعالی می فرماید :

﴿ واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداءاً فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً﴾

« و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدانگاه که(برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دل هایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد، پس(در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید .» آل عمران / ۱۰۳

و در جای دیگری می فرماید :

﴿ واذكروا إذ أنتم قليل مستضعفون فى الأرض تخافون أن يتخطفكم الناس فآواكم و أيدكم بنصره﴾

« (ای مؤمنان !)به یاد آورید هنگامی را که شما گروه اندک و ضعیفی در سرزمین(مکه) بودید و می ترسیدید که مردم شما را بربایند ، ولی خدا شما را (در سرزمین مدینه) پناه و مأوی داد و با معونت و یاری خود شما را نیرو بخشید » انفال / ۲٦.

دینی که خداوند آن را در تمام گوشه های آباد دنیا منتشر ساخت ، همچون خورشید درخشان که چیزی مانع شعاع آن نمی شود و مثل ماه تابان که نورش پنهان و تاریک نمی شود .

دینی که دشمنان و بدخواهان آن را می بینی که روزانه با شعور خود یا بدون این که خودشان احساس کنند ، به آن نزدیک می شوند ، چرا که ایشان با اختراعات و علومشان [به جز] این که به اسلام گواهی دهند ، [بر چیزی دیگر] نیفزوده ـ اند. خداوند متعال می فرماید :

﴿ سنريهم آياتنا فى الآفاق و فى أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق﴾

« ما به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) هر چه زودتر دلائل و نشانه های خود را در اقطار و نواحی (آسمانها و زمین ، که جهان کبیر است) و در داخل و درون خودشان (که جهان صغیر است)به آنان(که منکر اسلام و قرآنند)نشان خواهیم داد تا برایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است . » فصلت/ ۵۳

دینی که دشمنان و حسودان آن ، از روزی که نازل گشته برای آن نقشه می کشند ولی همانطور که مشاهده می کنی ، نوری از آن خاموش نشده و برهان و دلیلی از آن ضعیف نگشته است . خداوند متعال می فرماید :

﴿ یریدون لیطفئوا نورالله بأفواههم والله متم نوره و لوکره الکـٰفرون﴾

« می خواهند نور(آیین) خدا را با دهان هایشان خاموش گردانند ، ولی خدا نور(آیین) خود را کامل می گرداند ، هر چند که کافران دوست نداشته باشند .» صف / ۸

ای مسلمان ! کافی است برای تو که بدانی ، دین اسلام شامل خیرهای دنیا و آخرت ، و نعمت های زودرس و نعمت های مدت دار است ، هیچ فضیلت و خوبی نیست ، مگر این که بدان تشویق نموده و هیچ رذیلت و بدی نیست مگر این که از آن تنفر داشته [واز آن بر حذر داشته] است . پس هر گاه به ریسمان استوار آن چنگ زدی و در عمل به احکام آن ، و آراسته شدن به آداب آن ، حریص شدی ، خوشبخت زندگی کرده ای و خوشبخت و پسندیده می میری .

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می فرماید :

۱. هـذا و نصر الـدین فـرض لازم

لا للـــكفاية بل علـــى الأعيـــان

٢. بيـــد و إما باللســـان فـــإن عجـــز

ت فبـــالتوجه والدعـــا بجنـــان

٣. ما بعـــــد ذا والله للإيمـــــان حبـــة

خـــردل يا ناصـــر الإيمـــــان

٤. بجيـــاة وجهـــک خير مسؤول بـــه

و بنـــور وجهک يا عظيم الشـــأن

٥. و بحـــق نعمتـــک التى أوليتـــها

مـــن غير ما عـــوض ولا أثمـــان

٦. و بحق رحمـــتک التى وسعت جميـــع

الخلـــق محسنهم كـــذاک الجـــانى

٧. وبحـــق أسمـــــاء لک الحسنى معـــاً

فيـــها نعوت المدح للرحمـــــن

٨. و بحق حمدک و هو حمد واسع الـــــ

أكـــوان بل أضعاف ذى الأكـــوان

٩. و بأنـــک اللـــــه الإله الحـــق

معـــبود الورى متقدس عن ثـــان

١٠. بل كل معـــبود سواک فباطـــــل

من دون عرشـــک للثرى التحـــتانى

١١. و بک المعـــاذ و لا مـــلاذ ســـواک

أنـــت غيـــاث كل ملدد لهفـــان

١٢. مـــن ذاک للمضطر يسمـــعه ســـــوا
ک يجيـــب دعوته مع العصيـــــان
١٣. إنا توجـــــهنا إليـــک لحاجـــــــة
ترضيـــــک طالبـــها أحق معـــان
١٤. فاجعل قضاياها بعض أنعمک الــــتى
سبـــغت علينا منـــک کل زمـــان
١٥. انصـــر کتابک والرسول و دينـــک
العـــالى الذى أنزلـــت بالبرهـــــان
١٦. واخترته ديناً لنفسک واصطفيـــــت
مقيــــمه من امـــة الإنســــــان
١٧. و رضيـــــته ديناً لن ترضاه مــــــن
هـــذاالورى هـــو قيـــم الأديـــــان
١٨. و أقر عين رسولک المبعوث بالـــــــ
دين الحنيـــف بنصـــرة المتــــدان
١٩. و انصر به النصر العزيز کمثل مـــا
قد کنـــت تنصـــره بکل زمـــــان
٢٠. يا رب وانصـــر خير حزبينا علــــى
حزب الضـــلال و عسکر الشيطان
٢١. يا رب واجعـــل شر حزبينا فـــــداً
لخيـــــارهم والعسکر القـــــرآن
٢٢. يا رب واجعـــل حزبک المنصـــور

أهـــل تراحم و تواصـــل و تـــدان

٢٣. يا رب واحمهـــم من البدع الـــتى

قد أحـــدثت فى الدين كل زمـــان

٢٤. يا رب جنــــبهم طرائقها الـــتى

تقضــــى بسالكــها إلى النـــيران

٢٥. يا رب واهدهم بنور الوحى كـــى

يصـــلوا إليک فيظفـــروا بجنان

٢٦. يا رب كن لهم ولياً ناصـــــراً

واحفظـــهم من فتنة الفتـــان

٢٧. وانصـــرهم يا رب بالحق الـــذى

أنزلتـــه يا مـــنزل القـــرآن

٢٨. يا رب إنهـــم هم الغـــرباء قـــد

لجـــأوا إليک و أنت ذوالإحســـان

٢٩. يا رب قد عـــادوا لأجلک كـــل

هـــذا الخلق إلا صـــادق الإيمـــان

٣٠. قد فارقوهـــم فيک أحوج مـــاهم

دنيـــاً إليهـــم فى رضى الرحمـــن

٣١. و رضـــوا و لايأتيـــک التى من نالهـــا

نال الأمـــان و نال كل أمـــان

٣٢. و رضوا بوحيک من سواه و ما ارتضـــوا

بســـواه من آراء ذى الهذيـــان

٣٣. يا رب ثبتـــهم علـــى الإيمـــــان
واجعلـــهم هداة التأله الحـــــيران

٣٤. وانصر على حزب النفاة عساكر الـــــ
إثبـــات أهل الحـــق والعرفان

٣٥. و أقـــم لأهل الســـنة النبـوية الـــــ
أنصـــار وانصرهم كل زمـــــان

٣٦. واجـــعـــلهم للـــمتقين أئمـــــة
وارزقهــــم صبراً مع الإيقـــــان

٣٧. هـــدى بأمرك لا بمـــا قد أحدثـــوا
و دعـــوا إليه الناس بالعـــدوان

٣٨. و أعـــزهم بالحـــق وانصـــرهم بـــه
نصـــراً عزيزاً أنت ذوالسلطـــان

٣٩. واغفـــر ذنوبهم و أصـــلح شـــأنهم
فـــلأنت أهـــل العفو و الغفـــران

٤٠. و لک المحـــامد كلها حمـــداً كمـــا
يرضيـــــک لايفنى على الأزمـــان

٤١. ملء السموات العلى والأرض والــــــ
موجـــود لعدد منتهى الإمكــــان

٤٢. مما تشـــاء وراء ذلـــک كلـــه
حمـــداً بغير نهـــاية بزمـــــان

٤٣. و على رسولک أفضل الصلـــوات

والتسليم منــــك و أكمل الرضوان

٤٤. و على صــــحابته جميعـــاً والآلى

تبـــــعوهم من بعد بالإحســــــان

ترجمه :

١. نصـرت و مـدد ديـن يـک فريضـه ى لازمـى اسـت و آن هـم نه فرض كفايه بلكـه فـرض عيـن اسـت ، پـس ايـن را لازم بگـير

٢. بـا دسـت يـا بـا زبـان ، و اگـر از ايـن عـاجز و نـاتوانى ، بـا توجه و دعـاى بـا قلـب .

٣. كمـتر از ايـن بـه خـدا سـوگنـد ! اى يـارى گــر ايمـان ! بـه انـدازه ى ذره ى خردلـى هـم گنجـايش ايمـان نيسـت .

٤. اى بـهترين سـؤال شـونده ! تـو را بـه حيـات [جاودانـه] و بـه نور وجـهت اى ذات عظيـم الشـأن قسـم مـى دهـم.

٥. و تـو را بـه حـق نعمـت هـايى كـه بـدون عـوض و قيمـت بـه ما ارزانى داشـته اى قسـم مـى دهـم .

٦. و بـه حـق رحمتـت كـه كليـه ى مخلوقـات و انسـان هـا را از نيكوكار و جنايت كـار دربـر گرفتـه اسـت [مـى خوانيـم] .

٧. و بـه حـق نامـهاى زيبـايت كـه بـا آن ذات بخشـنده[ات]را تعريـف و مـدح نمـوده اى .

٨. و به حق ستایش خودت و آن ستایشی است که تمام کائنات را، بلکه چندین برابر کائنات را شامل شده است.

٩. و به این که تو الله و معبود بر حق و معبود کلیه ی موجوداتی، واز دوم و شریک پاکی.

١٠. بلکه کلیه ی معبود های غیر تو از زیر عرش گرفته تا طبقات زیرین زمین، همه باطلند.

١١. و پناه به تو، و پناهگاهی غیر از تو نیست، تو فریادرس هر پریشان غم زده ای!

١٢. بجز تو، چه کسی صدای درمانده را می شنود و پاسخ می دهد با وجود سرکشی و عصیان [وی].

١٣. ما به تو متوجه شده ایم برای حاجتی که تورا طالب آن با شایسته ترین معانی راضی می گرداند.

١٤. برآورده ساختن این حاجت را، قسمتی از همان نعمتت بگردان که ما را در هر زمان احاطه کرده است.

١٥. کتاب، رسول و دینت را نصرت فرما! آن دین عالی را که با دلیل و برهان نازل کرده ای.

١٦. و آن را به عنوان دین، برای خودت اختیار نمودی، و برپادارندگان آن را از بشریت انتخاب فرمودی.

۱۷. و تو این دین را از بین تمام مخلوقات برای کسی که از او خوشنودی ، پسندیده ای ، [چرا که] آن استوارترین ادیان است .

۱۸. و چشم پیامبر منتخبت را با مدد و نصرت پی درپی این دین حنیفت ، روشن گردان !

۱۹. و آن را همچنانکه در هر زمان نصرت می نموده ای ، به وسیله ی آن مدد و نصرت غالبانه ای بفرما !

۲۰. پروردگارا ! بهترین احزاب و گروه های ما را بر گروه و حزب گمراهی و لشکر شیطان نصرت فرما !

۲۱. پروردگارا ! بدترین احزاب و گروه های ما را برای بهترینشان و لشکر قرآن فداگردان !

۲۲. پروردگارا ! این حزب و گروه یاری شده ات را اهل تراحم و قرابت و نزدیکی بگردان !

۲۳. ربا ! میل ایشان را از بدعت هایی که در این دین در هر زمان واقع شده است ، محافظت فرما !

۲٤. پروردگارا ! ایشان را از راه هایی که سالکش را به جهنم می رساند ، دور بدار !

۲۵. پروردگارا ! ایشان را بوسیله ی نور وحی هدایت فرما ! تا به تو برسند و به دخول جنت ظفریابند .

۲۶. پروردگارا ! تو برایشان ولی و مددگار باش ! و ایشان را از فتنه های فتنه گران حفاظت فرما!

۲۷. و ای نازل کننده ی قرآن ! ایشان را با حقی که نازل فرموده ای مدد و نصرت فرما !

۲۸. پروردگارا ! هم ایشان غربا و بی کسانی هستند که به تو پناه آورده اند وتو صاحب احسانی.

۲۹. پروردگارا ! ایشان با تمام خلق به خاطر تو دشمنی ورزیده اند مگر با مؤمنان صادق الایمان.

۳۰. ایشان را در حالی ترک کرده اند به خاطر تو که از هر زمان از نظر دنیا به ایشان محتاج تر و نیازمندتر بوده اند ، در جهت رضای خداوند بخشنده .

۳۱. و به ولایت و دوستی تو راضی و خوشنودند ، [چراکه] ولایت ودوستی تو را هر کس به کف آرد ، تمام امنیت ها را به دست آورده است .

۳۲. و وحی تو را از دیگر چیزها ، پسندیده اند و علاوه از آن به چیزی دیگر از آرا و نظریات یاوه سرایان ، تن درنداده ـ اند .

۳۳. پروردگارا ! ایشان را بر ایمان ثابت قدم گردان ! و ایشان را راهنمایان سرگشته و حیران قرار بده !

۳٤. لشکرهای اثبات (موحدان) را که اهل حق و عرفانند، بر احزاب و گروه های نفی (مشرکین) پیروزی ده!

۳٥. و برای اهل سنت نبوی، انصار و یارانی بلند فرما! و ایشان را در هر زمان نصرت فرما!

۳٦. و ایشان را برای پارسایان و پرهیزگاران، امام وپیشوا قرار ده! و ایشان را صبر و بردباری با یقین عنایت فرما!

۳۷. [که این پیشوایان] به دستورات تو ارشاد نمایند، نه به آنچه مردم از روی عدوان و دشمنی احداث نموده و به سوی آن دعوت می دهند.

۳۸. و ایشان را با حق و حقیقت عزت بده و نصرتشان فرما! نصرت و مددی غالبانه [چراکه] تو غالب و قدرتمندی.

۳۹. گناهان شان را ببخش و حالشان را اصلاح بفرما! [چراکه] تو اهل گذشت و مغفرتی.

٤۰. و تمام حمد و ستایش ها از آن توست، حمد و ستایشی که تو را راضی بگرداند و در طول زمان ها از بین نرود.

٤۱. (حمدی) به پری آسمان های بلند و زمین، و بعد از آن [به اندازه ی] موجودات، و تا انتهای امکان.

٤۲. از آنچه غیر از این ها همه، تو میخواهی، حمدی بی انتها در زمان.

۴۳. و بر فرستاده ات بهترین درودها و سلامها از جانب خودت ، و کامل ترین خشنودی و رضایت ها را نثار فرما !

۴۴. و همچنین بر کلیه ی صحابه اش و آل و متبعینی که به نیکویی از ایشان پیروی نموده اند .

بار الها ! دلهای ما را با نور ایمان منور گردان ! و ما را از هدایتگران راه یافته قرار ده ! و به بندگان صالحت ما را ملحق فرما ! کسانی که نه ترسی بر ایشان است و نه اندوهگین می - شوند . و ما و والدین ما و سایر مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین مغفرت فرما ! وصلی الله علی محمد و آله و صحبه اجمعین .

و در پایان ، سخنی کوتاه از یکـــی از علمـا تقدیمت مـی شـود :

نظـرت را [اندکـی] بـه گذشـته ی امــت اسـلامی معطـوف دار ، و اسـباب پیشـرفت و شـتاب اولیـه ی آن را بررســی کــن ، پــس مشـاهده خواهـی کـرد کـه آنچـه ایشـان را بـر یـک کلمـه متحـد ساخت ، و همـت تـک تـک ایشـان را بـالابرد ، و رابطـه ی بیـن افـراد امـت را محکـم و اسـتوار گردانیـد ، و امـت را بـه آن درجـه از مکانت و شـرف رسـانید کـه بـا حکمـت هـای دقیـق بـر سـر امـت هـا و ریاسـت و اداره شـان مشـرف گشـت ، تنـها و یگانـه سـبب همـان «دیـن اسـلام» اسـت . (اسـلام) بـا اصـول اسـتوار ، قواعـد محکـم و مشـتمل بـر انـواع حکمـت هـا ، سـبب و برانگـیزنده ی الفـت ، داعـی بـه عشـق و محبـت ، تزکیـه کننـده ی نفسـها ، پـاك کننـد ی دلـها از چرك هاسـت ، کـه از سـرچشـمه ی هـر قضیـه ، اسـباب منـور شـدن عقلها بـه سـوی نـور حـق را فراهـم سـاخت .وکفیـل وضـامن کلیـه ی مایحتـاج بشـریت از مبـانی اجتمـاعی گشـته ، و محـافظ وجـود ایـن مبـانی گردیـد . آری ! ایـن اسـلام اسـت کـه بـا تمـامی اعتقـاداتش بـه سـوی تمـامی جزئیـات مدنیـت صحیـح و درسـت فرامی خوانـد .

اندکی به تـاریخ قبـل از بعثـت دیـن اسـلام نظـر کـن ! بـه هـرج و مـرج و پراکنـدگی ای کـه در آن جامعـه رواج داشـت و بـه غلبـه ی منکـرات و رسـوم پسـت آن ، تـا ایـن کـه دیـن اسـلام آمـد و ایـن

تشتت و پراکندگی را متحد ساخت و قوت و تهذیب بخشید، و عقل ها را منور ساخت و اخلاق را استقامت و قوام بخشید، و احکام آن را استوار ساخت، و بر دنیا سیادت و آقایی کرد. و هر کس متولی آن گشت با عدل و انصاف آن را اداره نمود.

بار الها! ما را از مکرت عافیت بخش! و با ذکر و یادت ما را زینت بخش! و ما را به دستوراتت استعمال فرما! بار الها! ما را به استقامت و عدالت در آنچه ما را متولی آن گردانیده ای، موفق گردان! بار الها! از دنیایی که مانع خیر آخرت شود به تو پناه می بریم! و از زندگی ای که از خیر موت ممانعت نماید، به تو پناه می بریم! و از آرزویی که مانع اعمال خیر و صالح شود به تو پناه می بریم! و از تو می خواهیم که دلهامان را نورانی گردانی! و مارا بر قول و گفته ی ثابتت در دنیا و آخرت ثبات و استقامت عنایت فرمایی! و این که ما و والدین وتمامی مسلمین را با رحمتت ای ارحم الراحمین ببخش! و صلی الله علی محمد و آله و صحبه أجمعین.

الحمدلله الذی بعزته و نعمته تتم الصالحات.

پایان ترجمه شب دهم ذی القعده سال ۱٤۲٤هـ. ق

سید شهاب الدین موسوی

مکه ی مکرمه

فهرست مطالب

تصوير ابو عبدالرحمن الكردي

By : Abdolaziz - ebne Mohammad -ebne Abdorrahman Alsalman

Some of the Virtues of Islam Religion

Translated by : Sayyed Shahabaldin Moosavi



مرکز پخش : انتشارات محمدیه - تربت جام - تلفن : ۲۲۲۸۵۶۱ موسوی